۳۲

مجلهٔ حقیقت

سال ششم - شماره دوم

جمادی‌الاول و جمادی‌الثانی
۱٤٤۰ هـ ق

حوت ۱۳۹۷ حمل ۱۳۹۸ هـ ش

فبروری و مارچ 2019م

* مصادیق صبر در میدان جهاد
* طالبان چشم و اُمید آیندهٔ افغانستان
* د شوراب دوهمه حماسه
* نغمه های صلح و مسئولیت ملت
* مسئلهٔ بغرنج کشمیر؛ حقائق و واقعیت ها

مجلهٔ حقیقت

سال ششم، شماره دوم

جمادی الاول و جمادی الثانی ۱۴۴۰هـ ق

حوت ۱۳۹۷ و حمل ۱۳۹۸ هـ ش

فبروری و مارچ ۲۰۱۹م



فهرست مطالب

یادآوری:

مجله در ویرایش و تصحیح مطالب نویسندگان دست باز دارد.
مطالب نشر شده در «حقیقت» انعکاس دهندهٔ آراء و نظریات نویسنده آن می باشد.
ادارهٔ مجله بدون سرمقاله مسؤلیت هیچ مطلب دیگر را برعهده نمی گیرد.

تماس:
Haqiqat_mag@yahoo.com
کانال تلگرام مجله حقیقت:

T.me/haqiqat_mag



مذاکرات قطر و امیدها در رهگشایی معضله افغانستان

مذاکرات رسمی بین اعضای کمیتهٔ مذاکراتی امارت اسلامی افغانستان و نمایندگان ارشد امریکا در (دوحه) قطر برای پنجمین بار (مورخه ۲۵ فبروی ۲۰۱۹ م) آغاز شد این نشست نسبت به گذشته از چندین جهت بیشتر اهمیت داشت از جمله آنکه در نشست پنجم به شمول هیئت مذاکره کنندهٔ قبلی یک تیم قوی مذاکراتی نیز از سوی مقام رهبری توظیف یافت تا در پیشبرد مذاکرات سهم گرفته و بهتر از قبل سنگر دیپلوماسی تقویت شد، نکتهٔ حایز اهمیت دگر این نشست، اشتراک محترم «ملا عبدالغنی برادر» معاون امور سیاسی امارت اسلامی و مسئول دفتر سیاسی بود که وزنهٔ مذاکرات را سنگین و سبب تقویت و روحیه بیشتر تیم مذاکراتی گردیده و نیز نشانهٔ تمایل جدی امارت اسلامی در حل معضلهٔ افغانستان با جهت های خارجی بود.

مذاکرات قطر در حالی انجام شد که خوشبختانه در میادین نظامی نیز مجاهدین امارت اسلامی همه روزه شاهد پیشرفت ها و پیروزهای پی در پی بوده و سنگرهای شان علیه اشغالگران خارجی همچون گذشته حتی در فصل سرد زمستان گرم و گرم تر بوده و خبرهای خوش و مسرت بخش مخابره می شوند و این مسئله یک چیز مهم را تداعی می کند آنکه مجاهدین امارت اسلامی هرگز از جهاد و مبارزه خسته نبوده و در عین حالیکه توان گفتگو و ایجاد فضای مناسب برای حل معضلهٔ افغانستان از طریق دیالوگ سیاسی را دارند همزمان در میدان های رشادت و جانفشانی نیز برای ختم اشغال و اعادهٔ عزت و حیثیت واقعی سرزمین خود لحظهٔ از مبارزه دست نکشیده و جانانه به مصاف دشمنان دین و وطن خود می روند.

از آنجا که برای حل هر موضوع مقدمات و تمهیدات درست تا رهگشایی حقیقی بسیار مهم است و چه بسا زمان گیر نیز باشد؛ مجاهدان امارت اسلامی در سنگر دیپلوماسی با تلاش خستگی ناپذیر روی مسایل خاتمه اشغال شبانه روز کوشش کرده تا با حفظ دستاوردهای جهاد مقدس و آرمان پاک شهداء و ایجاد زمینه و فراهم نمودن معیارهای درست برای آمدن یک نظام اسلامی و صلح سرتاسری در کشور با جهت های اصلی جنگ مذاکره و گفتگو نمایند و آنچه تا کنون لله الحمد دستگاه دیپلوماسی مبارزان راه حق انجام داده همانند درخشش در میادین نظامی با دستاوردهای کلان و امیدوار کننده به همراه بوده و چه بسا به نصرت الله متعال، دعای ملت ستمدیده، و ایستادگی و درایت بزرگان امارت اسلامی شاهد یک تحول عظیم در سرزمین خود شویم و برای همیشه بساط رنج آفرین و دردناک اشغال بطور کامل از وطن عزیز ما برچیده شود.

امریکا نیز باید بداند که تنها راه حل بحران افغانستان و ختم جنگ و مصیبت در این کشور پایان این جنگ تحمیلی بر افغان هاست و باید (مذاکرات) همین مسیر تعقل و خرد اندیشی را بر مسیر غلط جنگ و آتش افروزی ترجیح داده و بیشتر از این سبب لطمه دار شدن حیثیت جهانی خود و تباهی ملت مظلوم افغانستان نشود و به صدای برحق ملت آزادهٔ افغان گوش داده و دست از اشغال و تجاوز، و تداوم جنایت بر این خاک برداشته و افغان ها را به حال خودشان بگذارند؛ چرا که متاسفانه در ماه های اخیر در پی بمباردمان های کور اشغالگران بیشترین ضربه بر ملت مظلوم و بی دفاع افغان وارد گردیده و بیش از هر زمان دگر مورد ظلم و ستم واقع شده اند.

حال که همهٔ چشم ها بعد از سنگرها به دروازهٔ مذاکرات در کشور قطر برای حل بحران افغانستان دوخته شده از همه کشورهای دنیا و بالخصوص کشورهای همسایه که شاید بیشتر از هر کسی درد افغان ها را درک و مشکلات شان را می شناسند انتظار می رود دست به دست هم داده و سخاوتمندانه و بر مبنای شرافت انسانی با ملت مظلوم همدردی کرده و بزرگترین حق افغان ها که در گردن شان است را اداء نمایند و آن اینکه بشمول امریکا از همه کشورهای متجاوز عاقلانه بخواهند به ندای افغان ها لبیک گفته و دست از اشغال و تجاوز بر این سرزمین برداشته و این مردم مظلوم را بیش از این مورد اذیت و آزار قرار ندهند چرا که افغان ها هرگز در هیچ حالتی تسلیم خواسته های نامشروع و زورگویانهٔ جهانیان نشده و نمی شوند.

***

طالبان

چشم و اُمید آیندهٔ افغانستان

انجینر عثمان

با آنکه برای حل معضلهٔ افغانستان گفتگوها توسط طالبان و جهت های خارجی شدت بیشتر نسبت به سابق پیدا کرده است اما هر چه رو به جلو می رویم نقش طالبان در آیندهٔ افغانستان پررنگ و پررنگ تر می شود؛ دیگر نه گپ های اشرفغنی و کابینه اش باوری مردم می شود و نه کسی به تهدیدهای داکترعبدالله گوش می دهد و نه کسی فریب شعارهای خارجی ها را می خورد بخشی از مردم با صدای بلند و با جرئت طالبان را همین اکنون فریاد می زنند و بخشی دگر کم و بیش حمایت های مستقیم و غیر مستقیم از طالبان دارند یعنی به نوعی طالبان مورد توجه و حمایت عمومی قرار گرفته است.

ملت مظلوم پس از دیدن شعارهای تکراری حکومت های دست نشانده پس از اشغال افغانستان به دست امریکا، دیگر از حرفهای حکومت خسته شده، رنجیده و خاطرشان صد البته مکدر گشته است اگر از صد نفر سروی گرفته شود شاید ۹۰ نفرشان را چنان ناراض از حکومت دست نشانده ببینی که خودت حیران شوی که خدایا این مردم فاسد که به حمایت امریکا بر گرده های ملت ستمدیده سوار شده و تحمیل گشته اند چقدر مورد تنفر و انزجار مردم اند.

دزدی، فساد اداری، اختلاس، بیکاری، چور و چپاول، قتل و غارت، فلاکت و مصیبت شباروزی و هزاران کوفت و زهر ماری که از آدرس حکومت اشرفغنی همه روزه سراغ ملت دردمند ما می آیند ملت مظلوم را چنان ناراضی و ناخوش ساخته که صدای آن ملت و درد مظلومیت شان را یک خود خدا می داند و نه این دست نشاندگان امریکا که فقط به حفظ قدرت و چوکی خود فکر کرده و فقط به دنبال پر کردن

کیسه های پر هوس شان از اموال بیت المال بوده و پولهای صدقه شدهٔ دنیا به اسم ملت شریف را در هزار راه بی جا و بی مورد به اسراف و مصرف می رسانند و چنان غرق عیش و عیاشی خود هستند که نارضایتی ملت را به صدها سال درک کرده نمی توانند.

در چنین حالتی ملت از هر وقت دگر چشم انتظار یک گروه منجی و هدفمند برای نجات کشور از بحران های جاری است کشوریکه نه یک بحران بلکه به صدها بحران خورد و کلان گرفتار است و نه یک درد بلکه به صدها درد آغشته است و چه کسی بهتر از طالبان که خوشبختانه در فکر و عمل در طول سالهای اشغال و پیش از آن اخلاص و توانمندی شان را برای آوردن یک نظام مستقل و ایده آل اسلامی را نشان داده و با مبارزه و ایستادگی در برابر قوی ترین ارتش های دنیا قدرت و صلابت خود را به رخ همه کشیده و اگر بگوئیم افغان های امروز و صباح و آینده های ما مدیون آن قهرمانان خواهند بود چیزی گزاف نگفته و عین حقیقت است؛ پس بدون شک در تحولات جاری این یگانه گروه است که می تواند با درد و درک واقعی به حل مشکلات کشور یکی پس از دیگری پرداخته و با ظرفیت کلان که در طالبان سراغ می رود ان شاء الله روزی دیر نیست که افغانستان را در لیست کشورهای مطرح دنیا ببینیم.

اما آنچه از ملت ما انتظار می رود اینست که دیگر با قوت و جرئت بیشتر از طالبان دفاع کنند و از طالبان بگویند و مردم ناخبر را بیشتر با حقیقت حال شان با خبر بسازند، باید از هیچ نترسند و بدانند که زمان ترس نیز رفته است اکنون که سرسخت ترین دشمنان اسلام و طالبان، به پای طالبان افتاده و تسلیم خواسته های مشروع آنها گردیده و کم کم به شخصیت و کرامت والای شان اعتراف کرده و در حال زمینه سازی قبول جفاهایی که در حق ملت مظلوم افغانستان و طالبان کرده هستند از سایر هموطنان طبعا بیشتر انتظار می رود که به یاری برادران مجاهد خود یعنی طالبان شتافته و با جان و دل حمایت شان کرده و در آوردن نظام مستقل و با شکوه اسلامی در قیادت طالبان همراهی و همکاری نموده و یقین کنند دستمزد این خدمات مخلصانه شان را هم در دنیا و هم در آخرت خواهند دید.

طالبان منجیان واقعی این سرزمین از دست شر و فساد، از دست اشغال و از دست بسیار زورگویی های تحمیلی بر مظلومین است پس چه بهتر که ضمن همکاری و همراهی همیشه وقت در حق شان دعای خیر نموده و برای بهروزی و پیروزی شان دست به دعاء باشیم.

خلاصه تر اگر بنویسم ...

طالبان منجیان واقعی این سرزمین از دست شر و فساد، از دست اشغال و از دست بسیار زورگویی های تحمیلی بر مظلومین است پس چه بهتر که ضمن همکاری و همراهی همیشه وقت در حق شان دعای خیر نموده و برای بهروزی و پیروزی شان دست به دعاء باشیم ما افغان ها همیشه اینطور دعاء کرده و می کنیم که خدا هر کسی که به خیر اسلام و این کشور است پیروزشان کن ان شاء الله روزی این دعاء حتما قبول شده و خواهیم دید که مصداق دعای ما از خیرین به اسلام و وطن چه کسانی بوده و چه کسانی لیاقت خیر بودن و لیاقت قیادت افغان ها را دارند.





نغمه های صلح و مسئولیت ملت

سادات چرخی

اشغال کشور کاملا برملا و مقاومت ملت زیر پرچم امارت اسلامی تاریخ ساز است و سخنان بوش رئیس جمهور وقت امریکا را نیز همه به یاد دارند که مغرورانه می گفت که دیگر طالبی در کار نیست زنده و یا مرده آنان را بیاورید تا آنان را به نابودی ابدی محکوم نمائیم.

ملت برای یکسال اعمال ننگین اشغالگران امریکایی ومزدوران حلقه بگوش داخلی شان را تماشا کردند و دیدند که هر ریش بلند وعمامه بر سر را به اتهام اینکه با طالب ها زمانی گشت وگام کرده اند و یا ربط خویشاوندی دارند ، بازداشت و بگونهٔ مجرم ترین انسان به زندان های تاریک گوانتانامو، بگرام وزندان های خصوصی خارجی ها وامنیت ملی می فرستادند ، نه تنها با چنین حرکات خصمانه اکتفا نکردند حتی از محاکمه شماری که در وقت اشغال شوروی ها جهاد کرده بودند، سخن میگفتند وبرای محاکمه آنان آماده گی ها میگرفتند ودر مورد آنان در رسانه ها ومیزهای مدور بحث های گرم راه اندازی شده بود.

ملت قهرمان وغیور افغانستان که هرگز اشغال پذیر نیستند، یکبار دیگر تحت پرچم امارت اسلامی بسیج شدند و علیه اشغالگران و مزدوران شان به مقاومت های مسلحانه آغاز نمودند.

اشغالگران امریکایی که مقاومت روز افزون مجاهدین امارت اسلامی را مشاهده کردند و از راه جنگ و فشار نظامی پیروزی شان را نا ممکن دانستند، به مکر ودسیسه ها پرداختند و همچو اشغالگران کمونیستی، سناریوی صلح ومصالح ملی را عنوان نمودند که در حقیقت امریکایی ها هرگز با صلح معتقد نبودند و انتخاب رئیس های شورای نام نهاد تحکیم صلح شان، دلیل آشکار بر ثبوت این مدعی بود که همین رئیس های صلح، سالیان متمادی با مجاهدین امارت اسلامی جنگیده بودند و با مجاهدین کینه وعقده های دیرونه داشتند.

در واقعیت اگر امریکایی ها بوسیله تشکیل شوراهای صلح ، صلح میخواستند می توانستند که رئیس

واعضای این شورای نام نهاد را از کسانی بسازند که هرگز با مجاهدین امارت اسلامی مقابل نشده بودند و دست شان با خون ملت نیز آلوده نمی بود اما امارت اسلامی عزایم واراده های اشغالگران امریکایی ورژیم دست نشانده شان را از قبل درک کرده بود که این پروسه نمایشی رژیم کابل، جز حیف و میل کردن میلیون ها دالر، فریب دادن مردم عامه و مصروف ساختن ملت و مجاهدین، دیگر چیزی نیست.

این مکر وفریب کاری ها و برنامه های تقلبی پروسه صلح، نه تنها مقاومت مجاهدین را کاهش نداد بلکه عزم و اراده مقاومت مجاهدین امارت اسلامی را در برابر اشغالگران و مزدوران داخلی شان، بیشتر محکم ساخت و در این مورد مجاهدین امارت اسلامی خوبتر متوجه مسئولیت شان شدند یعنی به جهاد و مقاومت بیشتر ادامه دادند و علیه اشغالگران ومزدوران داخلی جبهات مختلف نظامی، سیاسی و فرهنگی را توسعه ساختند و دشمن مجبور شد که پروسه صلح قلابی شان را به صلحی که اکنون جریان دارد، تغیر دهند و معضله اشغال را از راه گفتگو حل نمایند که هنوز این پروسه به اشکال مختلف ودر جاهای مختلف ادامه دارد و مجاهدین همه این برنامه های دشمن را دقیقا پیگیری می نمایند وهمین مسئولیت امارت اسلامی است که از هر راه که ممکن باشد کشور را از چنگ امریکایی ها آزاد سازد.

ونخستین اولویت امارت اسلامی همین است که خاتمه اشغال کشور و اقامه نظام اسلامی در نتیجه گفتگو و از راه های دیالوگ ومصالحه بدست بیاید و فشار نظامی انتخاب دومی آن می باشد .

امارت اسلامی علاوه بر اینکه جبهات نظامی اش را فعال نگهداشته، درجبهه سیاسی وفرهنگی چانه زنی های را با اشغالگران امریکایی ادامه می دهند و همین مسئولیت امارت اسلامی نیز می باشد که در هر جبهه حضور فعال داشته باشد.

اما دراین شرایط حساس مسئولیت ملت وعموم مجاهدین چه خواهد بود؟

دراین هیچ شک وتردیدی وجود ندارد که همه این قربانی ها وجان فشانی های ملت و مجاهدین برای خاتمه اشغال و اقامه نظام خالص اسلامی می باشد و برای نائل شدن به این هدف علیا جبهات گوناگون

امارت اسلامی علاوه بر اینکه جبهات نظامی اش را فعال نگهداشته، درجبهه سیاسی وفرهنگی چانه زنی های را با اشغالگران امریکایی ادامه می دهند و همین مسئولیت امارت اسلامی نیز می باشد که در هر جبهه حضور فعال داشته باشد.

******

دشمنان اسلام هنگامی که در میدان جنگ شکست خورده اند، از راه های گفتگو توانسته اند تحرکات رزمی مجاهدین را مهار وخود را پیروز سازند اما رهبری امارت اسلامی که لله الحمد کاملا از فراست سیاسی برخورد ار است متوجه همین مکر های دشمن می باشد.

مقابله را تجربه می نمایند، پس مسولیت مهم ملت ومجاهدین است که آنان نباید تحرکات نظامی و رزمی شان را علیه لانه های دشمن متوقف سازند بلکه حملات نظامی شان را طبق هدایت رهبری امارت اسلامی از همه وقت دیگر بیشتر سریع و گرمتر سازند تا آخرین لانه دشمن بدست مجاهدین امارت اسلامی تصرف شود.

گذشته ها ثابت ساخته است که دشمنان اسلام هنگامی که در میدان جنگ شکست خورده اند، از راه های گفتگو توانسته اند تحرکات رزمی مجاهدین را مهار وخود را پیروز سازند اما رهبری امارت اسلامی که لله الحمد کاملا از فراست سیاسی برخورد ار است متوجه همین مکر های دشمن می باشد همچنان ملت وعموم مجاهدین نیز مسئولیت شان را درچنین وضعیت حساس باید خوب تر درک نمایند و یک لحظه هم از جهاد ومبارزه دست نکشند بلکه طبق هدایت مقام رهبری امارت اسلامی از همه وقت دیگر بیشتر به مقاومت ومبارزه مسلحانه سرعت ببخشند تا اشغال کشور پایان یافته و نظام خالص اسلامی در کشور قایم گردد.

***



فتح قلبها

سعید مبارز

پیروز و غالب شدن، شکست و مغلوب گردیدن حریفان و صفوف متقابل بر یکدیگر از قدیم الایام تا به امروز یک امر مسلم و پذیرفته شده است و قضاء و مشیت خداوند بر همین رفته است که روزی صاحبان یک ایده ، فکر و اندیشه بر مخالفینش پیروز گردیده و اریکهٔ قدرت را به دست میگیرند و اهداف ، پلانها ، نقشه ها و طرحهای درازمدت و سنجیده شدهٔ که برای ادامهٔ قدرت و حکمروانی بر روی کرهٔ زمین دارند به اجرا می گذارند

اما روزی دیگر ناخود آگاه می بینیم که این گروه از صحنهٔ قدرت محو شدند و بالمقابل صاحبان ایدهٔ نوین و فکر نوین با اهداف و پلانهای جدید قدرت و حکومت را بدست گرفته و وارد میدان شدند (تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء. آل عمران : ۲۶)

اما نباید فراموش کرد که پیروز واقعی آن حاکم و قدرتمندی است که حمایت مردمی را با خود داشته و در قلب مردم جا گرفته باشد ، و پایه های مستحکم دولت او بر عدل و عدالت ، ترحم و شفقت ، امنیت و آسایش استوار بوده و مقصد اصلی او اجرای عدالت پسندیدهٔ الهی ، محو ظلم و استبداد ، خدمت صادقانه به ملت و مردم باشد. بسا حکمرانان قوی و قدرتمند بودند که با زور و ظلم سالها بر مردم حکم راندند و طبق دل شان تاخت و تاز نمودند اما سرانجام به اثر ظلم و استبداد و بیعدالتی که داشتند پایه های مستحکم دولت شان شکسته شده و ازبین رفتند .

مدت ۱۸ سال است که کشور عزیز ما افغانستان توسط دژخیمان دوران اشغال گردیده و بر سر ملت مظلوم ما هر نوع ظلم و طغیان ، فساد و تباهی ، قتل و غارت در جریان است. طبعا از اشغالگران و از اداره و دولت نامشروع که زاییده و نتاجهٔ اشغال می باشد و در راس آن سارقین و غاصبین قرار دارند هیچگونه امیدی برای برقراری عدالت اجتماعی نبوده و نیست.

در نصوص شرعی بر تطبیق عدالت اجتماعی تاکید فراوان شده و آیات و احادیث متعدد در این رابطه وجود دارد .

به عنوان نمونه خداوند جل جلاله در سورهٔ نساء آیه ۵۸ می فرماید : «إِنَّ اللّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤدُّواْ الأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَن تَحْكُمُواْ بِالْعَدْلِ إِنَّ اللّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِ إِنَّ اللّهَ كَانَ سَمِيعاً بَصِيراً »

ترجمه: بیگمان خداوند به شما (مؤمنان) دستور می‌دهد که امانتها را (اعم از آنچه خدا شما را در آن امین شمرده ، و چه چیزهائی که مردم آنها را به دست شما سپرده و شما را در آنها امین دانسته‌اند) به صاحبان امانت برسانید ، و هنگامی که در میان مردم به داوری نشستید این که دادگرانه داوری کنید . (این اندرز خدا است و آن را آویزه گوش خود سازید و بدانید که) خداوند شما را به بهترین اندرز پند می‌دهد (و شما را به انجام نیکیها می‌خواند) . بیگمان خداوند دائماً شنوای (سخنان و) بینا (ی کردارتان) بوده و می‌باشد (و می‌داند چه کسی در امانت خیانت روا می‌دارد یا نمی‌دارد ، و چه کسی دادگری می کند یا نمی کند) .

هدف و مقصد اصلی از جهاد و مبارزه هم این است که چنان حکومت اسلامی تاسیس شود که پایه هایش بر عدل و عدالت استوار بوده و همه مردم با امن وآرامش در سایهٔ آن زندگی کنند ، مظلوم به حقش رسیده و خاین به جزایش برسد.

مردم مظلوم و ستمدیدهٔ ما تشنهٔ صلح ، رفاه ، آسایش

، امنیت و آرامش که زاییدهٔ تطبیق عدالت پسندیدهٔ الهی می باشد ، هستند و تنها به کسی دل می بندند و از او حمایت می کنند که آرزوها و آرمانهای شان را برآورده سازند و اولین کسانیکه که در شرایط امروزی مردم مظلوم ما چشم امید به او دوخته اند و از او انتظار تطبیق عدالت را در بین جامعه دارند مجاهدین امارت اسلامی می باشد. پس مهمترین چیز برای فاتحین امارت اسلامی در مناطق مفتوحه جهت جلب توجه و حمایت مردم و استحکام بخشیدن پایه های حکومت خویش در بین جامعه فتح قلبها و بدست آوردن دلهای رعیت وزیر دستان می باشد و اینها زمانی می توانند قلبهای مردم را بدست آورند که چنانچه بخاطر اقامهٔ حکومت اسلامی خونها ریختند ، جانها نثار کردند ، سرمایه ها مصرف کردند همچنان بخاطر تطبیق عدالت الهی در سرزمینهای مفتوحه کوشا باشند و بخاطر اجرای آن نهایت کوشش را به خرج دهند اما اینکه زمامداران امور مسلمین در قرون گذشته و در عصر حاضر تا چه حد پایبند این دستور قطعی الهی بوده و هستند قابل تعمق است و اگر این همه مشکلات و ناهنجاریهای که در گذشته و امروز دامنگیر جوامع اسلامی است و این همه نفرت و انزجار که مردم از زعماء و مسوولین داشتند و دارند از اثر بی توجهی و چشم پوشی زمامداران امور در راستای برقراری عدالت اجتماعی بدانیم توجیه بیجایی نخواهد بود .

چه زیبا فرموده مولانای روم :

از عدالت این جهان روشن شود
وزعدالت قبر گلشن شود
آن عدالت پرور صاحب خرد
نام او زنده بماند تا ابد

یک مجاهد و داعی بخاطر ادای مسوولیت شرعی خویش از سوی جاهلان و نااهلان شاید مورد ضرب وشتم قرار می گیرد ، حق او تلف می گردد ، آبروی او ریخته می شود ، جان او در خطر می افتد اما روزی خداوند دست او را بالا کرده واو را قدرتمند می سازد بنحوی که می تواند به آسانی از ظالمین انتقامش را بگیرد در این صورت برای یک داعی و مجاهد لازم است که بخاطر رضای الله ج و بدست آوردن قلوب دشمنان و متاثرساختن ایشان از رهنمودهای پیامبر اسلام ص استفاده نماید.

پیامبر ص وقتیکه مکه مکرمه را فتح نمود در نزد دروازه کعبه ایستاده شد و به قوم قریش خطاب کرد ، قومی که مدت ۱۳ سال از دست شان جز رنج و زحمت ، طعنه وسرزنش و برخوردهای جاهلانه چیز دیگری ندیده بود تا بالآخره از شان به مدینه منوره هجرت کرد.

برایشان فرمود : شما اکنون در حق من چه گمان دارید ؟

**** نباید فراموش کرد که پیروز واقعی آن حاکم و قدرتمندی است که حمایت مردمی را با خود داشته و در قلب مردم جا گرفته باشد ، و پایه های مستحکم دولت او بر عدل و عدالت ، ترحم و شفقت ، امنیت و آسایش استوار بوده و مقصد اصلی او اجرای عدالت پسندیدهٔ الهی ، محو ظلم و استبداد ، خدمت صادقانه به ملت و مردم باشد.**

**** هدف و مقصد اصلی از جهاد و مبارزه هم این است که چنان حکومت اسلامی تاسیس شود که پایه هایش بر عدل و عدالت استوار بوده و همه مردم با امن وآرامش در سایهٔ آن زندگی کنند ، مظلوم به حقش رسیده و خاین به جزایش برسد.**

گفتند : ما در حق شما گمان خیر داریم (اخ کریم و ابن اخ کریم) برادر جوانمرد و فرزند برادر جوانمرد هستید.

فرمودند : بلی من در بارهٔ شما چیزی می گویم که برادرم یوسف گفت (لاتثریب علیکم الیوم) امروز هیچگونه توبیخ و ملامتی بر شما نیست همه را عفو نمودم . این گذشت آنحضرت ص باعث گردید تا قلبهای آنها از عفو و گذشت نبی اکرم متاثر گردیده و بسیاری از آنها به دین اسلام مشرف شدند و دوستان صمیمی گردیده و در رکاب وی خدمت می نمودند (فاذا الذی بینک و بینه عداوة کأنه ولی حمیم).

پس ای برادر مجاهدم !

برای فتح سنگرها و قلعه ها از سیف و سنان ، تیر و کمان ، و زور بازویت کار بگیر و برای فتح دلها از اخلاق نیکو ، گفتار نرم و رفتار شایسته استفاده کن تا به اوج قله های فتح و پیروزی برسی و تمام دشمنان و حریفانت تسلیم حقانیت تو شوند ، باید شمشیر عدالت تو برای خاینین و ظالمین عذاب بوده و برای مظلومین و زیردستانت امید زندگی باشد.

برادر مجاهدم !

امیدوارم که از ثمرهٔ جهاد و مبارزه ات مجد از دست رفتهٔ خویش واپس گرفته بار دیگر گلیم عدل و عدالت الهی در روی زمین هموار شده ، بساط ظلم ، فساد ، تباهی و بربادی ، برای ابد جمع شود .

بازوانت قوی، شمشیرت برنده و سرزمینت وسیع باد !

*****
***



مخالفت با صلح؛ چرا؟

موفق افغان

مردم مظلوم و ستمدیدهٔ افغان از چهار دهه به اینسو در دشوارترین حالات زندگی می کنند. آنان قربانی جنگ و آرمان های کسانی شدند که مصلحت و مفاد خودرا در جنگ می بینند. در دهۀ هفتاد هجری شمسی هنگامی که در اثر جنگ های داخلی، قوماندان سالاری و پاتک سالاری ها مردم تماما از زندگی، مال و اولاد خود مایوس شده بودند. آنان در خانه، بازار، مکتب و دفتر محفوظ نبودند و هر لحظه مرگ، تجاوز، دزدی و یغماگری در کمین زندگی آنان بود. خداوند متعال طالب را همچو رحمت الهی فرستاد و این ملت مظلوم را موقع و فرصت داد تا نفس راحت بکشند و از نعمت امنیت برخوردار شوند. دشمنان اسلام با همکاری با دشمنان صلح و آرامی مردم نتوانستند این آرامش و زندگی آسودهٔ مردم را متحمل شوند بنابرین در تلاش سازش علیه نظام امارت اسلامی شده و بالاخره موفق شدند مردم را از این نعمت الهی محروم سازند و در بدل آن یکبار دیگر کشور را به جنگ، کشتار، نا آرامی و بدبختی بکشانند.

در سال ۲۰۰۱ میلادی هنگامی که اشغالگران با همکاری و مساعدت وطن فروشان داخلی تصمیم هجوم و یورش بر ملت مسلمان افغان را گرفتند امارت اسلامی بارها از آنان تقاضا کرد تا اگر مشکل و معضله یی با امارت دارند بیایند آنرا از طریق مذاکرات، گفتگوها و دیالوگ و راههای قانونی و معقول آن با امارت اسلامی در میان بگذارند تا با هم در راه حل آن تلاش صوررت گیرد مگر دشمن مغرور و متکبر گمان می کرد که چرا با این بزرگی خود به این تقاضای امارت اسلامی لبیک گوید و راه حل برای مشکلات تلاش کند و به همین سبب راه زور، جنگ، قتل، غارت و فساد را اختیار کرد و با استفاده از اجیران خود فروخته یکبار دیگر مردم را به خاک و خون کشانیدند. امیر المومنین ملا محمد عمر مجاهد رحمه الله در آن زمان نیز با درک و اندیشه اسلامی و داشتن شاخصهٔ رهبریت خود دشمن را متوجه این اشتباه بزرگ ساخت و گفت که امروز ما خواهان مذاکرات و گفتگو با شما هستیم اما شما نمی پذیرید مگر فردا روزی خواهد آمد که شما در مقابل ما زانو خواهید زد و از ما خواهان صلح و آتش بس خواهید شد. اینک بعد از گذشت هژده سال و

بعد از قتل و غارت، به کاسهٔ غم نشاندن ملت برای دو دهه و فساد در زمین، دشمن به این حقیقت پی برد و دانست که ممکن نیست نیروی ایمان را با اسلحهٔ و تکنالوژی از بین برد و بالاخره پیشنهاد مذاکرات و گفتگو کرد.

اگرچه تا کنون نمی توان بطور مشخص هدف دشمن را از مذاکرات و گفتگوها آوردن صلح و آرامش دانست و یا دشمن را در این راستا صادق دانست زیرا تا کنون با گذشت چندین دور مذاکرات و نشست ها دشمن همچنان بر زور، جهالت و خونخواری خود پافشاری می کند اما به هر حال یک روزنهٔ امید و روشنی برای ملت مظلوم و رنجدیدهٔ ما باز شده است و بسوی آن می نگرند و امید دارند که دشمن با درک حقایق به خواست های قانونی و معقول امارت اسلامی تن داده و دیگر دست از تجاوز، اشغال، فساد و خونخواری بکشد و بگذارد ملتی که از چهار دهه به اینسو لحظه یی احساس آرامش نکرده است بداند که زنده است و در عالم امنیت زندگی می کند.

با وجود این تذبذب دشمن در مذاکرات و تقاضاهای نا معقول که هرگز منجر به صلح و امنیت نخواهد شد بلکه باعث ادامهٔ مشکلات و ناهنجاری ها در کشور خواهد بود، عده یی توان تحمل همین حالت را نیز نداشته و مصلحت خودرا در بقای اشغالگران و موجودیت یک نظام فاسد و ضعیف می بینند.

آنان می دانند که در وضعیت کنونی بهتر می توانند زندگی مرفه نموده و خون ملت را از این بیشتر بچوشند و از این ملت بیچاره بهره گیری کنند. آنان بهتر می دانند که مردم مظلوم افغانستان باید در مقابل بر آورده شدن این آرزوهای شان باید به شکل روزانه قربانی دهند، بهترین فرزندان خودرا به صف جنگ بفرستند، خانه و زندگی خودرا از دست دهند مگر اینهمه برای آنان مهم نیست بلکه مهمتر از همهٔ اینست که بقای این حالت ناگوار کنونی باعث بقای بیشتر قدرت آنان بوده و می تواند مصلحت های شخصی و دنیوی آنان را خدمت کند.

عده دیگری که در جریان هژده سال گذشته توانسته اند در ترویج و پخش فساد اخلاقی در کشور سهم داشته باشند، از این فساد و بد اخلاقی به عنوان دست آوردهای خود در جریان سالهای اشغال یاد آوری نموده و بیم دارند که با آمدن نظام اسلامی

کسانی که مخالف صلح و آمدن حکومت اسلامی اند همه کسانی اند که یا خوف دارند قدرت را از دست خواهند داد و یا در هراس اند که دارایی های غیر قانونی و ثروت های حرام شان مورد باز پرس قرار گرفته و در نتیجه شاید آنان مجبور به برگشتاندن آن به بیت المال گردند.

آنان این دست آوردهای خودرا از دست دهند و بنابرین اگرچه موجودیت این فساد به قیمت هزاران جان جوانان کشور نیز تمام شود برای آنان ارزشمند بوده و خواهان بقای وضعیت کنونی و تقدم و پیشرفت بیشتر در مجال نشر و پخش فساد می باشند.

بطور مختصر اگر امروز به حالت کشور دیده شود به نظر می رسد کسانی که مخالف صلح و آمدن حکومت اسلامی اند همه کسانی اند که یا خوف دارند قدرت را از دست خواهند داد و یا در هراس اند که دارایی های غیر قانونی و ثروت های حرام شان مورد باز پرس قرار گرفته و در نتیجه شاید آنان مجبور به برگشتاندن آن به بیت المال گردند. چنانچه عده دیگر بیم دارند که مبادا دست آوردهای بد اخلاقی آنان که جوانان ملت را به یک منجلاب اخلاقی و دینی کشانیده است ضایع شود و یکبار دیگر مردم بسوی اخلاق اسلامی رو آورده و دست از چنین فحشا و رزالت ها بکشند. تمامی این اقشار مخالف با صلح می دانند که ملت باید در راه حفاظت قدرت، ثروت و دست آوردهای آنان باید سالهای متمادی دیگر قربانی دهد، از نعمت صلح و آرامی محروم گردد، اشغالگران بر اوضاع مسلط باشند، فساد اخلاقی و اداری دامنگیر ملت باشد و صدها مشکل دیگری که امروز ما شاهد آن هستیم باید استمرار پیدا کند اما با وجود اینهمه مصلحت های آنان ایجاب می کند که اینهمه به همین منوال به پیش برود و صلح و آرامش در سایهٔ حکومت اسلامی که به خیر و فلاح دین و دنیا مردم ما است نیاید.





راپور مختصر از توزیع مجلۀ حقیقت در ولایات شمالی کشور

ارایه کننده: نورانی عزام
ترجمه: واحد ترجمه و تحقیق مجله

اشاره: چندی قبل مسئول ساحوی در زون شمال غرب محترم نورانی صاحب از استقبال بی نظیر مردم در ولایات شمالی راپور جالب و مختصری را به آدرس ادارۀ مجله حقیقت ارایه کرد که غرض استفاده خوانندگان عزیز توسط «واحد ترجمه و تحقیق مجله» آن راپور از پشتو به دری ترجمه گردید که اینک خدمت علاقه مندان مجله تقدیم می شود.

مجله ها و رسانه ها و بطورعموم تمام رسانه های چاپی و مواد سمعی و بصری برای تربیت و آموزش یک جامعه و برای ساختن افکار اسلامی می تواند مفید و سبب اصلاح و تقویت فکری شود. در واقع همین مجله و رسانه های اجتماعی اند که در جهان امروز فاصله و جدایی ملت ها را از میان برداشته مشکلات و چالش ها را از سر راه آن دور ساخته و یک آینده بهتر را تضمین کرده و می کند.

همزمان با اشغال افغانستان توسط امریکایی ها تمام رسانه ها در خدمت اشغالگران قرار گرفت و به حمایت از اشغالگران برعلیه مجاهدین به تبلیغات پوچ و دروغین پرداختند و متاسفانه تا اکنون سنگر قلمی آن در مقابل امارت اسلامی دوام دارد و همیشه اهداف شوم خود را اظهار می کنند که در جریان همین دروغ پردازی ها و افواهات گاهی بنام امارت اسلامی اعلامیه های جعلی را به نشر می‌رسانند گاهی هم در پی عملیات های خیالی اداره اجیر کابل ارقام بی اساس تلفات مجاهدین را پخش می کنند و یا گاهی هم چنین می شود که تلفات مردم ملکی را به مجاهدین نسبت داده اند گویا اینکه در اثر حملات مجاهدین

به مردم ملکی تلفات وارد شده است امثال این ها، افواهات گوناگون دگری نیز پخش می کنند که خوشبختانه با وجود اینکه امارت اسلامی با انواع محدودیت‌ها، مشکلات اقتصادی و تعزیرات مالی رو برو است و به امکانات مطبوعات معیاری هیچ گونه دست رسی هم نیست مگر با امکانات خیلی ناچیز و وسایل اندک فعالیت خود را در رسانه های اجتماعی از بدو اشغال آغاز نموده و در پهلوی آن به چاپ و توزیع مجله ها هم شروع کرده است.

کمیسیون امور فرهنگی امارت اسلامی در کنار ارایه دادن دیگر مجله های علمی و تحقیقی (مثل مورچل، شهامت، خرک، شریعت و الصمود) به مجله حقیقت و چاپ آن نیز از آغاز تاسیس مجله تا اکنون بسیار همت کرده است و قسمیکه در آغاز کار مجله حقیقت با نوعی از مشکلات تخنیکی و اقتصادی رو برو بود اما به همت مدیر مسول محترم مجله، و نویسندگان مجاهد آن هر نوع مشکلات را خیلی با حوصله مندی کامل تحمل نموده و مجله حقیقت را با مطالب زیبا، نوشته های مهم، و مضامین جذاب جاری نگه داشته اند.

«حقیقت» در مدت شش سال تقریبا خلاف توقع بسیار خوب درخشیده ولله الحمد والمنه اکنون هم در صحافت زیبا، نوشته های دلربا، مطالب دلنشین به مردم مجاهد پرور خود در روشنایی حقیقت، خدمات ارزشمند فکری ارایه می کند.

مجله حقیقت که در خیلی از ولایت های کشور توزیع میشود، علاقه مندان و خوانندگانش از همه بیشتر است بنده شخصا با چشمدید خود می گویم هنگامیکه مجله حقیقت را به ولایت های مربوطه خود توزیع می کنم از جاهای بسیار دور و ولسوالی های خیلی دور دست، دانشمندان، ژورنالیستان، علماء بزرگ، استاذان مکاتب، مبصرین سیاسی، آمده خیلی به ذوق وعلاقه خاص واخلاص مندی مجله را دریافت و بار بار تقاضای توزیع بیشتر می کنند.

وقتی شماره ۳۲مجله حقیقت در حال جمع آوری مواد بود علاقه داشتم از فرصت استفاده کرده و مطلبی هر چند مختصر در کنار سایر مطالب دلنشین آن، به ادارۀ مجله تقدیم کنم که بسیار با خوش رویی و استقبال گرم اداره مجله مواجه شده و مطلب من را که بیشتر شکل یک راپور دارد را در این شماره گنجانیدند؛

«حقیقت» در مدت شش سال تقریبا خلاف توقع بسیار خوب درخشیده ولله الحمد والمنه آکنون هم در صحافت زیبا، نوشته های دلربا، مطالب دلنشین به مردم مجاهد پرور خود در روشنایی حقیقت، خدمات ارزشمند فکری ارایه می کند.

****

شخصا افتخار این را دارم که در کنار دیگر مجلۀ های امارت اسلامی با مجله حقیقت خیلی ذوق وعلاقه خاص داشته و همواره خیلی با شوق و ذوق فراوان مضامین آن را خوانده و در توزیع و سفارش آن به دیگر برادران خود دریغ نکرده و نمی کنم.

من شخصا افتخار این را دارم که در کنار دیگر مجلۀ های امارت اسلامی با مجله حقیقت خیلی ذوق وعلاقه خاص داشته و همواره خیلی با شوق و ذوق فراوان مضامین آن را خوانده و در توزیع و سفارش آن به دیگر برادران خود دریغ نکرده و نمی کنم.

در اخیر دعاء می کنم خداوند جل جلاله مدیر مسول مجله حقیقت را و تمام دست اندرکاران، و نویسندگان آن را در بدل این خدمت بزرگ حسنات نیکو، و اجر کامل بدهد و مجددا یادآور می شوم که خرسندم از اینکه مجله حقیقت را دریافت کرده و آن را می خوانم.



چون اسلام را نمی شناسند با آن مقابله می کنند

نویسنده: عبدالله احمدی
ترجمه: سعید مظلوم یار

بالای هر جوان مسلمان که مرد باشد یا زن در راه الله جل جلاله جهت تحقق اوامر دین مقدس اسلام، قایم نمودن نظام اسلامی، ایستادن در سنگر اسلام برای مقابله باطاغوت لازم و واجب است که برای ساختن جامعه اسلامی تلاش نهایی خود را بخرچ داد، تنها این کافی نیست که یک مسلمان فقط برای شخص خودش تلاش کند وعبادات فردی را انجام دهد، بلکه برای هر فرد مسلمان لازمست که تمام قوت وطاقت فهم و تخصص خویش را در راه علیای اسلام و مسلمانان قربانی کنند، نه اینکه در مقابل اسلام و مسلمان نظر مخالف داشته باشد در پهلوی کفر ایستاده زیر فرمان آنها به اشاره آنان برای نابودی اسلام ومسلمانان، کشتن آنها، تخریب و ویرانی نمودن اماکن مقدس ، توهین به شعائر اسلامی، فهم وجوانی خویش را در بدل گرفتن پول اندک وماديات بمصرف رساند.

متاسفانه که امروز شمار زیادی از جوانان با تمام طاقت و توان خود برای ختم و نابودی اسلام سعی وتلاش می کنند کوشش دارند که در این راه از جانب کفار گماشته شوند و برای خوشحالی کفار دین مبین اسلام ، اماکن مقدس، وشعایرالله را بی عزتی و بی حرمتی کنند.

در حالیکه مسولیت اینها بیرون کردن لشکر غاصب صلیبی و راندن آنها از خاک اسلام بود.

این بخاطر آن است که از طرف ما مسلمانان در حصه تعلیم و تربیت جوانان بی پروایی وغفلت صورت گرفته، همچو خزانه بزرگ اسلام را دشمن از نزد مسلمانان غصب نمود ، برای نفع خود آموزش داد، به رنگ خود آمیخت، فکر خودرا اینستال کرد، ارزشهای غربی، واهداف غربی را به آن مقدس معرفی نمود، از دین پدر و مادری اش بیگانه ساخت، برادران مسلمان و شعایر اسلامی را برایش خیلی یک چیزی عادی و سبک به نظرش جلوه داد،از این رو است که می بینیم امروز در راه تحقق اهداف غرب به قیمت خیلی ناچیز قربانی می دهند، به خواست غربی ها مسلمانان را می کشند، برای رسیدن به اهداف غربی ها هر نوع موانع را از سر راه می بردارند، به تقاضای کلیسا مساجد و مدارس را ویران می کنند، به اشاره شیطان های مسیحی، علماء و شیوخ را بشهادت می‌رسانند، غرب شارگ های امت مسلمه را بدست خود گرفت که امروز توسط همین ها در جهان اسلام اهداف خودرا بدست می آورند.

مردم هم ازجامعه مسلمان کشته میشود، خاک وطن هم از مسلمان خراب و ویران میشود، از زندگی آرام وآسوده هم مسلمانان محروم شده و میشوند، تمام ثمره وسود آن به دیار کفر می ریزد، زیراکه نقاط ضعف ما را کفار بدست خود محکم گرفته، به حمایت آنها هر چیز ما را برباد می دهند.

این یک گیاهی مرض دار است که از بین بردنش هم به زیان ماست، وگذاشتن اش نیز به زیان جامعه اسلامی ومسلمانان است! راه حل اینست که تربیه نسل جوان باید اسلامی شود، از دین خود، عقیده، فرهنگ وکلتور، اسلامی آگاه شود، دوست و دشمن درست برایش معرفی شود، عظمت اسلام، تمدن اسلامی برای شان بیان و در ذهن و فکر شان جاگزین شود.

زیرا ما باید به آن کسانی نگاه کنیم که در راه دعوت وجهاد به اطراف جناب رسول الله صلی الله علیه وسلم موجود بودند، می بینیم که اکثریت آنان کسانی بودند که هنوز مرحله ابتدایی ایام جوانی را سپری نکرده بود، اما آنها با تمام قوت و بازوی خویش برای نصرت دین اسلام و ساختن یک جامعه اسلامی از هیچ نوع جانفشانی دریغ نکردند بخاطریکه تعلیم و تربیت آنها زیر دست آن مربی ومعلم بود که اخلاق آن مطابق قرآن بود و به مطابق قرآن مردم را تربیت می نمود.

اگر در عصر حاضر ما تربیه نسل جوان خود را به طریقه ی احسن انجام بدهیم، قرآن و ارشادات مربی معظم رسول الله صلی الله علیه وسلم با وضاحت علماء بزرگ اهل اسلام موجود، فقط دست به کار شدن را نیاز است.

در پایان دوباره یاد آور میشوم آن جوانانی که در کنار کفار و به اشاره آنها به از بین بردن شعائر اسلامی، به شهادت رسانیدن مسلمانان، از بین بردن مساجد، مدارس و شهادت علماء دست بکار هست، علت اساسی آن این است که به این مردم عظمت، ارزش، و اهمیت اسلام بیان نشده است به همین منوال با قیمت اندک و با اخذ چیز اندک مادی این چنین اعمال ناروا و وحشت بار را با افتخار انجام می دهند .



مسئله بغرنج کشمیر؛ حقائق و واقعیت ها

حبیبی سمنگانی

پنجشنبه - ۱۴ فبروری ۲۰۱۹م - چهل و چهار تن ماموران پلیس هند در اثر تصادم یک موتر بمبگذاری شده با کاروان موترهای شبه نظامیان هندی در بست کیلومتری سرینگر، مرکز کشمیر تحت کنترول هند کشته شدند. ۲۵۷۸ نفر شبه نظامیان هندی که در ۷۸ موتر نظامی از جامو (Jammu) به سرینگر روان بود هدف قرار گرفت. کشمیر از همان روز سرخط خبرها و سبب تنش های تازه میان هند و پاکستان شده است.

دولت هند با اتهام طراحی این حمله از سوی پاکستان، هشدار داد که پاکستان را کاملا منزوی می سازد. بالمقابل پاکستان از دست داشتن درین حملهء مرگبار انکار می کند.

اما این مقاله در مورد چگونگی روابط اخیر هند و پاکستان و یا پیامدهای این حملهء سنگین کشمیر نیست، بلکه تلاش می کنیم وضعیت واقعی کشمیر زیر کنترل هند را بررسی بکنیم، تا بدانیم در کشمیر چه می گذرد و کشمیر به کدام طرف روان است.

اگرچه مناقشهء کشمیر میان هند و پاکستان از ۱۹۴۷م یعنی همزمان با تقسیم هند جریان دارد و تا اکنون هر دو کشور سه بار بر سر کشمیر جنگیده اند.

اما این سال ۱۹۸۹م بود که حرکت های مسلحانهء جهادی در کشمیر تحت کنترول هند آغاز شد. دیری نگذشت که در پهلوی گروه های کشمیری الاصل، بعضی تنظیم های پاکستانی نیز با شعار «جهاد کشمیر» به وجود آمدند و به فعالیت های نظامی آغاز کردند. بیش تر رهبران و فرماندهان این تنظیم های پاکستانی اصلا و نسلا نه از کشمیر پاکستان و نه هم از کشمیر هند، بلکه از مناطق مختلف ایالت پنجاب پاکستان بودند. مثلا ؛ حافظ سعید، بنیانگذار لشکر طیبه، مسعود اظهر، بنیانگذار جیش محمد، فضل الرحمان خلیل، بنیانگذار حرکت المجاهدین و دیگران.

اما پس از ۱۱ سبتمبر ۲۰۰۱م، با تشدید فشار های امریکا و سازمان ملل متحد و بر اثر خوب شدن روابط میان دولت دیکتاتوری جنرال مشرف و دولت هند، زمینه برای فعالیت تنظیم های پاکستانی در کشمیر دشوار شد و این تنظیم ها در داخل پاکستان نیز سرکوب شدند و حضور رسمی و علنی شان را از دست دادند. سران و فرماندهان این تنظیم ها اگرچه کوشش های زیادی کردند به نام های بدیل و مستعار فعالیت بکنند، اما نتوانستند دوباره به پا ایستاد شوند، از تحریم ها نجات یابند و یا دوباره وارد کشمیر شوند. بعضی آن ها هنوز هم شعار «جهاد کشمیر» را زمزمه می کنند، اما آگاهان اتفاق دارند که ایشان اکنون نه در کشمیر حضور دارند و نه هم می توانند آنجا نقشی داشته باشند.

سوال اینست که پس عامل این فعالیت ها و عملیات های

نظامی اخیر در کشمیر هند چه کسانی اند ؟
در حقیقت، حرکت استقلال خواهی و مبارزه نظامی کشمیری ها در ین سال های اخیر شکل دیگری گرفته است. شماری از جوانان کشمیر به این نتیجه رسیدند که باید بدون تکیه بر تنظیم های پاکستانی، دولت پاکستان و یا دولت دیگری، مقاومت مردمی و نظامی خود را دوباره منظم بسازند. گروه کوچکی از جوانان کشمیر با نظم جدید به فعالیت نظامی آغاز کردند. این گروه چند نفری اگرچه دست آورد بزرگ نظامی ندارد. اما با استفادهء بسیار مؤثر از شبکه ها و سایت های اجتماعی، توجه قشر جوان و تحصیل کردهء کشمیر را به خود جلب کردند. همچنان عدم وابستگی به هیچ کشور و تنظیم خارجی، سبب محبوبیت گستردهء مردمی این گروه شد (زیرا واقعیت اینست که کشمیری ها در مورد تنظیم های پاکستانی نگرانی هایی داشتند).
برهان مظفر وانی جوان ۲۲ ساله کشمیری از همان مجاهدین انگشت شمار کشمیری بود. او در سال ۲۰۱۰م به سن ۱۶ سالگی به مبارزهء مسلحانه رو آورد. خالد وانی، برادر برهان وانی تنها به جرم اینکه برادر او بود در سال ۲۰۱۵م از سوی عساکر هندی کشته شد. دولت هند برای قتل یا گرفتاری برهان وانی یک مليون پول هندی جایزه مقرر کرده بود.
برهان وانی در شبکه های اجتماعی از محبوبیت ویژه ای برخوردار بود. او توانسته بود توجه کشمیری ها را با تصاویر و کلیپ های ویدیویی خود به آن گروه کوچک نظامی جلب بکند.
عساکر هندی برهان وانی و دو رفیق او را پس از گرفتاری، به تاریخ ۸ جولایی ۲۰۱۶م، به شهادت رساندند، اما ادعا کردند که آن ها را طی عملیات ویژه کشته اند. شهادت برهان وانی واقعهء پر آوازه ای بود که نه تنها کشمیر بلکه تمام هند را لرزاند، کشمیری ها را متحد تر ساخت و صدای مقاومت آن ها را در سراسر جهان بازتاب داد. واکنش تند و تاریخی مردم کشمیر در برابر شهادت او، بیانگر این بود که کشمیری ها به هر صورت خواهان جدایی از هند هستند و توطئه ها و زورگویی دولت هند نتوانسته است مورال کشمیری ها را از بین ببرد.
رسانه ها خبر دادند که جنازه برهان وانی بزرگ ترین جنازه در تاریخ کشمیر بود، حدود ۲۰۰ هزار نفر در جنازه او شرکت کردند و نماز غائبانهء جنازه او در هر منطقهء کشمیر خوانده شد. در جریان تظاهرات گسترده و چند روزهء مردمی، بیش از صد نفر کشته و صدها نفر زخمی شدند. دفاتر دولتی، بازارها، خط آهن، انترنیت و موبائل در سراسر کشمیر مسدود شد، چهره های مهم سیاسی در حبس خانگی قرار گرفتند و یا هم گرفتار شدند. گشت و گذار و تجمعات مردم ممنوع شد. با گذشت دو و نیم سال، هنوز هم اوضاع کشمیر چندان تغییر نخورده، و روزی نیست که میان کشمیری ها و نظامیان و شبه نظامیان هند درگیری صورت نگیرد.
برهان وانی معضل کشمیر را با فاجعه فلسطین تشبیه می داد و مخالف انتقال هندوها از بخش های دیگر هند به دره های کشمیر بود. قابل ذکر است که دولت هند هرگاه با گذشت چند دهه و جا بجای ۷۰۰ هزار عسکر، نتوانست صدای کشمیری ها را خاموش بسازد، تلاش دارد هندوها را از ایالت های مختلف هند در کشمیر جا بجا سازد، تا گراف نفوس مسلمان ها در کشمیر پایین بیاید و به تدریج از اکثریت به اقلیت تبدیل شوند..
اصلا پس از تقسیم هند در ۱۹۴۷م، هرگاه کشمیری ها از پیوستن با کشور هند به شدت مخالفت کردند، دولت آن وقت هند مجبور شد معضل کشمیر را به سازمان ملل متحد ببرد. سازمان ملل متحد قطعنامه ای را به تصویب رسانید که سرنوشت کشمیر باید توسط همه پرسی (رفرندم) فیصله شود، دولت هند به سرکردگی جواهر لعل نهرو -صدر اعظم



آن وقت هند- نیز این قطعنامه را تائید کرد. کشمیری ها از همان روز تا اکنون خواهان همه پرسی اند. اما با گذشت چند دهه، سازمان ملل متحد و دولت هند آماده‌ء تعمیل آن وعده‌ء خود نشده اند.

هند می داند در صورت راه اندازی همه پرسی، کشمیر را از دست می دهد. زیرا مسلمان ها که بیش از ٪۹۰ نفوس کشمیر را تشکیل می دهند به گزینه‌ء جدایی از کشور هند رای خواهند داد. هند می خواهد باید تناسب نفوس اقوام کشمیر را به نفع خود تغییر دهد. تا در آینده، کشمیری ها ازین موقف قوی خود که از سوی سازمان ملل متحد نیز تصویب شده است منصرف شوند و یا چانس پیروزی در همه پرسی نداشته باشند. از همینست که کابینه‌ء هند در اواخر سال ۲۰۱۶م با تصویب بودجه‌ء ۲۰ ملیارد کلدار هندی، تصمیم گرفت آن ۳۶ هزار خانواده‌ء هندوها را که قبلا از پنجاب پاکستان به هند رفته بودند مجددا در کشمیر آباد سازد.

تا اکنون سد بزرگی که در برابر این توطئه دولت هند قرار دارد ماده ۳۷۰ قانون اساسی هند است که در سال ۱۹۵۰م از سوی پارلمان هند تصویب شد. این ماده، امتیاز خاصی برای کشمیر قائل شده است که ؛ باشندگان دیگر ایالت های هند نمی توانند در کشمیر صاحب زمین و املاک شوند و یا برای وظائف دولتی عریضه بدهند. بناءً هندوهای که تازه در کشمیر آباد می شوند ملیت کشمیری گرفته نمی توانند. اما حالا حزب مقتدر هند «بی جی پی» تلاش دارد از طریق دیوان عالی هند (Supreme court) این ماده و به ویژه ماده‌ء ۳۵-A را که خصوصیت شهروندی کشمیر را تضمین می کند منحل بسازد.

اما کشمیری ها با این اقدام بی جی پی به شدت مخالف هستند و موقف آن ها کاملا قانونی است. زیرا کشمیر به اساس قطعنامه‌ء سازمان ملل متحد منطقه‌ء متنازع است و تلاش برای تغییر تناسب نفوس اقوام در مناطق متنازع غیر قانونی است.

پهلوی دیگر تنش های تازه‌ء کشمیر اینست که بسیاری ها و حتی احزاب سیاسی هند، حمله بر کاروان نظامیان هند در پلوامه‌ء کشمیر را، دسیسه‌ء سیاسی دولت هند برای انتخابات پارلمانی ۲۰۱۹م می دانند. زیرا حزب مقتدر هند همواره با استفاده از احساسات هندوهای متعصب در برابر پاکستان، مسلمان های هند و دیگر اقلیت های مذهبی و نژادی، کمپاین کرده است.

چنانکه این حزب در شهادت مسجد بابری در سال ۱۹۹۲م و نیز در کشتار جمعی مسلمان ها در گجرات (هند) در سال ۲۰۰۲م نقش اساسی داشت و به ویژه نریندرا مودی به حیث قاتل مسلمان های گجرات شناخته می شود. جایگاه سیاسی نریندرا مودی نیز مرهون سیاست هندوگرایی او است. حزب مقتدر هند «بی جی پی» بر خلاف پیش بینی ها در چندین انتخابات های ایالتی درین ماه های اخیر شکست خورد و مورال بلندی را که برای انتخابات عمومی داشت باخت. از نگاه آگاهان، حکومتداری بی جی پی در پنج سال گذشته ناکام بوده است و هیچ دست آورد عمده ای ندارد. لهذا می خواهد احساسات منفی هندوهای کشور را داغ ساخته، کمپاین انتخاباتی خود را پیش ببرد.

خانم ممتا بنرجی، سر وزیر ایالت بنگال غربی که از مخالفان مهم سیاسی دولت مرکزی هند و از رقبای مطرح نریندرا مودی در انتخابات آینده‌ء کشور که در ماه اپریل یا مئ امسال برگزار می شود، می گوید ؛ چرا هرگاه زمان برگزاری انتخابات نزدیک شود یک گونه فضایی جنگی ساخته می شود. همچنان راج تاکری (Raj Thacker-ay) رهبر حزب مهاشترا نرومان سینا (NSA) ادعا دارد که اگر مشاور امنیت ملی کشور «اجیت دودل» تحقیق شود، تمام راز حمله‌ء اخیر کشمیر افشا می شود. گویا این کار در سطح بالای دولتی طراحی شده، و حتی خود نریندرا مودی نیز شامل توطئه است.

اما این هم یک رخ قضیه است که مهاجم این حمله به نام «عادل احمد دار» در همان روز اول شناسایی شد. عادل احمد اصلا و نسلا کشمیری بود و خانه اش در ۶ کیلومتری همان شاهراهی قرار داشت که حمله رخ داد. نیز جنرال متقاعد هندی «دی اس هودا» در گفتگو با نیویارک تایمز پذیرفت که مواد انفجاری که درین حمله بکار برده شد از یک ذخیره‌ء شرکت سرک سازی دزدی شده است. قرار بود که از آن مواد برای انفجار دادن بخش های از کوه به هدف توسعه‌ء شاهراه استفاده می شد. این جنرال نامدار هندی می پذیرد که امکان ندارد این قدر مواد زیادی انفجاری از آن سوی مرز به اینجا آورده می شد. مطبوعات و رسانه های هندی با اینکه پاکستان را به طراحی این حمله متهم می سازند، اما بر این اتفاق دارند که هم مهاجم کشمیری بود و مواد انفجاری نیز از داخل کشمیر زیر کنترل هند بدست مهاجم یا گروه جهادی افتیده بود.

در اخیر، مناسب است دیدگاه پروفیسور هیپی مون جیکب استاد دانشگاه دهلی را در قبال معضل کشمیر نقل بکنیم، او می گوید: «در سال ۲۰۱۳م، پیش از آمدن نریندرا مودی تنها چند نفر محدود کشمیری شامل مقاومت مسلحانه بودند، اما حالا تنها شاگردان مدرسه نه بلکه جوان های که از دانشگاه های انجنیری فارغ شده اند و وظائف دولتی دارند نیز به حرکت آزادی خواهی پیوسته اند. تنفر و بیزاری یک نسل کامل از هند، ناکامی پالیسی های دولت هند است».



د شوراب دوهمه حماسه

ابوعابد

شوراب په افغانستان کې د اشغالگرو یوه له سترو پوځي اډو شمیرل کېږي چې د هلمند ولایت په واشیر ولسوالۍ کې موقعیت لري. د دې اډې جوړښت امریکایانو او برتانویانو په ۲۰۰۶ میلادي کا ل کې پیل کړ. اشغالگرو دغه اډه په افغانستان د خپلو دائمي حضور د یوه مرکز په حیث طراحي کړې وه. نو ځکه یې په هغه کې پراخ پوځي امکانات جوړ کړل، هوایي ډګر، پوځي روغتون، زندان او د لسګونه زره پوځیانو د اوسیدو لپاره میشت ځایونه.

خو کله چې د اشغال پر ضد جهادي مقاومت زور واخیست او د برتانویانو په شمول یې ډېری اشغالګر بشپړې تیښتې ته اړ کړل، نو د شوراب د لویې قرارګاه یوه برخه داخلي ځواکونو ته وسپارل شوه او د ۲۱۵ میوند قول اردو د قومنداني په حیث وټاکل شوه. خو له دې سره سره د شوراب اډه د افغانستان په جنوب کې د امریکایانو د مهمې عملیاتي او سوق الجیشي قرارګاه په حیث پاته وه او تر اوسه د هیواد په جنوب خصوصا هلمند ولایات کې نږدې ټول عملیات له همدې اډې څخه ترسره کوي.

د شوراب پوځي اډه لومړی ځل څو کاله وړاندې د ۲۰۱۲ میلادي کال د سبتمبر په ۱۵ نیټه د څو تنه فدایي مجاهدینو تر کاري برید لاندې راغله چې په نتیجه کې د ګڼو امریکایي جنګي الوتکو په تباه کیدو سربیره، د دښمن د تیلو ذخیرې هم له منځه لاړې او درانه ځاني تلفات هم ورته ورسیدل. له هغې حملې وروسته د شوراب د پوځي اډې امنیتي محافظت نور هم سخت شو او د ساتنې لپاره یې ډېر امکانات په کار واچول شول.

په دې وروستیو کې د هیواد په جنوبي سیمو کې د دښمن د ژمنیو عملیاتو، چاپو، بمبارونو او ډرون بریدونو د نوې څپې له پیل سره د شوراب اډې اهمیت نور هم زیات شوی و. ځکه دښمن ډېری هوایي بریدونه له همدې قرارګاه څخه کول. د دښمن بمبارګرې الوتکې او بې پیلوټه طیارې له همدې اډې الوتلې. دغه راز د ځانګړو امریکایي ځواکونو په ملتیا داخلي کماندویانو او نورو چاپه مارو عسکرو هم له همدې اډې څخه په هلمند او شاوخوا سیمو کې ظالمانه شپني عملیات ترسره کول چې په نتیجه کې یې ولسي خلکو ته خورا درانه زیانونه واوښتل. له دې جملې څو د یادولو وړ فجائع په تیرو څو میاشتو کې د هلمند په ګرمسیر، سنګین، ګرشک او موسی کلا ولسوالیو کې رامنځته شول چې په ترڅ کې یې بشپړې کورنۍ تباه او د ښځو او ماشومانو په شمول لسګونه ولسي وګړي په کې ټپیان شول.

په شوراب اډه کې میشتو ځانګړو ځواکونو تیر کال په هلمند کې ګڼ شمیر بازارونه هم ونړول، د پخواني امریکایي پوځي قوماندان جنرال نیکولسن په قومنده د شوراب د اډې چاپه مارو عسکرو تیر کال په موسی کلا ولسوالۍ کې ښایسته بازار ته د هوا له لارې ورغلل او په شپه شپه کې یې په بمونو لوټه لوټه کړ،په ګرمسیر ولسوالۍ کې دوشنبه بازار هم په ورته ډول ونړول شو. د هلمند په جنوب دیشو ولسوالۍ کې رباط بازار د امریکایي بې دوه پنځوس طیارو لخوا بمبار او ټول دوکانونه یې تخریب شول. یاد شوي ښارګوټي چې د اولس لخوا جوړ شوي او د سلګونو میلیونو ډالرو په بیه تجارتي اموال په کې پراته و له ټول هست او بود سره له منځه یووړل شو.

په شوراب کې د میشتو ظالمو ځواکونو دغو فجیعو اعمالو دا ایجابوله چې مجاهدین یې په وړاندې مناسب ګام پورته کړي او دغه وحشي قاتلان د خپلو شومو اعمالو په جزاء ورسوي. په همدې سلسله کې د اسلامي امارت د فدايي کنډک استشهادي مجاهدینو د شوراب په پوځي اډه د ځپونکو عملیاتو طرحه جوړه کړه چې د روان ۲۰۱۹ میلادي کال د مارچ په لومړۍ نیټه تطبیق او دغه پوځي اډه تر تندریز برید لاندې راغله.

د اسلامي امارت د ویاند قاري محمد یوسف احمدي لخوا د ورکړل شویو معلوماتو مطابق د اسلامي امارت څو تنه فدايي مجاهدین چې په پرمختللیو وسلو او لیزرونو سمبال و د جمعې په سهار د شوراب اډې ته ننوتل او په دښمن یې بریدونه پیل کړل. د جمعې په ورځ، راتلونکې شپه او د هفتې په ورځ مسلسل د مجاهدینو لخوا عملیات روان و، د دښمن رسنیو تر ۵۰ تنو د زیاتو عسکرو وژل کیدل تائید کړل چې د قول اردو د ګارنیزیون د قوماندان سراج خان په شمول ګڼ لوړپوړي کسان هم په کې ول.

څرنګه چې د عملیاتو په ورځ په سیمه کې سخته وریځ او کله ناکله ورښت هم و، نو دښمن نه شوای کولای چې د هوايي ځواک په کارولو فدایان تر برید لاندې ونیسي، په دې ډول مجاهدینو وکولای شوای تر اټکل زیات وخت خپل عملیات جاري وساتي. د اسلامي امارت ویاند د جګړې په دوهمه ورځ وویل

چې: د جګړې له ډګره فدايي مجاهدین وايي په مخامخ ډزو او بمي چاودنو کې د دښمن تر ۲۰۰ پوري عسکر وژل شوي، ګڼ شمیر پوځي عرادجات، الوتکې او نور نظامي وسایل تخریب شوي، مجاهدین د هوايي اډې په مختلفو برخو کې په جګړه بوخت دی او په عالي روحیه مقاومت ته دوام ورکوي)

د شوراب په پوځي اډه دغه ځپونکي عملیات په سوشل میډیا کې هم د افغان اولس تر منځ په ګرمۍ استقبال شول، ځکه په دې ورځو کې د دښمن د عسکرو لخوا په چاپو او بمبارونو کې د ولسي کورونو د تخریب او خلکو د وژنو پیښې خورا زیاتې شوي وې او د اولس قهر یې راپارولی و. دې ته په پام سره د شوراب په اډه عملیات په خپل وخت او د ډیر ښه اغیز درلودونکي وو.

د شوراب په پوځي اډه عملیات له دې اړخه هم د اهمیت وړ و چې په همدې ورځ د قطر په دوحه کې د اسلامي امارت استازي د مذاکراتو د پنځم پړاو په لړ کې له دوه ورځنۍ وقفې وروسته یو ځل بیا له امریکایانو سره جرګه کیدل. دې عملیاتو دښمن ته پیغام ورکړ چې هیڅ وړ امنیتي امادګۍ او حفاظتي خندقونه د مجاهدینو د توپاني بریدونو په وړاندې مانع نه شي جوړیدلای او یرغلګر ځواکونه که هر څو په محکمو کلاګانو کې ځانونه ایسار کړي بیا هم د مجاهدینو له ګوزاره بچ کیدونکي نه دي، نو ځکه د دوی لپاره یوازینۍ لاره دا ده چې له دې هیواد څخه پښې سپکې کړي او خپل ځواکونه به بشپړ ډول وباسي.

د یادونې وړ ده چې د شوراب د حملې د تلفاتو په اړه دښمن لا هم حقائق تحریفوي او ورته د رسیدلیو تلفاتو د پټولو هڅه کوي. دا چې تراوسه دا پیښنه تازه ده نو ځکه یې بشپړ جزیات نه دي راوتلي، په راتلونکو څو ورځو کې به ان شاءالله د دې اتلوال برید اړوند نور حقائق هم افشاء شي. خو په ټوله کې د شوراب دوهمه حماسه هم د لومړني برید په شان تاریخ سازه او دښمن ځپونکې وه، چې په پوځي برخه کې یې د دښمن حیثیت له خاورو سره خاورې او د مجاهدینو پوځي وړتیا یې وبریښوله.



تذکر از روی ادای مسئولیت!

حذیفه غوری

به عنوان یک مسلمان به همه ی امت اسلام و به همه ی کسانی که ادعاء ایمان دارند و سنگ اسلام را به سینه می کوبند و خصوصا ملت افغانستان ازروی خیر خواهی واداء مسئولیت اسلامی تذکر می دهم «وَذَکِّرْ فَإِنَّ الذِّکْرَى تَنفَعُ الْمُؤْمِنِینَ».

همانطور که اوضاع پیچیده و وضعیت رقت بار و شکننده خواهران و برادران مسلمان مان در سراسر جهان بر شما پوشیده نیست و هرروز ازطریق مطبوعات و رسانه های صوتی و تصویری وشبکه های اجتماعی و گروهی بار بار می شنوید که دشمنان اسلام چه بلاها برسر امت آوردند امتی که هیچ جرمی ندارد مگر همان جرمی که تو مدعی اش هستی و سنگش را بر سینه می کوبی «و مانقموا منهم الا ان یومنوا بالله العزیز الحمید» (البروج ۸) (کفار از مومنین انتقام نگرفتند مگر به جرم اینکه آنها به الله غالب وستوده شده ایمان آوردند) تومیدانی ای مسلمان که در فلسطین چه گپ است و مسجد اقصی مبارک، آزاد وآباد ازعبادت مسلمین است و یا اینکه به بد ترین حالت غریب و در اشغال کفارمغضوب علیهم است و میدانی که درعراق و سوریه و حلب سوخته و ویرانه چه گذشت؟ و در بوسنی وهرزگوین چه گذشت؟ و درمیانمارچه می گذرد؟ چطوری روزانه مسلمین و مسلمات هتک حرمت شده و بی رحمانه قتل عام میشوند؟ میدانی که مسجد جامع قرطبه با چه قساوتی تخریب شده و به جایش کلیسا ساختند؟

در افغانستان عزیز ما بر اثر بمباردمان کفاروحشی جوی های از خون زنان و مردان و کودکان وحافظان قرآن روان است و اگر اندکی تامل بکنیم بیقین برای ما واضح خواهدشد که در تقریبا هشتاد کشور دنیا که فعلا جنگ روان است دراکثریت قریب به اتفاق آنها امت اسلام مورد ظلم و ستم و شکنجه هاست آیا لحظه ی فکر کردیم که کدام اسباب و عوامل باعث شد که ما به این بلاها دچار شدیم؟

حقا! از ماست که بر ماست «و ما اصابکم من مصیبه فبما کسبت ایدیکم و یعفوا عن کثیر / الایه»، یعنی هر مصیبتی که بر شما رسیده به سبب کسب دست شما است وبسیاری از خطاها و گناهان شما را عفو میکند. «ان الله لا یغیر مابقوم حتی یغیروا ما بانفسهم / الایه» یعنی همانا خداوند جل جلاله هیچ نعمتی را از هیچ قومی سلب نمی کند تا مادامیکه آنها در نفس های شان تغییر ایجاد نکنند؛ پس معلوم شد که در ایجاد بد بختیها ما خود پیش گام هستیم.

آن یکی را می بینید که بخاطر محبت پول ومنصب رابطه اش را با رب مهربانش قطع کرده و با دشمنان بی رحم الله رابطه ای محکم برقرار کرده واین یکی

را می بینید که بخاطر بغض با برادر مسلمان و برای انتقام جویی به دشمنانی که منکر اسلام و قرآن و پیامبر اند می پیوندد و دیگری را می بینید برای اینکه به راحتی و آسایش برسد از جماعت مسلمین جدا شده و خودش را به آغوش دشمنان قسم خورده انداخته است و ...

پس چه باید کرد؟

باید برای نجات وخلاصی ازاین همه توهین وتحقیرها و ذلت و خواری ها و ظلم و ستم ها و امراض روحی به طبیب مجرب و واقعی مراجعه کنیم و او به جز الله جل جلاله دیگر کسی نیست ونسخه ی شفا بخش که الله جل جلاله برای نجات امت ازهمه مهلکات تجویز کرده است و آن باز گشت صادقانه و توبه جانانه و صمیمانه ازهمه تقصیرات و خطاها و بدیها به سوی الله جل جلاله وچسپیدن به فرامین قرآن و سنت وجدا شدن از صفوف کفار و دشمنان اسلام و پیوستن به جماعت مسلمین است.

الله جل جلاله می فرماید : «و توبوا الی الله جمیعا ایها المومنون لعلکم تفلحون» (ای مسلمانها همه گی تان (ازتمامی بدیها وگناهان) توبه کنید وبه سوی رب تان بر گردید تا باشد رستگار شوید) و این توبه وبرگشت به سوی الله ج باید همه جانبه ومبتنی براخلاص و صداقت باشد. «یاایهاالذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه الایه» (ای مومنین همتا وهمه جانبه در اسلام داخل شوید) این آیه متبرکه می رساند که دخول ما دراسلام عزیز حتما از تهی قلب و نشات گرفته ازعقیده و باورصحیح باشد و شرایطی و مصلحتی نباشد که بقاء و عاقبت خوبی ندارد وخطاء و لغزش در میدان ایمان وعقیده سبب می‌شود که علاوه بر گناه خود باید گناه و ضررهایی گوناگون که به مسلمین وارد می‌شود را هم بدوش بکشد، بنابراین ازتمامی امتیان رسول الله صلی الله علیه و اله و صحبه و سلم وخصوصا از ملت افغانستان انتظار می‌رود که از انواع خطاها و لغزشها ی گذشته از رب رحیم و در عین حال توانا عفو و بخشیش بطلبند وبرای آینده، معیت و اتحاد را با برادران دینی شان که



واقعا وفاداران و فداکاران الله جل جلاله و رسول الله صلی الله علیه و سلم و نظام اسلام عزیزما می باشند انتخاب واختیار نمایند و تصمیم قاطع اتخاذ نمایند که بعد ازین در هیچ شرایطی تابع هوا و هوس و دشمنان نشده بلکه همراه با برادران دینی شان برای اسلامی سازی بخش های مختلف زندگی بشمول نظام، کار وفعالیت نمایند و سعادت دنیا و آخرت را کمایی نمایند و الله جل جلاله بخواهد ان شاءالله درآینده های دور و نزدیک شاهد برگشت عزت از دست رفته جهان اسلام باشیم.

اقبال رحمه الله می گوید:

امتی بودی امم گردیده ی
بزم خود را خود زهم پاشیده ی

آنچه تو با خود کردی کس نکرد
روح پاک مصطفی ص آمد بدرد

اقتدار و عزم واستقلال رفت
اعتباروعزت و اقبال رفت

پنچه های آهنین کم زور شد
مرده شد دلها و تن ها گورشد

در جای دیگر می گوید:

مسلمانان به مسجد صف کشیدند
گریبان شهنشاهان دریدند

و بدون شک «ان الله مع الذین اتقوا والذین هم محسنون الایه» (همانا الله با بنده گان است که تقوی دارند وبنده گان که همیشه مخلص اند).



مغز متفکر در اضطراب شدید

ابو طیب جوزجانی

در این اواخر دیده میشود که اشرف غنی در هیجان و اضطراب شدید بسر می برد که معلوم می شود این مغز متفکر ادعایی اعصابش را از داده است ویا اینکه مراحل نهایی و پایان دوره غلامی اش را سپری می کند در کنفرانس مونیخ یکدم سرو کله اشرف غنی معلوم گردید و با عصبانیت و بطور غیر نورمال خیالاتش را چنین اظهار داشت: <طالبان اگر منشور داشته باشند بیایند منشور خود را در برابر ملت تقدیم بکنند> این بیانات و سخنرانی های بی سرو پای این شخص در حالی صورت می گیرد که اداره کابل در تمام عرصه ها اعم از سیاسی و نظامی با شکست های پیهم روبرو شده است نمیداند که در برابر ملت چه پاسخی داشته باشد و چه بگوید دوره سیاه و تاریک چهار ساله اش را بکدام لا طایلات وهرزه گویی ها توجیه و تعبیر نماید کشور های منطقه و فرا منطقه امروز علاقه مند شدند که با مجاهدین امارات اسلامی در مورد حل معضل افغانستان گفتمان نمایند و در نشست های مختلف اداره کابل را از نظر انداختند و سیاسیون و روسای احزاب نیز تمایل پیدا کردند که با طالبان بنشینند بالخصوص نشست مسکو نشان داد که کلید صلح و پایان دادن به بحران کنونی در کشور یگانه لبیک گفتن به گفته های مجاهدین امارات اسلامی است.

بعداز هژده سال کسانیکه مجاهدین را تروریست تلقی می نمودند امروز به این نتیجه رسیدند که جهاد و مبارزه مجاهدین را برحق دانسته و آنها را برادر خطاب کرده به امامت شان نماز بگذارند وبار بار برادر خطاب کنند و نقاب سیاهی که امریکا وغلامانش پیشروی مجاهدین انداخته بودند یکسو پرت نموده بجهانیان معلوم نمایند که جهاد ومبارزه مجاهدین یک حقیقت مسلم و انکار ناپذیر است و این حرکت از بین ملت شروع شده واز ملت نمایندگی می کند علی الرغم این همه واقعیت ها اشرف غنی میگوید طالبان منشور خود را در برابر ملت تقدیم بکنند.

نخست باید بدانیم که منشور وطرح این مغز متفکر

ادعایی در آینده افغانستان چیست؟ در طول هژده سال دوره سیاه اشغال بوضوح معلوم گردید منشوریکه از طرف اجانب و بیگانگان کاپی گردیده بود بالای ملت مظلوم افغان تطبیق گردیده اینکه مردم بیچاره و درد دیده را دست بسته و چشم بسته بدست وپنجه خونین امریکا وغربی ها تسلیم کرده است و جغرافیا و تمامیت ارضی این ملت را زیر سوال برده و در عرصه اقتصاد با وجود سرازیر شدن میلیارد ها دالر مردم با فقر وگرسنگی دست و پنجه نرم می کنند و همچنین در این مدت جهت رشد وارتقای اقتصادی و پایین آوردن میزان بیکاری در ولایات کشور زیر بنا های اقتصادی ساخته می شد که نشد مردم از بیکاری حیران و سرگردان در حال آواره شدن ومجبور به ترک وطن شان هستند میزان مهاجرت به حد بالایش رسیده است وملت بیچاره سرسام آور درمسیر راه ها ودریا ها طعمه مرگ را می چشند و در جای استخراج معادن و استفاده و بهره برداری از آن ذخایر دست نخورده کشور، متاسفانه بطور مرموز در حلقوم دشمنان وطن می ریزند.

و در عرصه اداره حکومت داری چنان غرق فساد واختلاس است حتی در تمام دنیا بد نام ترین وفاسد ترین کشور محسوب می شود و در ارتباط فرهنگ باید گفت که همه آن کلچر و فرهنگ پوچ غربی ها اذهان جوانان و نوجوانان میهن را در قلمرو حیوانیت کشانده است بی حیایی وفحشا، قتل وغارت ، سلیقه و روش های غیر انسانی وغیر اخلاقی روزگار مردم شریف و نجیب کشور را مکدر نموده است میزان اعتیاد واستفاده از مشروبات الکلی ومواد مخدر وار خطا کننده است.

افزون بر همه اینها یک چیزیکه اساس وبنیاد بربادی وتباهی یک ملت پنداشته می‌شود تعصب و قوم گرایی است که این پدیده شوم و نامیمون به اندازه زیاد گردیده که در تاریخ افغانستان بی سابقه است این بود شمه از کرشمه های آقای دارای طرح دار ومدعی منشور دار حالا قضاوت را به ملت بلا کشیده افغان میمانیم واقعا اگر کسی با وجود این رذالت و غداری های اشرفغنی باز هم در دهل وسرنای این مزدور اشغالگران برقصد شاید خداوند متعال آن را از این هم بیشتر ذلیل بگرداند.

اما طرح و منشور مجاهدین امارات اسلامی!

باید بگوئیم مجاهدین امارات اسلامی هیچ وقت لاف وپوف نزدند که ما فلان و فلان می کنیم اما منشورشان از شعارشان و عملکرد شان بصراحت معلوم می شود در کشور ۹۹ درصد مسلمان، مسلما تقاضای مسلمانان این است که فرمودات ومقررات واحکام اسلام باید تطبیق و عملی گردد وهر گاه شریعت غرای محمدی صلی الله علیه و آله و سلم تنفیذ گردد همه مشکلات حل می گردد چونکه حفاظت از سرحدات وجغرافیا، چگونگی رشد وارتقای اقتصادی ،و شیوه و طریقه ترتیب وتنظیم ادارات و حکومت داری خوب ، زدودن فسادات اخلاقی، و آموزش فرهنگ صحابه وبزرگان دین همه در قاموس دین مقدس اسلام نهفته است ویگانه مقصد وآرمان مجاهدین همین است که ملت از این بیماریهای مهلک توسط نسخه اکسیر فرامین مقدس اسلامی نجات داده شود.



همه در قبال مسائل جاری مسئولیم

منصور تالقانی

چون اشغالگران خارجی و خود فروختگان داخلی با آن همه توانایی نظامی و زرنگی و درندگی در برابر اراده خلل ناپذیر دلیران امارت اسلامی سر تعظیم فرود آوردند و دارند به شکست خود اعتراف می کنند و با شرمساری و سر افگندگی از صحنه دارند عقب نشینی می کنند دنیا به عظمت و شکوه اسلام و برندگی سلاح ایمان پی می برد، و از هر گوشه و کنار از گلوگاهای هجده سال فشرده شده و خفه گشته مسلمانان های محکوم ، مظلوم و اسیر ندای آزادی بلند می گردد، طلسم شکست ناپذیر استکبار درهم می شکند، امپراتوری بزرگ که هرگز گمان نمی رفت کسی به رسم اعتراض به جانب کاخ شان نگاهی چپی بیفگند متزلزل می شود.

شکی نیست که این تحول عظیم و این تحرک سرتاسری و جهان شمول در نتیجه قیام مقاومت و پایمردی جوانان دلیر و با شهامت امارت اسلامی پدیدار گشته است که اراده شان خلل نا پذیر و تصمیم شان استوار و ایمان شان به اسلام متین و محبت شان به خدا عمیق و جاویدانه و عشق شان به آزادی پایدار است.

در جریان بیش از هژده سال درس عملی در مکتب جهاد اسلامی، بزرگان و ابرمردان امارت اسلامی از خود صبر و شکیبایی نشان دادند، با گرسنگی ها و در بدری ها، مهاجرت ها دست و پنجه نرم کردند، کشتار های دسته جمعی فرزندان، دلیران، جوانان با شهامت خود و ملت شان را تحمل کردند، ویرانی ها، رنج ها، درد ها را پذیرا شدند، از قربانی جان، مال و منال خود دریغ نورزیدند و مرارت ها و تلخ کامی های توان فرسا را استقبال نمودند، ولی اجازه ندادند عزت وشرف خود و ملت شان پایمال شود، اجازه ندادند صفحات درخشان تاریخ حیات شان و کشور شان با غبار ذلت و نکبت زنگار گردد و داغ ننگ بر پیشانی تابناک تاریخ ملت شان نقش بندد.

دوستان عزیز!

رویداد های که درین ایام جریان دارد و خارجی ها به پای میز مذاکره حاضر شده اند هرگز نتیجه کدام معامله و پیش کشی نبوده بلکه هر مسلمانی عمیق تر بیندیشد پی خواهد برد که این درس عملی در خلال بیش از هژده سال کشمکش های بس خونین و مرگ بار به دنیای بشریت و امپراتور های جهان فهماند که ملتی و لو هرقدر ضعیف و ناتوان، تهی دست و بی ساز و برگ اگر اراده کند و تصمیم قاطع بگیرد وحرکت کند و در برابر تجاوز، وستم و ظلم اشغالگران به ستیزه برخیزد و علیه جباران و ستمگران و لو هرقدر نیرومند و قوی هم باشند برزمند سر انجام به پیروزی می رسند، آزادی وعزت شان را از دستبرد ستمکاران حفظ میکنند. زیرا ارادۀ ملت ها وتصمیم قاطعانه جماعت های محروم و مظلوم قویتر و به مراتب نیرومند تر از زنجیرهایی است که در دسترس استکبار است و هرگاه این اراده و تصمیم از سر چشمه صاف و زلال ایمان به خدا و تمسک به دین خدا سیراب گردد و نصرت پروردگار پشتوانه قیام و پیکار شان باشد، هیچ سلاحی نمی تواند در برابرشان مقاومت کند و پایدار بماند.

آری!

سربازان امارت اسلامی با اتکاء به نصرت پروردگار لایزال و با تمسک و اعتصام به قانون خدا در مصاف حق و باطل، بیش از هژده سال با چنان پیگیری و شکیبائی از سنگر حق و آزادی جانانه دفاع کردند که نه تنها نعش پوسیده اشغالگران و غلامان شان را به تب لرزه مرگ گرفتار ساختند که سایر جنایت کاران و تمویل کننده گان سیاه کار غرب را نیز به وحشت انداختند و نه تنها شکست اشغالگران خارجی و خود فروخته گان داخلی در افغانستان منحصر به آنها ماند بلکه رعشه بر پیکر فرسوده سایر مستکبرین غرب نیز پدید آمد و از اثرات حیات بخش جهاد اسلامی بر کالبد خسته و روان پژمرده توده های مستضعف جهان، استکبار جهانی به وحشت افتاد و مرگ و نابودی خود را در چهار قدمی خود مشاهده کردند.

نقش سازنده و قطعی ایمان به خدا و جهت بخشائی اسلام در جریان بیش از هژده سال جهاد مقدس امارت اسلامی و هدفمندی سنگردارانش، بشریت در بند کشیده و اسیر را متوجه ساخت تا بیاندیشد و رمز پیروزی این ملت بیچاره و برهنه پای فقیر را دریابد، ازینجاست که در این روز ها تمام عالم شاهد آنست که شکوه و جلال اسلام وعظمت نیروی شکست ناپذیر ایمان تجلی می نماید، و نور تابناکش بر اعماق تاریکی های متراکم نفوس و روان خوابیده و بیمار بشریت نفوذ می کند و اینجاست که می بینیم دنیای بشریت آهسته آهسته از خواب بیدار می شود و در گوشه و کنار جهان ندای آزادی خواهی بلند می شود و ادامه می یابد، اشغالگران متجاوز با توده های که بیشک ناشی از سربلندی پابرهنه های امارت اسلامی است به اندیشه فرورفته و به وحشت می افتند و برای نجات از ذلت حتمی و سقوط نهائی در پی چاره می شوند.

اما درین مقطع حساس باید بیدار باشیم و دقیق گام بر داریم چون از بدو تاریخ شیوه همیشگی این شیادان بوده و است که همواره به مکر و حیل متوسل می شوند می خواهند با طرح انواع دسایس و با نیرنگ و خدعه و تزویر از مسلمانان سلب آزادی کنند، و افتخارات مسلمان را لگد مال نمایند یعنی اینکه خدانخواسته نشود که از قیام یک حکومت اسلامی که خواست عمیق ملت ما و سنگرداران عزیز ماست جلوگیری نمایند و بدین ترتیب ملت ما را در صحنهٔ تاریخ بد نام سازند و پیروزی ما را ماحصل تلاش های خود قلمداد کنند و با زمزمه های صلح دروغین و آشتی های شیطانی و به عنوان پایان دادن به اصطلاح برادر کشی و خاتمه خونریزی، مدال افتخار را به گردن خود بیاویزند و باز تاریخ را به عقب برانند و ملت انقلابی ما را که در طول هجده سال هزاران فرزندانشان را در راه خدا قربانی داده اند در یوزه گر آستان نکبت باری خویش بگردانند و باز همان کاسه و همان آش و باز صفحه زرین آزادی در تاریخ معاصر که با خون سرخ شهداء رقم زده شده است خدا نخواسته با سیاهی زمخت غرب زدگی سیاه گردد.

سربازان امارت اسلامی با اتکاء به نصرت پروردگار لایزال و با تمسک و اعتصام به قانون خدا در مصاف حق و باطل، بیش از هژده سال با چنان پیگیری و شکیبائی از سنگر حق و آزادی جانانه دفاع کردند.

ملت انقلابی ما بی صبرانه انتظار می کشد تا پیروزی عظیم تاریخ را که همانا در سیمای یک حکومت اسلامی تجسم خواهد یافت به آغوش بکشد.

باید درین مقطع حساس همواره دست به دعا وخواستگار فرجام نیک از پرودگار باشیم و با نظر داشت عملکرد های ماضی این شیادان تاریخ آگاهانه و زیرکانه قدم برداریم زیرا همواره استکبار جهانی و در رأس آن اشغالگران و متجاوزین که در حقیقت نمایندگان و علمبرداران کیش نصرانیت ویهودیت هستند دشمنی شان بااسلام امر تازهٔ نیست، امپریالیزم غرب برای گسترش نفوذ خود وترویج دین نصرانیت تحت عنوان جنگ های صلیبی سالیان متمادی قلمرو های اسلامی را مورد تاخت و تاز و تهاجم قرار داده اند و صحنه های تکان دهنده از فجایع وجنایات را علیه مسلمانان ایجاد نموده اند.

روی این عناد و دشمنی تاریخی است که زمانی استکبار سیاه غرب متوجه نقطه دعوت ونیرومندی و رمز مقاومت و ایثارملت مسلمانان ما می گردد و می بیند که نیروی محرک این ملت هماناااسلام و اعتصام به قرآن است آن نیروی که در توالی قرون واعصار همچو سد پولادین در برابر استکبار قرار گرفته است می هراسند، وحشت سر تاپای وجودشان را فرا می گیرد، به فکر چاره می افتند تا قبل از جهانی شدن این نیرو و این قیام در پی علاج برآیند لذا به یاری همتای سیاه روی وروی سیه شان می شتابند و در خفاء و پشت در های بسته طرح دسیسه و حیله و مکر را می ریزند و از نهاد های جنایت گستر خویش که همچو جال های عنکبوت به هر طرف گسترده اند استمداد می جویند تا در پروسهٔ خیانت و جنایت شان که در لفافه صلح و سلم علیه ملت مجاهد افغانستان که طرح ریزی شده همنوایی کنند درین لحظات حساس و خطیر که ملت انقلابی ما بی صبرانه انتظار می کشد تا پیروزی عظیم تاریخ را که همانا در سیمای یک حکومت اسلامی تجسم خواهد یافت به آغوش بکشد، ولی

در جانب دیگر قضیه دست های جنایت گران و مغزهای گندیده و انحرافی شیادان داخلی و خارجی سخت در تلاش اند تا مسیر انقلاب ما را در لحظات پیروزی اش به انحراف کشند، فلهذا به انواع طرح های شیطانی متوسل می شوند و می خواهند تا ملت را به مصیبت های رنگارنگ هم کنار سازند و به سلطنت و اهداف شوم خویش ادامه بدهند وملت مظلوم وستمدیدۀ ما همواره ملعبه در دست شان باشد، و بر سر و کله هم بکوبند و یا بازهم از روی اجبار دست سازش به سوی دشمنان دراز کنند.

خوانندگان عزیز !

در مراحل نهایت حساس قرار داریم خدانخواسته با اندکی لغزش سالها متحمل درد آن خواهیم گردید و از داعیه بر حق ملت و خونبهای شهدای اسلام منصرف خواهیم شد و به مصداق «ولن ترضی عنك الیهود و لاالنصاری حتی تتبع ملتهم » به ایماء و اشاره آنها عمل خواهیم نمود، تا آرزوهای باطل دشمن برآورده گردد وما همچنان مورد نفرین نسل ها واقع خواهیم شد و محکوم قرن ها خواهیم گردید ودیگر نه نامی از اسلام خواهد ماند و نه نشانهٔ از افتخار و عظمت و غرور.

آری!

24 دشمنان اسلام آن چنان که قرآن کریم اشاره می کند هرگز راضی نخواهند شد و نخواهند گذاشت که اسلام در بخشی از کره ای خاکی نافذ گردد وقوام بگیرد. بناءً آنچه گفته آمد و با اختصار، اشارتی که به دسایس وافسون های متولیان دستگاه های ظلم و غارت وجور صورت پذیرفت توجه برادران و خواهران هموطن خود را که به نحوی از انحاء به ملت خود و به سنگرهای خون و شهادت ارتباط دارند و در درد ورنج ملت و میهن سهیم و شریك هستند ، دلسوز و وفادار اسلام هستند، به حساسیت موضوع و خطیر بودن شرایط و زمان معطوف میداریم: شرایط بس حساس و خطیر است، خون گرم و سرخ شهدای اسلام هنوز تازه و جوشان است و تا هنوز پاهای برهنه سنگرداران عزیزما آبله سار است و تا هنوز عرق غیرت و شهامت در جبین شان نخشکیده است و هنوز کاروان شهداء متوقف نگشته است و هنوز شور و هیجان ملت زنده است و هنوز ملت ما هدفمند است و سنگرداران ما وفا شعار اند. هنوز خون غیرت و حمیت اسلامی دررگ رگ وجود فرزندان ودلیران امارت اسلامی می جوشد و هنوز رسالت ما پایان نیافته است، هنوز از هر خانه افغان فریاد نالهٔ شهادت و اسارت فرزندان وجوانان شان می بر آید، ولی دشمنان اسلام از خروش و توفندگی این ملت و از شکوه و عظمت جاویدانه مکتبی که تربیت گاه این ملت است به وحشت افتاده اند و می خواهند با حیله و دسایس نور خدا را خاموش سازند و از قیامت حکومت عدل الهی بدست توانای سنگرداران ما جلوگیری کنند، پس با درك این واقعیت و با احساس این موقعیت خطیر همه افراد با درد و با احساس وطن رسالت و مسئولیت دارند تا گام های خود را سنجیده بردارند و آگاهانه با قضایا برخورد کنند و اجازه ندهند که این انقلاب با این عظمت و افتخارش دستخوش امیال شوم و شیطانی شیادان داخلی وخارجی گردد و ملت عظیم ما خدا نخواسته از حق مسلم خویش محروم ساخته شود و با روی کار آوردن یك حکومت نا مشروع که عناصر گندیده و منحرف و کسانیکه تا دیروز به هدایت ورهنمائی آنها بمب های زهرآگین غرب بر سر کودکان ما کوبیده می شد و دست های شان تابه آرنج در خون علماء و حفاظ کشور سرخ است، به مقام و منصب برسند وبر ملت تحمیل گردند. اگر چنین شد و دشمنان به امیال شوم شان رسیدند پس زیر زمین بهتر است از بسر بردن به ذلت و خواری در روی زمین که خداوند ما را از وقوع در آن نجات بخشاید. آمین

خون گرم و سرخ شهدای اسلام هنوز تازه و جوشان است و تا هنوز پاهای برهنه سنگرداران عزیزما آبله سار است و تا هنوز عرق غیرت و شهامت در جبین شان نخشکیده است و هنوز کاروان شهداء متوقف نگشته است و هنوز شور و هیجان ملت زنده است.

از خداوند بزرگ و توانا رجامندیم که همت مقابله در میادین سیاسی ، دیپلوماسی ونظامی و تداوم راه شهدای عزیزمان را به ما ارزانی و عنایت فرماید، و به ما ضمیر روشن ، اندیشه سالم ، فهم ودرك کامل و فراستی عطافرماید که با قضایای جاری در پرتو نور ایمان برخورد کنیم واین کشتی طوفانی را از میادین سیاسی ونظامی واز میان امواج طوفانی خون‌های پاك شهداء به ساحل مراد وپیروزی برسانیم و بدین ترتیب سربلندی و عزت نصیب ملت ما خواهد گشت و سرور جاودانه و آرامش و سکون قرین ارواح شهداء ما.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

***



شهید بزرگوار

مولوی امان الله بلوچ رحمه الله

نویسنده : سعدالله بلوتشی
ترجمه : ذبیح الله بلوچ

هنگامی که قلم را برداشتم تا شمه ای از سیرت ابرمردان جهاد را ثبت کنم حیرت زده شدم که از کدام یک از این شیرمردانِ دلاور را به تصویر بکشم مردانی که همانند کوه هایَ سر به فلک کشیده و مناره های سربرافراشته، چنان قامتی بلند و استوار دارند که چشم ها را خیره، زبان ها را گنگ و قلم ها را بی حرکت می کنند .

چیزی که بیش از پیش مرا حیرت زده کرد این بود که نمی دانستم از کدام یک از جنبه ی زندگی این ابرمردان بنویسم؛ چون زندگانی هر فردی از این بزرگ مردان جنبه های فراوان و بیشماری دارد.

مردان بزرگواری که مرگ در حق این افراد به معنای فنای وجود و پایان یافتن سیرت شان نیست، مرگ برای این افراد به منزله ی فرار از مشکلات و تنگی های دنیا نیست، بلکه مرگ در قاموس این افراد صیقل دهنده ی روح از رذایل و زشتی هاست، این افراد با عبور از پل مرگ به حیات قدسی و مجد سرمدی دست می یابند.

مرگ برای این افراد سفری مبارك به عالم آخرت و دست یابی به شرافت والای ملاقات با آفریدگار آسمان ها و زمین است، ذات یکتایی که قلب ها از اشتیاق ملاقتش می تپند.

اما ارواحی که با بخل، طمع، تکبر، خودبزرگ بینی و محبت دنیا و امور ناچیز و پیش پا افتاده خو گرفته اند از کردگار یکتا فاصله دارند اما شهید با تقدیم کردن جان خود دلیل واضح و روشنی برای ما به جای گذاشته است مبنی بر این که از این امور نازیبا و پلید دور مانده است.

آیا شهید چیزی باارزش تر از جانش دارد؟ همان جانی که آن را در راه خالق خویش فدا نموده است؟

نفیس ترین چیزی که انسان در اختیار دارد جانش است. گرچه حقیقت این است که جان نیز متعلق به خود انسان نیست ولی همین که شهید با دستانش خود را به کام مرگ می اندازد، مردمان گمان می کنند که جان در اختیارش است و به همین منظور انسان ها تمام تلاش خود را به کار می بندند تا جلوی بیرون شدنِ جان و روح خود را بگیرند.

اما شهید چنین گمان خام و باطلی ندارد، شهید می داند که جان در ملکیت او نیست بلکه مالک جان،

آفریننده ی آن است، ذات والایی که اگر بخواهد جان را تا مدتی نگه می دارد و اگر مشیت و اراده اش تقاضا کند جان را می ستاند. مسئولیت ما این است که هرچه زودتر جان را به صاحبش تحویل دهیم؛ چون امانتی در دست ماست و هرگاه آن را طلب نمود باید عرضه اش کنیم، اگر خواست آن را می پذیرد و اگر ارزش پذیرفتن نداشت آن را بر می گرداند.
همین است مفهوم مرگ و شهادت در نظر این افراد والا. به خاطر همین درک عمیق شان از زندگی و مرگ، خداوند متعال حیات جاودانی و زندگانی سرمدی به آنان می بخشد. این افراد گرچه جسدهایشان از زمین فانی کوچیده است اما خاطرات عطر آگین شان مشام جان را معطر ساخته و سخن از مجد و بزرگ مردی شان تا قیام قیامت باقی خواهد ماند. این شهیدان بزرگوار، خاطراتِ روح افروزی بعد از خود بر جای می گذارند که ضعیفان را قوی می کنند، بزدلان را شجاع و انسان های نیمه جان را جانی تازه می بخشند. الله متعال در عوض حرص شان به شهادت، آن ها را به سیادت می رساند و در قبال حرص شان به فنا، بقا را نصیب شان می گرداند.
شهید مولوی امان الله رحمه الله از همین طیف افرادی بود، وی تشنه ی شهادت بود. از سرداران بزرگ اسلام بود و من حیرت زده ام کدام جانب از جوانب طلایی زندگی اش را به رشته تحریر درآورم.
آیا از فداکاری، ایثار و صبرش بنویسم یا از شخصیت والا و دعوت گرش؟ آیا از نگهبانی اش در دل شب های تاریک بنگارم یا از تلاش های شبانه روزی اش برای خدمت به مجاهدین؟ آیا از اخلاص و صداقتش بسرایم یا از محبت و صمیمیت اش با مجاهدین و هم سنگرانش؟ آیا از مهارت های نظامی و تجارب جنگی اش بگویم یا از شجاعت و دلاور مردی اش؟
تمام جوانب فوق، گوشه ای از صفات والای این مرد دلیر و مجاهد نستوه است و من قادر نیستم تمام جوانب حیاتش را به تصویر بکشم. بنابراین پیشاپیش نسبت به قصور و کوتاهی ام اعتراف می نمایم. اما به مصداق شعر: آب دریا را اگر نتوان کشید/ هم به قدر تشنگی باید چشید
شمه ای از زندگانی پرفراز و نشیب ایشان را برای خوانندگان گرامی بیان می دارم.

تحصیلات علوم دینی

در دارالهجرۀ ایران برای فراگیری علوم دینی وارد مدرسه شد، سپس برای تکمیل مدارج علمی به پاکستان سفر نمود و در آن جا برگ تازه ای در زندگی ایشان رقم خورد؛ چون به وسیله ی مجاهدینی که در مدرسه همراه او درس می خواندند با میادین جهاد آشنا شد و توانست در زمان داکتر نجیب، علیه شوروی به جهاد بپردازد.
در حین تحصیل در مدرسه، سایر طلاب را به شرکت در میدان جهاد تشویق می نمود و به سبب دعوت مبارکش افراد زیادی مشرف به شرکت در این راه خجسته گردیدند. به تحصیلات خویش ادامه داد تا این که به توفیق خداوند توانست فارغ التحصیل شده و دستار فضیلت بر سر نهد، آنگاه به خانه برگشت و ازدواج نمود. خداوند متعال به ایشان سه دختر و یک پسر عنایت فرمود.
بعد از اشغال کشور عزیزمان توسط نیروهای ناتو به سرکردگی آمریکای جنایت کار، شهید مولوی امان الله برای دفاع از سرزمین اسلامی به پا خاست و به شمال کشور رفت، در آنجا فرماندهی گروهی از مجاهدین به عهده ی ایشان محول شد. منطقه ای که وی با همراهان خویش در آنجا سنگر گرفته بود توسط دشمن بمباران شد .
مقداد (یکی از همراهان شهید مولوی امان الله) می گوید: «قسم به خدا، مولوی امان الله همانند شیر غرنده ای بود و هیچ گاه از مرگ نمی هراسید. هنگامی که بمباران شروع شد هیچگونه پروایی نداشت، بلکه پیوسته در تلاش بود تا محل امنی برای اختفای مجاهدین بیابد. به مکانی رفتیم و شهید برای ما آتشی روشن کرد چون سردی شدید و استخوان سوز بود. هنگامی که مجاهدین عقب نشینی نموده و مزدوران پیشروی می کردند ما نیز عقب نشینی کردیم و مجبور شدیم شب و روز پیاده روی کنیم تا این که از فرط خستگی نای رفتن نداشتیم. در میان راه گمان کردیم به مرکز مجاهدین رسیده ایم در همین خیال بودیم که ناگهان سیلی از تیرها بر سر ما سرایز شد و چنان شدید بود که ما را زمین گیر کرد، طوری که نمی توانستیم سر خودیش را بلند کنیم. در همین حال بر زمین افتاده بودیم که شهید مولوی امان الله را مشاهده کردم که با قامتی استوار، سر را بلند کرده و دشمن را زیر رگبار گرفته است، ما نیز با مشاهده ی شجاعت ایشان جانی تازه یافتیم. ایشان به ما دستور داد که عقب نشینی کنیم و به ناچار تعدادی از دوستان مان را که شهید شده بودند رها کردیم.
بعد از عقب نشینی مسافت زیادی را طی کردیم تا این تقدیر الهی غالب آمد و به دست دشمن اسیر شدیم. سلاح های ما را گرفتند و اموال مان را دزدیده و

خودمان را به زندان انداختند. زندانی وسیع که به شکل قلعه ی بزرگی بود.»

برادر دیگری (که او هم از همراهان مولوی امان الله بود) می گوید: مدتی را در زندان سپری کردیم، شهید مولوی امان الله همیشه در تلاشِ راهی برای فرار از زندان بود. در همین اثنا وبایی دَر منطقه سرایت کرد. مردم محل که اطلاع داشتند در میان اسیران، تعدادی از طلبه های مدارس دینی وجود دارند از اجیران اجازه خواستند و به زندان آمدند تا برای آن ها قرآن بخوانیم تا خداوند شفایشان دهد. هنگامی که پیش ما آمدند ما نیز قرآن خوانده و آن ها را دَم کردیم که به برکت قرآن شفا یافتند.

مردم نیز گروه گروه با انواع میوه و شیرینی جات پیش ما می آمدند. ما به آن ها گفتیم: برای ما میوه نیاورید و به جای آن پول بیاورید. هدف ما از دست یابی به پول این بود که شهید بزرگوار، راهی برای فرار پیدا کرده بود و بعد از فرار مجبور بودیم موتری کرایه کنیم تا ما را به مقصد برساند.

شهید بزرگوار در دیوار سوراخی درست کرده بود. هرگاه با کلنگ دیوار را می کوبید ما سروصدا راه می انداختیم تا صدای کلنگ را نشنوند. نگهبان با شنیدن صدای ما می آمد و وقتی می دید که داریم می خندیم بر می گشت و متوجه نقشه ما نمی شد.»

خودِ شهید بزرگوار مولوی امان الله رحمه الله برایم تعریف کرد: «من از دوستانم خواسته بودم هر کفشی که در حین رفتن به بیت الخلاء می بینند با خود بیاورند و پنهان کنند. ما کفش های خود را داخل اتاق می گذاشتیم و هرگاه نگهبان برای سرکشی می آمد و کفش ها را جلو اتاق نمی دید داخل اتاق سر می کشید و هنگامی که ما را می دید که داخل اتاق هستیم دوباره بر می گشت.

این روال ادامه داشت تا این که موعدِ فرار فرا رسید. برادران را تقسیم کردم و کفش هایی را که از این طرف و آن طرف یافته بودیم جلوی در گذاشتیم تا نگهبان فکر کند ما داخل اتاق هستیم، آنگاه کفش های خود را پوشیدیم و دستور دادم: دو دو نفر خارج شوید تا دوباره دستگیر نشویم. دیوار را کاملا سوراخ کردیم و خارج شدیم. نگهبان ها که کفش ها را جلو در اتاق می دیدند گمان می کردند که ما داخل اتاق هستیم اما ما از منطقه دور شدیم و خدا را شکر همه از زندان فرار کردیم.»

این گونه شد که خداوند متعال شیخ بزرگوار را به همراه سایر مجاهدین از زندان رها ساخت. نکته ی جالبی که باید ذکر کنم این است که: با اسارت شیخ بزرگوار به دست اجیران، در منطقه شایع می شود که ایشان در بمباران شهید شده است و به همین جهت اهل خانه برای ایشان مجلس تعزیه می گیرند، اما بعد از گذشت یک و نیم ماه ایشان در حالی که زنده بوده همه را حیرت زده می کند و به خانه بر می گردد.

بعد از این که از زندان رهایی یافت دست بسته ننشست بلکه تمام تلاش خود را به خرج داد تا مجاهدان مهاجر را از مرز بگذراند تا به دست اجیران اسیر نشوند. گاهی به ناچار همسر خویش را نیز با خود بر می داشت، چون احیانا مجبور می شد زن های مهاجران را نیز از یک نقطه به نقطه ی دیگری برساند.

پسرعموی همسر ایشان برایم تعریف کرد: «شیخ بزرگوار همسرش را با خود بر می داشت تا زنان مجاهدان را از یک مکان به مکان دیگری برساند. یک مرتبه که همسر ایشان حامله و باردار بود، با وجود این زنش را برداشت و هنگامی که در شهر دیگری مسافر بودند همسرش وضع حمل می کند.»

این داستان، بیان گر این است که شیخ بزرگوار، همسر، مال و فرزندانش را فدای دین خدا کرده بود.

در همین ایام که مشغولیت ایشان حمل و نقل مجاهدان و خانواده هایشان بود فرمانده ی کبیر، مولوی محمود (سیف الله) رحمه الله در پیامی خطاب به وی می گوید: تو را چه شده که مثل زنان در خانه نشسته ای؟

ایشان به محض شنیدن ندای فرمانده ی خویش به سوی میدان می شتابد و با شجاعت و دلیری اش صحنه های شگفت انگیزی از خدمت به اسلام و مسلمین خلق می کند.

هنگامی که ایشان به برابچه آمد من نیز آنجا بودم. امرای جهادی، گروهی از مجاهدین را (که من و شیخ بزرگوار از جمله افراد این مجموعه بودیم) به ولسوالی خاشرود ولایت نیمروز فرستادند. یک ماه در آنجا ماندیم و در این مدت در چندین معرکه شرکت کردیم. از جمله نبردهایی که داشتیم نبرد "پیروزی آشکار" بود که داستانش را در مجله عربی "الصمود" نوشته ام و در این جا خلاصه ای از آن را برای شما نقل می کنم:

«مدتی پیش با پیروزی مجاهدین در یکی از معرکه ها، سرور و شادی مان به اوج خود رسید. دشمن شکست خورد، چهار نفر کشته شد دو نفر را اسیر کردیم و دو نفر دیگر پا به فرار گذاشتند. موتر و سلاح هایشان را به غنیمت گرفتیم.

این نبرد گویا در یک چشم به هم زدن به پایان رسید چون فقط پانزده الی بیست دقیقه طول کشید. بدین

جهت شتاب زیادی برای اختتام نبرد داشتیم که این پایگاه با مرکز دشمن بسیار نزدیک بود. هنگامی که حرکت کردیم چرخ های موتر در ریگ فرو رفت. مجاهدین با قوتِ تکبیر موتر را بیرون کردند. مولوی امان الله راننده بود و من و مولوی عبدالله (فرمانده عملیات) در جلو نشسته بودیم. مولوی امان الله تکبیر می گفت و سایر مجاهدین نیز تکبیر و تهلیل سر می دادند. در مسیر بازگشت، من به سوی مولوی امان الله رحمه الله نگاه کردم و دیدم که در حین راندگی دست ها را به سوی آسمان بلند کرده و می گوید: «پروردگارا! با چه زبانی شکر تو را به جای آوریم که چنین فضل و احسانی بر ما نمودی؟» هنگامی که دعا می کرد اشک هایش روی گونه هایش جاری بود.

ایشان نمونه ای از فرماندهان عصر طلایي اسلام بود. در میدان جنگ شمشیر برنده ای علیه اجیرانَ و اشغال گران بود و همانند آتش سوزانی به سوی دشمن پیشروی می کرد، در عین حال، انسانی مهربان، باعطوفت و دارای همت والایی بود. بسا اوقات ایشان را مشاهده می کردم که بسیار خسته و درمانده به نظر می آمد چون تمام روز را با موتر سفر می کردیم ولی با وجود این، هنگامی که شب فرا می رسید می گفت: اسم مرا در ابتدای لیست برای نگهبانی بنویسید. وقتی می خوابیدیم ایشان نگهبانی می داد و تا صبح کسی را بیدار نمی کرد. هنگامی که صبحدم از ایشان می پرسیدیم: چرا ما را بیدار نکردهای می گفت: از خداوند متعال امید دارم که گناهان مرا ببخشد.

قسم به خدا! در میدان جهاد شخصی را مانند او ندیده ام که نگهبانی را دوست داشته باشد. چون پاداش چشمی را که در راه الله بیدار مانده باشد، می دانست و می خواست خداوند او را گلچین کند. و همین گونه هم شد.

قسم به خدا! از هر برادری در میدان جهاد در مورد ایشان سؤال می کردی به تو می گفت: انسانی مثل وی ندیده ایم. بسیار دوستدار و دوست داشتنی بود. زبان ها همیشه در تعریف و تمجید از ایشان در حرکت بود؛ چون دارای قلبی پاک و صاف بود.

شهادت و لحظهء وصل با محبوب حقیقی

شیخ بزرگوار پیوسته در میدان جهاد و کارزار بود تا این که موعد شهادت فرا رسید همان موعدی که ایشان انتظارش را می کشید، آن هم در ماه فتوحات و پیروزی ها، ماه مبارک رمضان سال ۱۴۲۹ ه ق در ولایت نیمروز ولسوالی چاربرجک.

برادرمان محمد (که در آن عملیات شرکت داشت) تعریف می کرد: «هنگامی که به دشمن نزدیک شدیم از شدت گرد و خاکی که فضا را فرا گرفته بود جلوی پای خود را نمی دیدیم. ساعت نه و نیم صبح بود. دشمن هرگز گمان نمی کرد که در این وقت آن ها را غافل گیر می کنیم، همه در خواب عمیقی فرو رفته بودند؛ چون شب را اصلا نمی خوابیدند.

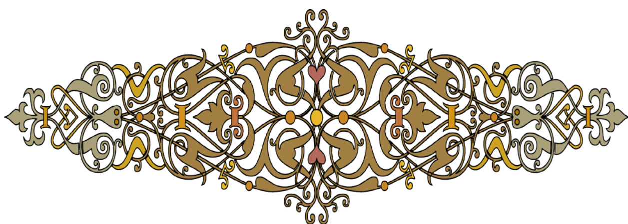
وارد پوسته شدیم. چندین اتاق داخل پوسته بود و اجیران در اتاق های مختلف خواب بودند. شیخ بزرگوار جلو بود و ما پشت سرش. وارد یک اتاق شد و همه را به قتل رساند. سپس وارد اتاق دیگری شد و تمام افراد را به هلاکت رساند. تا این که دشمن بیدار شد و باران تیرها بر ما باریدن گرفت. ما نمی دانستیم که تیر از کدام جانب می آید. تا این که متوجه شدیم که از یک پنجره به سوی ما تیراندازی می شود. در اثر تیراندازیِ دشمن، شیخ بزرگوار و تعدادی از مجاهدین غرق درَ خون شدند و روح شان به سوی محبوب حقیقی پرواز نمود؛ آن هم بعد از این که دشمن را به خاک ذلت نشاندند و بسیاری از آن ها را به درک واصل کردند تا مصداق این حدیث مبارک گردند: "لا یجتمع کافر وقاتله فی النار" (کافر و قاتلش در جهنم جمع نمی شوند) [روایت امام مسلم.]

جسد شیخ بزرگوار به همراه عده ای از مجاهدین از جمله ابوعمر کویتی و ابواسامه مدنی در میدان معرکه ماند.

مجاهدین عده ای از مو سفیدان منطقه را برای تحویل گرفتن اجساد می فرستند اما آنَ ها از تحویل اجساد انکار نموده و می گویند: چگونه جسدهایشان را بدهیم در حالی که از کشته های ما یک قبرستان درست کرده اند.

اجیران به یک امام مسجد دستور می دهند تا شهدا را کفن نموده و در قبرستان محل دفن کنند. از قرار شنیدن، هنگامی که می خواهند آن ها را در قبرستان محَل دفن کنند زمین سخت و سفت می شود و نمی توانند قبری حفر کنند، ناچار می شوند تا در منطقه ای دیگر در آن حوالی قبر حفر نموده و شهدا را دفن کنند.»

خداوند متعال از ایشان راضی و خشنود باشد و ایشان را با شهدای صدر اسلام حشر فرماید. آمین یا رب العالمین.






مصادیق صبر در میدان جهاد

حکمت الله حکمت

کم نیستند مجاهدین و دوستداران مجاهدینی که بر این گمان هستند که صبر در میدان جهاد در ماندن و استقامت در این میدان مملو از خطرات منحصر است. بدون شک و تردید صبر در میدان جهاد شامل استقامت و پشت نکردن به این میدان مبارک است، اما کلِ آن نیست. یکی از مصادیق مهم و حیاتی صبر در میدان جَهان و جنگ علیه دشمن، صبر بر رجحانات شخصی و بعضاً حماسی و ترجیح دادن مفادات و منافع جمعی بر مفادات شخصی است. هر شخص دارای خصلت های ذاتی و درونی است که یقینا با خصلت های افراد دیگر فرق دارند. برای رسیدن به هدف مشترک راهی وجود ندارد جز دست گذاشتن بر خصلت های مشترک و تبعیت و پیروی از تصمیم جمع که در عرف بدان خِرد جمعی می گویند.

واقعه صلح حدیبیه یکی از بهترین مثالها برای درک و فهم بهتر این مسئله است. در این واقعه پیمانی تاریخی بین مسلمانان و مشرکان قریش بسته شد؛ اما بعضی از بندها و موارد آن به ظاهر برخلاف عزت و قدرت مسلمانان بود. حتی نماینده مشرکین با بسم الله الرحمن الرحیم و "نبی" معرفی شدن نبی اکرم صلی الله علیه و صحبه و سلم مخالفت کرد؛ رسول الله صلی الله علیه و سلم عقب نشینی کردند و حرف دشمن را قبول کردند. در همین حین خون یارانی باوفا و جان فدا همچون سیدنا عمر و سیدنا علی رضی الله عنهما به جوش آمد و این را برخلاف غیرت و شجاعت خود دانستند، اما در مقابل تصمیم و عزم رهبر و زعیم دانا و توانا و حکیم خودشان سر تسلیم خم کردند و تحمّس و غیرت خود را زیر پا لگدمال کرده تسلیم اراده نبوی شدند. به برکت همین معاهده و پیمان صلح بود که مسلمانان فرصت یافتند تجدید قوا نمایند و برای تبلیغ دین مبین اسلام بیشتر تلاش کنند. بر هیچ عاقلی پوشیده نیست که مذاکرات و معاهدات عموما بین طرفهای برابر صورت می پذیرد و قریش با این معاهده ناچار به رسمیت شناختن ریاست اسلامی شد. بعدا که مسلمانان بیشتر تقویت شدند، خداوند به برکت اخلاص و مجاهدت های آنها زمین را بر مشرکان بیشتر تنگ کرد و نهایتا سرزمین مقدس حجاز را از لوث شرک وکفر پاک فرمود. این پیمان صلح در حالی بسته شد که قبل از آن ائتلاف بت پرستان و قبایل یهود عزم خود را برای ریشه کنی مسلمانان جزم کرده بود، اما در غزوه احزاب خداوند همه آنها را رسوا کرد. جماعتی را که قصد نابودی کاملش را داشتند، به رسمیت شناختند و معاهده بر ده سال توقف جنگ بستند؛ یعنی اعتراف به ضعف کرده و بر قوت اسلام صحه گذاشتند.

چقدر شباهت دیده می شود بین وقایع تاریخ معاصر افغانستان عزیز و زخم خورده و اتفاقات صدر اسلام! ده ها قدرت بزرگ جهانی و ائتلاف های نظامی و عسکری با تمام خدم و حشم خود سرزمین مردان غیور را اشغال کردند. بخش کلان سیاسیون و رهبران جهادی سابق با وجود اختلاف نظرات اشغالگران را همراهی کردند. اما در نهایت اراده ملت غالب آمد و مردم غیور افغانستان زیر بیرق امارت اسلامی حرف خود را به کرسی نشاندند که خروج اشغالگران خواسته همه ماست. مجاهدینی را که دیروز یک به یک ربوده و با تحقیر روانه زندان های وحشتناک خود می کردند، امروز ناچار به مذاکره با همان مجاهدین هستند تا راه فراری از باتلاق افغانستان برای خود پیدا نمایند.

در این هنگامه بسیار مهم و حیاتی لازم و ضروری است که آحاد ملت افغان و بالاخص مجاهدین جان برکف اجازه ندهند از احساسات مقدس و پاکشان کسی فایده غلط ببرد و با نگاه های سطحی و عوام فریبانه درمیان صفوف مستحکم مجاهدین شکاف ایجاد نماید. صبر و قابو کردن احساسات و گردن نهادن به تصمیم جمعی و اطاعت از امیر مصداقی دیگر از صبر را جامه عمل بپوشانند. اکنون که مجاهدین بار دیگر موفق به شکست دادن قدرتی دیگر در سرزمین استوارمردان شده اند و برگی زرین بر تاریخ این کشور عزیز افزوده اند، نیاز به اتحاد و همدلی و یکجهتی بیشتر است تا مجاهدین بتوانند با کسب امتیازات بیشتر و کمترین ضعف از نشست های صلح بازگردند. ان شاءالله العزیز



سر رفت سنگر هم رفت ...!

ابو صهیب حقانی

امروز صبح خبری در خروجی رسانه ها قرار گرفت مبنی بر آنکه گروهی از طالبان بر یک قطعه خاص عساکر رژیم کابل در قمندانی امنیه میدان شار (مرکز ولایت میدان وردک) حمله ور شده و جنگ میان طالبان و عساکر رژیم کابل به شدت جریان دارد؛ دیری نگذشت که محترم ذبیح الله مجاهد سخنگوی طالبان با قبول مسئولیت طی یک اعلامیه از حملۀ مجاهدین استشهادی خود بر یک قطعۀ خاص نظامیان رژیم در «میدان شهر» خبر داد و از جزئیات و تلفات وارده گفت؛ بعدها در تکمیلی خبر مجاهد صاحب تعداد تلفات رژیم در این حمله به ۱۹۰ کشته و زخمی ارتقاء یافت.

با آنکه این روزها رسانه های دنیا متوجه تحولات سیاسی و نظامی افغانستان و مخصوصا تحرکات فوق العاده پیشرفتۀ طالبان در عرصه های مختلف است خبرگزاریهای مهم جهان از جمله «رویترز» به نقل از مقاماتی در وزارت دفاع به شرط عدم افشای نام شان از کشته شدن ۱۲۶ تن عسکر و تعداد بسیاری زخمی خبر داد که عینا خبر طالبان را تصدیق کرده و اطمینان داد، این در حالیست که دیروز نیز طالبان در لوگر طی یک حملۀ استشهادی خود ده ها عسکر و پولیس را کشته و زخمی ساختند؛ و چندی پیش در فاریاب و همینطور در کابل (پایتخت) حملات عمده و برجستۀ را سازماندهی و با موفقیت به انجام رساندند که بازتاب آن خبرها در سطح افغانستان، منطقه و جهان کم نظیر بود.

این پیشرفت های نظامی طالبان در حالی انجام می شود که تقریبا یک ماه پیش در چنین روزهایی اسدالله خالد و امرالله صالح (به اصطلاح) به حیث سرپرستان وزارت های دفاع و داخله از طرف اشرفغنی معرفی گردید گرچه این تغییرات جدید اشرفغنی بخاطر پروسۀ نمایشی دیگری به اسم انتخابات بود؛ ولکن با آنهم حرف های کلان تر از توان که اسدالله خالد در روز معرفی خود بر زبان آورد و ادعای بالاتر از کفایتی که امرالله صالح در مورد طالبان و (به اصطلاح) امنیت کشور گفت چیزی کاملا در حد یک بلوف یا لاف سیاسی بود؛ چونکه اولا این دو نفر قبلا در نهاد نام نهاد امنیت ملی امتحان خود را پس داده بودند و اعتراف به ناکامی نموده و تا سرحد سرنگونی فیزیکی پیش رفته بودند؛ و ثانیا بر چنان مبارزانی اعلان جنگ و تجدید قوای و روحیه نمودند که ابر قدرت های دنیا در برابر عزم آهنین و ارادۀ فولادین شان کم آوردند خالد و صالح کدام باز تغیر را می توانستند بیاورند؟!

در آن روزها که سخنان (به اصطلاح) تند و تیز اسدالله خالد سرپرست جدید وزارت داخله نشانۀ عزم جدی او در برابر طالبان تلقی شد و بعضی رسانه ها با شدّ و مدّ فراوان این جمله اش را «سر وهو سنگر به نیسو» (سر می زنیم سنگر می گیریم) بدرقه نمودند طالبان اما با سکوت خود خبر از نبرد واقعی دگر در برابر این جنایت پیشه های تاریخ تیر شده می داد و به جای آنکه مثل خالد شعار خالی بدهند روزی رسید که عملا جملۀ اسدالله خالد را کاملا برعکس مصداق بخشیدند؛ زیرا طالبان با عزم قوی و انگیزۀ شکست ناپذیر در نبردهای سخت و نفسگیر مثل فاریاب، جوزجان، لوگر، میدان وردک و ... چنان فشار آوردند که سر عساکر رژیم هم رفت و سنگرشان هم، و چنان آنها را با خفت و ذلت مواجه ساختند که اگر آنها به اندازۀ سرسوزنی شرم و حیا داشته باشند باید از خجالت آب شده و زیر زمین بروند؛ ولی متاسفانه آن چشم سفیدان شرم را خورده و حیاء را استفراغ نموده اند و با آنکه بارها چنین و حتی بدتر خوار و ذلیل گشته باز هم پند نگرفته و بر حماقت خود اصرار می ورزند.

در پایان جا دارد به قهرمانان حماسه خیز طالبان بخاطر پیروزیهای پیاپی در کابل، فاریاب، لوگر و وردک شاباس و آفرین گفته و بر روح پاک شهدای قهرمانان استشهادی که مخصوصا در این روزها کارنامه های پرافتخار و تاریخی خلق کرده و قلوب بسیاری از بی نوایان را شاد و خرسند کردند از صمیم دل درود و رحمت فرستاده و از الله رب العزت علو درجات در جنت الفردوس را برای شان مسئلت نموده و بر عزیزان و بازماندگان بزرگوارشان صبر جمیل و اجر جزیل طلب کنیم.

به امید شکست و ذلت های هر بیشتر به اشغالگران و ایادی اجیر آنها.

از حقانی صاحب باید آموخت!

نویسنده: فاروق غوری

روزهـای عیـد سـعید اضحـی را بـا تعـدادی از دوسـتان و عزیـزان در ولسـوالی مرغـاب ولایـت غـور باسـتان مـی گذرانديـم، فضـای زیبـای منطقـه، آب و هوای خوشـگوار و صفایـی دریـای مرغـاب تـوام بـا آمـدن عیـد اضحـی بـه خوشـی هـای مـا مـی افـزود و بـرای مـان حوصلـه مـی داد تـا خسـتگی را در سـفر نشـناخته و بـا همـت هـر چـه بالاتـر بـرای حصـول مقصـود گام بگذاریـم.

دو روز ازعیـد اضحـی گذشـته بـود و مـا به خاطـر خواندن پیـام هـای دوسـتان بـه خانـۀ یکـی از دوسـتان رفتیـم کـه وی در خانـه اش انترنـت فعـال کـرده بـود، موبایـل هـای خویـش را بـاز نمودیـم و بـه خاطـر وصـل شـدن بـه انترنـت انتظـار کشـیدیم، انترنـت وصـل شـد امـا مـا کمـا کان منتظـر آمـدن نامـه هـا بودیـم، زیـرا آنجـا انترنـت خیلـی ضعیـف بـود، و اگـر چندیـن موبایـل همزمـان وصل میشـد سـرعتش بـه صفـر میرسـید و از کار مـی مانـد. بـه هرصـورت مـا چشـم بـه شیشـۀ موبایـل دوختـه بودیـم و پیـام هـا یکـی پـی دیگـر بـا تاخیـر آمدنـد، در ضمـن پیـام خبـر وفـات مولـوی جـلال الدیـن حقانـی رحمـه الله هـم آمـد. شـنیدن خبـر وفـات مولـوی حقانـی بـزرگ رحمـه الله بـرای مـان از یکسـو تـکان دهنـده بـود و مـا را غمگیـن و حزیـن سـاخت و از سـوی دیگـر مـا داشـتیم، بـا اینکـه جنـاب حقانـی صاحـب بـا صبـر و مصابـره و مرابطـه بالآخـره در صـف جهـاد و در سـنگر مبـارزه علیـه صلیبـی هـا روح خـود را بـه رب العـزت تسـلیم نمـوده بـود، اظهـار خوشـحالي و خورسـندی مـی کردیـم، چـون ثبـات رهبـر و اسـتقامتش بـر مسـیر مقصـود بـر افـراد روحیـه میدهـد و در آنهـا روح تـازۀ بـرای ادامـه مسـیر مـی دمـد.

آری! مـا خبـر وفـات حقانـی صاحـب را کـه در سـنگر جهـاد وفـات یافتنـد، در سـفر جهـادی شـنیدیم و از الله عزوجـل میخواهیـم کـه مـا و بقیـه مجاهدیـن و خصوصـا امیـران جهـاد را صبـر و اسـتقامت نصیـب فرمایـد تـا بـا ادامـه دادن مسـیر بـا رب آسـمان هـا در حالـی ملاقـی شـویم کـه لبـاس هـای مـان بـا گـرد و غبـار سـنگر وجهاد گردآلـود و غبـار آلـود باشـد!

خامـه ام یـاری نمـی کنـد تـا در بـارۀ عالـم عامـل و سـنگردارِ پارسـایی کـه سـالهای درازی از عمـر خویـش را در راه دِفـاع از ارزش هـای دینـی، مقدسـات اسـلامی و سـرزمین مسـلمانان گذارنـد، چیـزی بنویسـم، چـون قهرمانـان چـون او را قلـم بدسـتان توانمنـد مـی بایـد تـا در شـرح حـال شـان چیـزی بنگارنـد. بـه هـر صـورت

فـراق حقانـی صاحـب دلهـای هـزاران مـرد و زن مسلمان را دردمنـد سـاخت و راقـم ایـن سـطوررا نیـز ازیـن بهـره ای رسـیده اسـت، بنـاء قلـم بـر داشـتم تـا چیـزی در بـارۀ وی بنویسـیم تـا توانسـته باشـم یـاد مولنـای بـزرگ را در اذهـان تـازه داشـته و مرهمـی بـر دل داغدیـده خویـش گذاشـته و از حقـوق قلمـی کـه رهبـران بـر بـالای مـا دارنـد اندکـی آن را ادا کـرده باشـم.

بسیار انـد کسـانیکه تمـام تـلاش و سـعی شـان بـه خاطـر دسـت یافتـن بـه مـال و منـال نـا چیـز و بـی ارزش دنیـا اسـت و دریـن راه از هیـچ گونـه سـعی و تـلاش دریـغ نمـی ورزنـد و چـه بسـا پـاره ای ازینهـا کـه سـالهای درازی دسـت بلنـد نمـوده و دعـا کـرده انـد کـه: یـا الهـی بـرای مـا علـم، هنـر، فهـم و درایـت و ثـروت نصیـب کـن تـا توسـط آن بـه دیـن و آئینـت خدمـت کنیـم و گویـا مصـداق ایـن قـول الله عزوجـل انـد کـه مـی فرمایـد: "وَمِنْهُم مَّنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ آتَانَا مِن فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ". {بعضی از آنها با خدا (عهد و) پیمـان بسـتند کـه: اگـر (خداونـد) از فضـل خـود (نصیبـی) بـه مـا دهـد، قطعـاً صدقـه (وزکات) خواهیـم داد، واز نیکـوکاران خواهیـم بـود.} ولـی زمانیکـه فضـل و کـرم الله متعـال شـامل حـال آنهـا شـد و بـاران رحمـت الهـی بـر بـالای شـان باریـد و از نعمـت هـای مختلـف منجملـه نعمـت علـم و فهـم و قلـم بهـره منـد شـدند، جامـه بـدل و مسـیر عـوض مینماینـد و بـا تمـام تـوان و قـوت خـود علیـه اسـلام و مسـلمین مبـارزه میکننـد و ایـن قـول الله عزوجـل در آنهـا صـدق میکنـد کـه مـی فرمایـد: "فَلَمَّا آتَاهُم مِّن فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوا وَّهُم مُّعْرِضُونَ" {پـس چـون (خداونـد) از فضـل خـود بـه آنهـا (نصیبـی) بخشـید، بـه آن بخـل ورزیدنـد، واعـراض کنـان روی گرداندنـد (وسـر پیچـی کردنـد.)}.

در طـرف دیگـر هسـتند انسـان هـای کـه حـق بندگـی بـه جـای آورده انـد و در راسـتای تحقـق آرمـان هـای پـاک و مقدسـی کـه بـه خاطـر آن خلـق شـده انـد گام مـی بردارنـد و بـا عهـد و پیمـان کـه بـا رب خویـش بسـته انـد تـا آخـر عمـر وفـادار مانـده انـد، نـه طـول راه آنهـا را خسـته سـاخته، نـه کثـرت دشـمن آنهـا را وارخطـا نمـوده، نـه درخشـش دنیـا آنهـا را فریفتـه سـاخته، نـه لـذت چوکـی و قـدرت بـالای شـان تاثیـر گذاشـته و از ملامـت هیـچ ملامـت گـری هـراس ندارنـد و ایـن قـول الله تعالـی در آنهـا صـدق مـی کنـد کـه مـی فرمایـد: "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ

خبر وفات حقانی صاحب را که در سنگر جهاد وفات یافتند، در سفر جهادی شنیدیم و از الله عزوجل میخواهیم که ما و بقیه مجاهدین و خصوصا امیران جهاد را صبر و استقامت نصیب فرماید تا با ادامه دادن مسیر با رب آسمان ها در حالی ملاقی شویم که لباس های مان با گرد و غبار سنگر وجهاد گردآلود و غبارآلود باشد.

الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ". {مؤمنـان (حقیقـی) تنهـا کسـانی انـد کـه بـه خـدا و پیامبـرش ایمـان آورده انـد، سـپس (در ایـن بـاره) شـک (وتردیـد) نکـرده انـد، وبـا امـوال خـود وجـان هـای خـود در راه خـدا جهـاد کـرده انـد، اینانـند کـه راسـتگویانند.} آری! اینـان صادقین هسـتند و مشـکلاتی را در امتـداد مسـیر حـق بـالای آنهـا مـی آیـد جرعـه جرعـه مـی نوشـند و بـه راه خویـش ادامـه میدهنـد. الله عزوجـل مـا را از جملـه آنهـا بگردانـد!.

مولـوی جـلال الدیـن حقانـی رحمـه الله مـرد دلیـر و شـجاع بـود، او فرمانـدۀ توانمنـد بـود و ماننـد بقیـه فرمانـده نمـاهـا و رهبرنمـاهـا جایـش عقـب جبهـه و ظهـورش هـم از طریـق کمـره هـای دشـمنان نبـود، بلکـه او بـا تأسـی از رسـول الله صلـی الله علیـه وسـلم زره بـه تـن نمـوده و بـا افـراد خـود در خـط اول جبهـه مـی رفـت و بـا دشـمن رو در رو مـی جنگیـد و ظهـور و وجـود خویـش را همیشـه بـا لبـاس هـای گـرد آلـود کـه بـا گـرد و غبـار سـنگر آلـوده بودنـد بـه اثبـات میرسـاند.

او نـه تنهـا کـه یـک مجاهـد غیـور و شـجاع بـود بلکـه یـک دعوتگـر مخلـص و دلسـوز هـم بـود و همیـن شـجاعت و دلیـر مـردی و فـداکاری اش بـار تاثیـر کلماتـش را بـر سـامعین بیشـتر سـاخته بـود. زیـرا کلمـات گوینـده کـه بـر آن هیچگاهـی عمـل نمیکنـد و یـا از عملکـردن آن بـه بهانـه هـای واهـی عقـب نشـینی میکنـد بـر شـنونده تاثیـر انـدک دارد و هـرگاه کلمـات بـا صـدای چکاچـک شمشـیر هـا مـزج و بـا قطـرات خـونِ دلـدادگان راه الله عزوجـل نوشـته شـوند تاثیـرش خیلـی زیـاد مـی باشـد؛ چنانچـه سـید قطـب رحمـه الله میفرمایـد: "سـخنان مـا

مانند عروسک های بی روح می باشند که حرکتی در آنها نیست، ولی زمانیکه ما برای شان جان دهیم، آنها زنده می شوند و در میان زندگان زندگی می کنند.» و این چیزیست که بارها تجربه شده است.

یکی از صفات برازندهٔ مولوی حقانی صاحب رحمه الله این بود که او در اختلافات، کشمکش ها، زد و بند ها و اختلاسات پولی اصحاب پشاور خود را دخیل نساخت و تمام سعی و تلاشش تقویت روند جهادی و اتحاد صف مجاهدین بود. اگر چند او درین کار (متحد ساختن احزاب) موفق نشد و احزاب جهادی هیچگاهی حاضر نشدند تا از قیادت ها متعدد به قیادت واحد در آیند ولی حقانی صاحب تلاش و سعی اش را متوقف نساخت و به سعی خویش ادامه داد و حتی در دوران حکومت برهان الدین ربانی هم کوشش های به خاطر ختم جنگ داخلی و تطبیق شریعت نمود ولکن همه تلاش هایش ره به گوش عاشقان قدرت و چوکی نبرد و صدایش در میان همهمه قدرت خواهی، افزون طلبی و خود خواهی نا پدید گشت، اگرچند – ان شاء الله – که در میزان حسنات شان نوشته خواهد شد.

در شرایطی که رهبران جهاد امثال گلب الدین، برهان الدین، صبغت الله و ... در دفاتر گرم خود در پشاور نشسته بودند و بیشترین وقت ومال شان صرف مغلوب ساختن یکدیگر میشد و سرگرم جمع آوری افراد واموال و اسلحه به احزاب خود بودند، حقانی صاحب سنگرهای جهاد را گرم میداشت و ازین فتنه ها خود را دور می کرد.

حکمتیار به الهامات آی اس آی و سیاف به الهامات جواسیس آل سعود در پی قتل، سرکوب و منزوی ساختن بعض قومندانان بودند و بعضی از قومندانان مشهور که از فرمان گلب الدین حکمتیار و مماثلین مجرمش سر میزدند و یا وفق پلان های شان عمل نمیکردند به شهادت رسانده شدند و گلب الدین حکمتیار درین راستا چنان درخشیده بود و چنان تجربه حاصل کرده بود که حتی باری گفته بود من عبدالله عزام – رحمه الله – را به خاطر اینکه کار (بازار جمع آوری پول) ما را خراب کرده است به قتل می رسانم. و جرم عبدالله عزام رحمه الله این بود که او به مشورهٔ بعض دوستان عرب و عجم مکتب الخدمات را تاسیس کردند تا بتوانند ازین طریق از ضیاع پول

مولوی جلال الدین حقانی رحمه الله مرد دلیر و شجاع بود، او فرماندهٔ توانمند بود و مانند بقیه فرمانده نماها و رهبرنماها جایش عقب جبهه و ظهورش هم از طریق کمره های دشمنان نبود، بلکه او با تأسی از رسول الله صلی الله علیه وسلم زره به تن نموده و با افراد خود در خط اول جبهه می رفت.

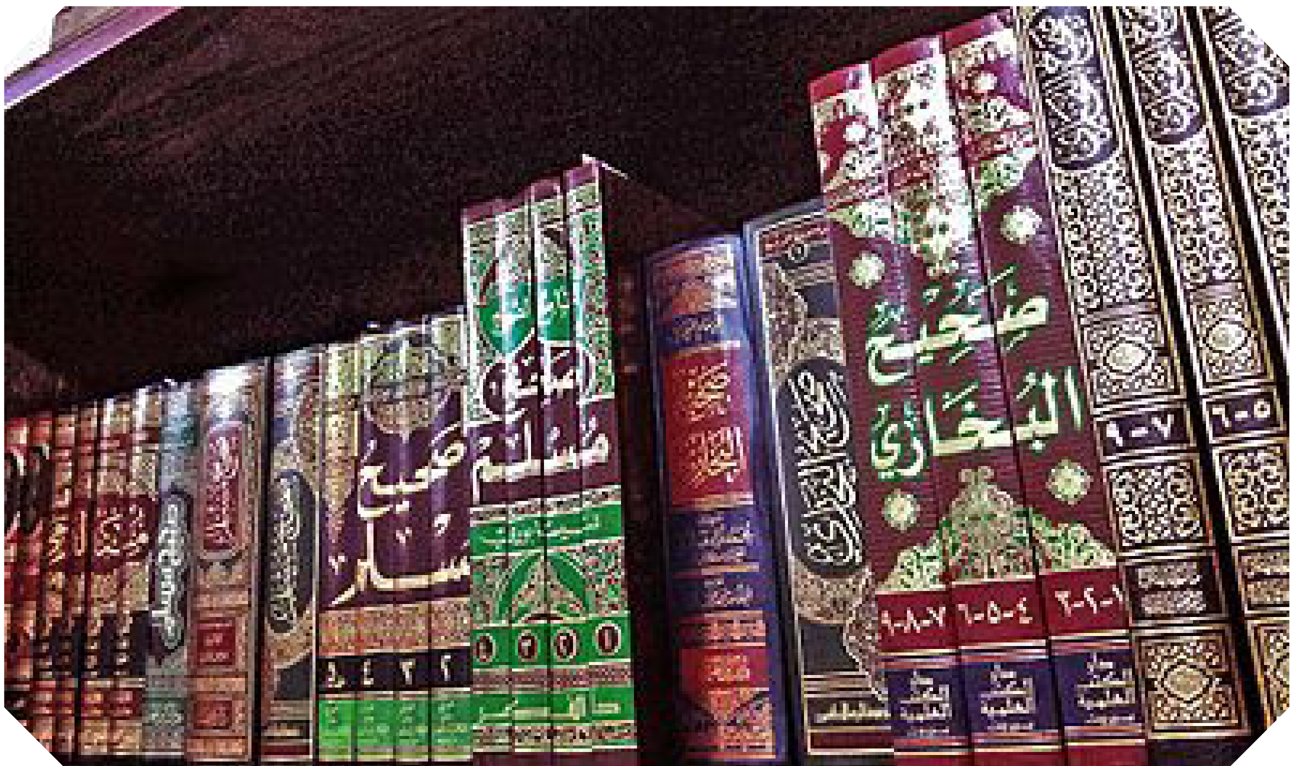
های کمک شده از کشورهای عربی جلوگیری کنند و آنرا به مجاهدین سنگر برسانند.

حقانی صاحب صداقت خویش را حینیکه در خطرناکترین عملیات ها بر ضد کمونستان و مزدوران مرتد شان اشتراک نمود ثابت کرد و از هیچ ملامت گری نترسید. اخلاص و للهیت خویش را وقتی که از پول جهاد تجارت نکرد، خانه های مجلل خریداری ننمود، فرزندانش را به اروپا و امریکا نفرستاد و هیچ امتیاز نه از دولت ربانی ونه از امارت اسلامی طالبان نخواست، ثابت کرد.

به راستی حقانی الگوی صداقت و اخلاص به قرن های پسین و جوانان آیندهٔ اسلام و مسلمانان می باشد و بدون شک چنین دلق پوشان و درویشان اند که خالی از همه آز و طمع و خود خواهی کاخ مجلل عزت و بزرگی و مردانگی را آباد می سازند و نتیجه تلاش های شان بازگشت عزت و شوکت به مسلمانان می باشد و بایست از چنین کسانی آموخت، از تجربه های شان استفاده کرد و آنرا به دیگران رسانید.

حقانی صاحب با همت به بلندای کوه های هندوکش ایستاده شد و با عزیمت آهنین علیه روس ها و امریکای های اشغالگر جهاد و مبارزه نمود و ابوذر وار در غربت در گذشت.

رحمه الله رحمة واسعة



(قسمت اول)

پرسش و پاسخ‌های شرعی

ترتیب: مفتی ابویاسر
ترجمه: حبیب الله حیدری

اشاره: از آنجا که جامعه ما جامعه اسلامی است و همواره پرسش و پاسخ‌های شرعی زیاد در اجتماع ما متداول است اداره مجله حقیقت بر آن شده که همواره بخشی از سوال و جواب های شرعی را از دارالافتای شرعیه و انلاین در سایت اسلام الاماره را تقدیم خوانندگان عزیز خود کند امید است این سلسله نیز مثل سایر سلسله‌ها مورد پسند و رضایت قرار گیرد.

۳ کلمات ارتداد!

الاستفتاء رقم ....

محترم مفتی صاحب یک شخص برای شخصی دیگر گفت: که بیائید نماز بخوانیم شخصی دیگر جواب داد بسیار نماز خواندم اما فایده نکرد (نعوذ بالله).

و یک روز دیگر از یک شخص شنیدم که گفت خواندن و نخواندن نماز هر دو مساوی است (نعوذ بالله).

و همین قسم یک شخص دیگر در وقت عصبانیت به فرزندش گفت: کجا رفته بودی؟ فرزندش جواب داد رفته بودم نماز بخوانم پدرش به نماز دشنام داد. (نعوذ بالله منه)

حالا سوال من این است که این سه حالت در بین مردم ما زیاد رایج است، اگر در باره برایم معلومات دهید که در این حالت ها با چنین جواب‌ها مسلمان از ایمان خارج میشود یا نه؟

(معاویه کلیم)

الجواب حامداً و مصلیا و بعد: در این سه مسئله همه ی فقهاء و محدثین متفق اند که به شعائر دینی، عبادات و امور دیگر دینی استخفاف (تمسخر) کفر است.

همین طور همه ی فقها به این متفق‌اند که مرتکب این سه حالت فوق (جوابهای سه گانه که می‌دهد) از اسلام خارج می‌شود، یعنی که یک شخص بگوید زیاد نماز خواندم ولی فایده نکرد.

یا بگوید خواندن و نخواندن نماز یکسان است.

و یا به نماز دشنام بدهد (نعوذ بالله تعالی منها).

اگـر کسـی در ایـن سـه صـورت عمـداً، یـا اسـتهزاءً، و یـا از اثـر جهالـت (بی‌خبـری) بگویـد از اسـلام خـارج میگـردد نـکاح شـان باطـل می‌شـود، و همه اعمـال قبلی شـان ضائـع میگردد.

مرتکـب ایـن عمـل بایـد دوبـاره تجدیـد ایمـان و نـکاح کنـد، اگـر مراسـم حـج را ادا کـرده باشـد و قدرتـش را داشـت دوبـاره حـج را اعـاده کنـد.

فـی الهندیـة ۲۶۸/۲ البـاب التاسـع فـی احـکام المرتدین : اوقـال : نمـاز کـرده وناکـرده یکی اسـت .اوقـال چندان نمـاز کـردم مـرا دل بگرفـت -فهذاکلـه کفر کذافـی خزانة المفتیـن- اگـر یکـی گفـت من بسـیار نمـاز خوانـدم هیچ حاجـت مـن روا نشـد و آن بـر وجـه اسـتخفاف و طنـز گویـد کافـر گـردد الخ

ومثله فی الفتاوی الحقانیه ۱۲۹/۲



آیا در وضوء مسحِ گردن است؟

الاستفاء:

محتـرم مفتـی صاحـب در وضوء مسـح گردن سـند دارد یـا نه؟ اگـر دارد حکـم فقهی آن چیسـت؟

(المستفتی مولوی سلیمان)

الجـواب حامـداً و مصلیـا و بعـد: مسـح گـردن در حدیث سـند دارد البتـه در بیـن فقهـا اختـلاف اسـت، کـه سـنت اسـت یا مسـتحب،

در مذهـب مـا هـر دو قـول ذکـر شـده اسـت، ولـی قـول اسـتحباب اش راجـح شـمرده میشـود و ایـن قـول (اسـتحباب) شـافعی و حنبلـی هـا هـم اسـت

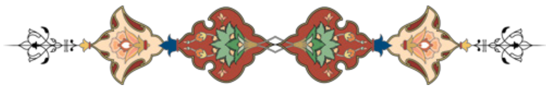
کتبه: مفتی ابو حامد عفی عنه

روی أحمـد فی مسـنده عـن عبد الصمـد بن عبـد الوارث عـن أبيـه عـن ليـث عـن طلحـة عـن أبيه عـن جـده، أنه رأى رسـول الله صلـى الله عليه وسـلم يمسـح رأسـه حتى بلـغ القـذال و مـا يليـه من مقـدم العنق بمـرة. قـال: القذال السـالفة العنق.

وعـن ابـن عمـر أنـه كان إذا توضـأ مسـح عنقـه، ويقـول: قـال رسـول الله صلـى الله عليـه وسـلم: من توضأ، ومسـح عنقـه لم يغـل بالأغلاق يـوم القيامـة. أخرجه أبـو نعيم فی تاريـخ أصبهان.

وفـی الموسـوعة الفقهيـة ۶/۲۳ مسـح الرقبـة فـی الوضوء ذهـب الحنفيـة وهوروايـة عـن احمـد الـی اسـتحباب مسـح الرقبـة بظهـر يديـه لاالحلقـوم اذلـم يردبذلک سـنة عندالوضـوء، وهنـاک قول لـدی الحنفيـة بان مسـح الرقبة سـنة الخ

وفـی ردالمحتـار ۱۲۴/۱ قولـه ومسـح الرقبـة هوالصحيح وقيـل انهـا سـنة كمافـی البحـر وغيره.



اگـر رکعـت هـای گذشـته را بـا شـخصی دیـگـر کـامـل نمـایـم؟

الاسـتفاء: محتـرم مفتـی صاحـب سـوال من این اسـت که مـن بـه همراهـی یـک رفیقـم در حالتـی بـه نمـاز عصر رسـیدم که سـه رکعـت از ما گذشـته بـود وقتیکـه امام از نمـاز فـارغ شـد من و رفیقـم به قیـام بلند شـدیم ولی من فرامـوش کـردم کـه مـن بـا امام یـک رکعـت خوانـدم یا دو رکعـت، بعـد من بـه رفیقم در نمـاز متوجه شُـدم وقتی رفیقـم سـه رکعت را ادا کرد من هم سـه رکعـت را خواندم در ایـن صـورت نمـاز من کامل میشـود یا نه؟ اگـر در این باره معلومـات بدهید.

(المستفتی احمد)

الجـواب حامـداً و مصلیـا و بعـد: در صـورت مذکـور کـه شـما به رفیـق تان توجـه کرده نمـاز را کامـل کردید نماز تان درسـت اسـت.

فـی ''حاشـية الطحطـاوی علـی مـرا قـی الفـلاح' ص / ۱۸۵ بـاب الامامـة : وان لا يكـون الإمـام مصليـا فرضـا غيـر فرضـه- ولا مسـبوقا لشـبهة اقتدائـه - وفی حاشـية الطحطـاوی : (لشـبهة اقتدائـه) ای حـال تحريمتـه ، وإنمـا لذمتـه القراءة لشـبهة الإنفـراد ، نعم إذا المسـبوقان ملاحظاً احدهمـا الاخـر ليعلـم عـدد مـا عليـه مـن فعله فـلا باس بـه .

وفـی'' الفتـاوی الهندية '' (۹۲/۱ ، کتاب الصلو): ولونسـی احـد المسـبوقين المتسـاويين كمية ما عليـه فقضی ملاحظا للاخـر بـلا اقتـداء بـه صـح كذا فـی الخلاصـة - كـذا فی البحـر الرائق -



در بـاره نشـر وپخـش مسـائل دینـی در سوشـل میـدیـا !

محترم مفتی صاحب!

تعـدادی کثیـری از مـردم اسـت کـه به لسـان های پشـتو، فارسـی، و اردو از فتـاوا نقـل کـرده در فیسـبوک تویتـر واتسـاپ و .... بـه مـردم جواب سـوالش را مـی دهند و یا

خود شان نشر می کنند در عین صورت هم اینها عالم نیستند و نه هم متخصص فقهی است، حالا این عمل اینها از نگاهی شریعت جائز است یا نه؟ اینها این عمل شان را عمل خیر هم می‌پندارد.

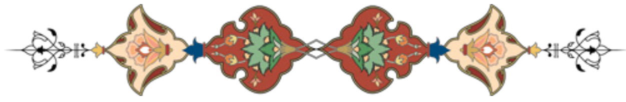
الجواب حامداً و مصلیا و بعد:

دانشمندان فقهی ما نگاشته است، که در امور دینی خاصتاً در مسئله فتوا و در نشر مسائلی دینی از احتیاط شدید کار گرفته شود، جدا از آن علماء و متخصصین (که در کمبود و کیفیت آن خوب آگاه باشد و در اموری معنوی آن فهم کامل داشته باشد به همین طور به طرز فتوا دادن فهم داشته باشد) هیچ کسی دیگر حق نشر و پخش مسائل را ندارد.

این عمل وی نه تنها ثواب ندارد بلکه در اندکی اشتباه مرتکب گناهی بزرگی می‌شود.

قال النبی صلی الله علیه وسلم : اجرئکم علی الفتیا اجرئکم علی النار .الحدیث. سنن الدارمی باب الفتیاومافیه من الشدة ۲۵۸/۱

وفی شرح عقودرسم المفتی ۳۷ : و قد رایت فی فتاوی ابن حجر رحمه‌الله سئل فی شخص یقرأ ویطالع فی الکتب الفقهیة بنفسه ولم یکن له شیخ ویفتی ویعتمد علی مطالعته فی الکتب فهل یجوز له ذلک ام لا ؟ فاجاب بقوله : لایجوز له الافتاء بوجه من الوجوه لانه عامی جاهل لایدری ما یقول بل الذی یاخذالعلم عن المشائخ المعتبرین لایجوز له ان یفتی من کتاب ولامن کتابین الخ ... و لذلک قالوا لیس کل من قرأ الکتب الفقهیة اهلا للافتاء حتی تکون قدتدرب علی الافتاء بصفة مستقلة وشهدله العلماء بانه اهل للافتاء



درس و تدریس علومی دینی یک فریضه ی اهم است !

الاستفتاء: محترم مفتی صاحب!

بعد از فراغت علومی دینی و فنون کدام راه را باید انتخاب کرد؟

اول اینکه جهاد علیه کفار اشغالگر و همپیمانانش است، دوهم اینکه بنده های الله را به راه مستقیم دعوت کردن ا ست

و سوم اینکه درس و تدریس علومی دینی است، آیا این هم ضروری است؟

(المستفتی عبیده)

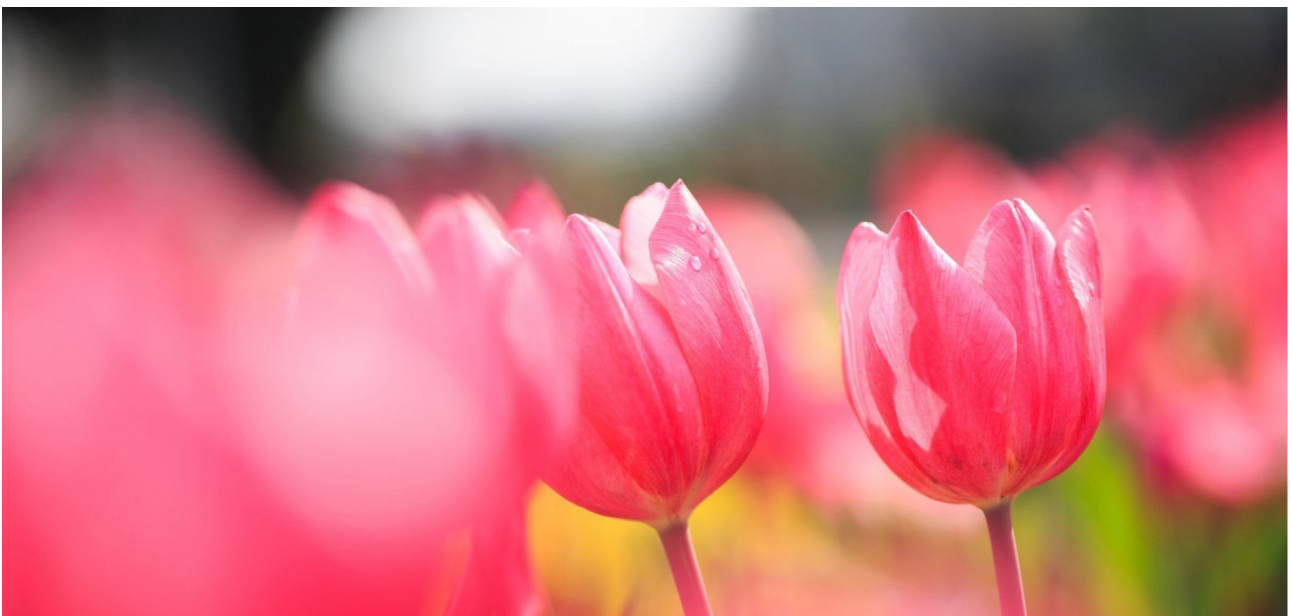
الجواب حامداً و مصلیا وبعد:

مثلکه جهاد و دعوت از جمله ی فرائض است همین قسم تدریس علومی دینی هم از جمله ی فرائض است، علماء می نویسند اگر در منطقه علمای بهتر برای درس و تدریس بود در آن جا تدریس فرض کفایه است اگر نبود فرض عین است.

فی مجموع شرح المهذب ۲۶/۱ تعلیم الطالبین وافتاء المستفتیین فرض کفایة فان لم یکن هناک من یصلح الا واحد تعین علیه .

وفی المرقات ۲۸۶/۱ ویلزم تعلیم العلم اللازم تعلیمه کاستعلام الکافر یریدالاسلام عن الاسلام...

٣٦





اسلامي امارت ګټونکی دی

سید شریف

اسلامي امارت پرګران هیواد دامریکایي یرغل له پیل څخه داشغال ضد مبارزه شروع کړې. په خپل ښرساري جرئت،تدبیر او متانت سره یې دښمن ته ثابته کړې چې په ولس کې پراخې، ژورې او نه شلېدونکې ریښې لري او اسلامي امارت یوه ډله نه ، بلکې یو لوی ولسي خوځښت او بنسټ دی.

دښمن داسلامي امارت پر ضد پراخ منفي تبلیغات وکړل،وحشیانه پوځي عملیات یې ترسره کړل او هر اړخیز بندیزونه یې پرې وضع کړل. خو اسلامي امارت دالله تعالی په نصرت، دافغان ولس په ملاتړ او دمشرتابه په ښرساري اخلاص او تدبیر سره ددې ټولو فشارونو او بندیزونو څخه کامیاب او سرلوړی راووت.

دې وروستیو کې یرغلګرو هم څه واقعیتونه درک کړې، داسلامي امارت سره یې ابتدایي خبرې پیل کړې او دروانې معضلې سوله ییز حل ته یې سر خوځولی. اسلامي امارت په خپل وار سره دیرغلګرو اندېښنې او غلط فهمی ځواب کړې او ټینګار یې کړی چې تر هغو به خپلې روانې جهادي مبارزې ته دوام ورکوي چې یرغلګر په یو مخیزه توګه له ګران هیواد(افغانستان) څخه وځي.

همداراز اسلامي امارت په مختلفو نړیوالو کنفرانسونو کې د سولې په اړه خپله پالیسي وړاندې کړې او د سیمې او نړۍ د مهمو هیوادونو له لوري یې هرکلی شوی دی.

داسلامي امارت مشرتابه دامارت له تاسیس څخه تراوسه بار- بار ثابته کړې چې په اسلامي ارزښتونو، خپلواکۍ او ملي منافعو یې په هیڅ ډول له هیڅ جهت سره سودا نه ده کړې. دمظلوم ولس او په سنګرونو کې دمیشتو اتلو مجاهدینو هیلو اوارمانونو ته ژمنتیا یې په اثبات رسولې. ددښمن دهر ډول فشارونو په وړاندې یې کمزوري دریځ نه دی غوره کړی او دخپلې اسلامي او ملي داعیې او پاک هدف دترلاسه کولو په لار کې یې له هیڅ ډول قربانیو څخه ځان نه دی دریغ کړی.

اسلامي امارت په سیاسي ډګر کې هم د نظامي میدان په څېر دښمن پرګونډو کړې،ددښمن له شومو اهدافو یې پرده پورته کړې او دافغانستان او افغان ولس پر ضد دیرغلګر او داخلي دښمن ګڼ تخریبي پلانونه یې خنثی کړي دي.

داسلامي امارت معقولې او معتدلې تګلارې ته په پام سره عام باور دادی چې: «اسلامي امارت دګران هیوادد روانې معضلې په هر بعد کې ګټونکی دی».

ان شاء الله العزیز

صفحهٔ ویژه شیر بچه های هندوکش

(بخش سوم)

گرد آورنده: محمد عمار رستاقی

خدای خوب

خدایا! ای خدای خوب
خدای بزرگ و مهربان
تو خوبی و پاکی
تو بزرگی و زیبایی
خدایا! تو آفتاب و ماهتاب را آفریدی
خدایا! تو دریا و جوی ها را آفریدی
خدایا! تو گلهای رنگارنگ و قشنگ را آفریدی
تو خاک را آفریدی و ما از خاک آفریدی
خدایا! تو همه چیز را خیلی قشنگ و زیبا آفریدی
اینهمه را برای خوشی و خرسندی ما آفریدی تا دنیای قشنگ
داشته باشیم
پس ای خدایا! این نعمت ها را برای ما حفظ کن
ای خدایا! ما را توفیق شکر آنرا بده

امیر المومنین عادل

امیری بود خیلی عادل و خدمتگذار. او شب از خانهء خود بیرون می شد تا احوال مردم و رعیت خودرا بگیرد مگر هیچ کسی نمی دانست که او امیر المومنین است. شبی از خانه بیرون شد و از دور صدای گریهء اطفال را شنید. او قدم های خودرا تیز تر ساخت و به آنجا رسید. دروازه را تک تک کرد و دید که اطفال از گرسنگی زیاد گریه دارند و مادر شان دیگ خالی را بالای آتش گذاشته و کوشش دارد تا اطفال را با این دیگ خالی فریب دهد تا بالاخره بخوابند.

این صحنه امیر المومنین را به گریه انداخت و به بیت المال برگشت، بوجی آرد را بر سر شانه خود انداخت و بسوی خانه اطفال در حرکت افتید. غلامش خواست تا آرد را از شانه اش بردارد مگر او برایش اجازه نداد و گفت که آیا در روز آخرت نیز بار را از دوشم بر می داری. رفت تا آنجا رسید و بدست های مبارک خود غذا آماده کرد و به اطفال داد و بعد از آن که سیر شدند و به خواب رفتند امیر المومنین خواست بر گردد. زن از وی تشکری کرد و گفت که تو مستحق تر از عمر برای خلافت مسلمان ها هستی. غلام تبسم کرد و گفت که این عمر بن الخطاب امیر المومنین است.

روزهء رمضان

خالد: مادر! امروز پدرم گفت که کمتر از دو ماه به روزه مانده است. روزه چیست؟
مادر: پسرم! روزه هم مانند نماز یك عبادت است و ما مسلمان ها باید آنرا بجا بیاوریم.
خالد: پس باید ما هر روز مانند نماز خواندن روزه هم بگیریم؟
مادر: نی پسرم، روزه در سال یکبار در ماه رمضان فرض است. تمام مسلمان ها باید این ماه را روزه بگیرند.
خالد: آیا مسلمان ها شب و روز روزه می گیرند؟
مادر: نخیر پسرم، مسلمان ها باید از طلوع صبح تا آذان مغرب روزه بگیرند. آنان می توانند شب غذا بخورند و آب بنوشند.
خالد: مادر جان! من هم می خواهم روزه بگیرم.
مادر: نخیر، فرزندم تو هنوز کوچك هستی و روزه بر مسلمانان بالغ فرض است و تو نیز وقتی بزرگ شدی روزه بالایت فرض می گردد.

١٤ **غزوة ذات الرقاع**

تاريخها : شعبان ٤ هـ

مكانها : ذات الرقاع (نخلا)



نخلا موضع بنجد من أرض غطفان من منازل بني ثعلبة بين وادي نخل (الحناكية) و الشقرة ، يبعد عن المدينة ٩٠ كلم تقريباً .

ذات الرقاع : شجرة أو جبل والاصح لأن الصحابة لفوا رقاع الاقمشة على أرجلهم

سیرت نظامی رسول الله صلی الله علیه وسلم (۲۱)

نویسنده: شیت خطاب
ترجمه: راشد شهامت

٤ ـ غزوه ذات الرقاع

الف ـ نیروهای طرفین

۱ ـ مسلمانان : چهارصد سوار و پیاده به فرماندهی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم).

۲ ـ مشرکان : بنی ثعلبه و بنی محارب از غطفان .

ب ـ هدف

در مرحله اول ، از میان بردن بنی ثعلبه و بنی محارب که برای حمله به مدینه منوره گردآمده بودند؛ و در مرحمه دوم گرفتن انتقام خون مسلمانهایی که در واقعه بئر معونه به شهادت رسیده بودند.

حوادث

به رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) گزارش داده شد که گروهی از غطفان نجد، برای تهاجم به مدینه نیرو گرد آورده اند. از این رو همراه چهار صد سوار و پیاده از یاران خود حرکت کرد تا در نُخَلّاجایی که بنو محارب و بنو ثعلبه در آن گردآمده بودند، فرود آمد.

با وجود بسیار بودن شمار نیروهای دشمن ، رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) آنها را چنان غافلگیر ساخت که زنان و اموال خود را به جای گذاشتند و گریختند.

مسلمانان هرآنچه توانستند از غنایم برداشتند و راه مدینه را در پیش گرفتند. اما از ضد حمله نیروهای دشمن بیمناک بودند. از این رو شبها پهره دار ونگهبان مقرر میکردند و روزها احتیاط را از دست نمی دادند، ولی مشرکان اقدام به هیچ گونه عملیاتی نکردند.

رسول الله (صلی الله علیه وسلم)پس از پانزده روز به مدینه مراجعت نمود.

٥ ـ غزوه بدر دوم

الف ـ نیروهای طرفین

۱ ـ مسلمانان : هزار سوار و پیاده به فرماندهی رسول الله (صلی الله علیه وسلم)

۲ ـ مشرکان : بیش از دو هزار جنگجو به فرماندهی ابوسفیان.
ب ـ هدف
تضعیف روحیه قریش و نمایش قدرت مسلمانان در برابر مشرکان و یهودیان .
ج ـ حوادث
رسول الله (صلی الله علیه وسلم)در پایان جنگ احد از ابوسفیان شنید که می گوید: (یک روز در مقابل یک روز، وعده ما سال آینده در بدر.) به این منظور پس از گذشت یک سال کامل از جنگ احد، همراه یارانش برای برخورد با قریش به محل بدر رفت .
آن سال قحطی آمده بود و ابوسفیان میل داشت که جنگ را تا سال دیگر به تاءخیر اندازد. از این رو مردی را به مدینه فرستاد و مسلمانان را این گونه تهدید کرد: (قریش سپاهی گرد آورده است که هیچ سپاهی در میان اعراب به جنگ آن نخواهد آمد، مگر آنکه به سرنوشتی بدتر از احد دچار خواهد گشت .) اما رسول الله (صلی الله علیه وسلم)با بی اعتنای به این تهدید بر حرکت لشکر اسلام اصرار وپای فشاری نمود
مسلمانان به بدر رسیدند و درانتظار قریش ماندند. اما مشرکانی که ابوسفیان با خود از مکه بیرون آورده بود، در رفتن یا ماندن شک کردند و سرانجام سلامت را انتخاب کرده ، در دو منزلی مکه از نیمه راه بازگشتند.
مسلمانان پس از هشت روز انتظار به مدینه بازگشتند. غزوه بدر دوم همه پیامدهای ناگوار جنگ احد را در درون و بیرون مدینه از بین برد.

۶ ـ غزوه دوُمَةُ الْجَنْدل

الف ـ نیروهای طرفین
۱ ـ مسلمانان : هزار سوار و پیاده به فرماندهی رسول الله (صلی الله علیه وسلم)
۲ ـ مشرکان : قبایل صحرانشین ساکن منطقه دومۀ الجندل .
ب ـ هدف
منع قبایل ساکن در منطقه دومۀ الجندل از راهزنی و غارت کاروانها و از میان بردن نیروهایی که برای حمله به مدینه منوّره گرد آورده بودند.
رسول الله (صلی الله علیه وسلم)همراه هزار تن از مسلمانان حرکت کرد و به منظور غافلگیری قبایل دومۀ الجندل ، لشکراسلامی روزها رامخفی می شد و شب هنگام حرکت می کرد.
دومۀ الجندل در مرزهای شام و بین حجاز و شام واقع است . مسلمانان مسافت میان مدینه و آنجا را در پانزده مرحله پیمودند. با رسیدن رسول الله (صلی الله علیه وسلم)قبایلی که در آنجا گردآمده بودند از ترس رویارویی با مسلمانان گریختند. مردم دومۀ الجندل نیز پا به فرار نهادند و مسلمانان با هیچ کس برخورد نکردند. لشکراسلام به منظور تعقیب و رویارویی با مشرکان و یا دستیابی به اخبار مربوط به آنها اقدام به ارسال گزمه ها و گشتیهای جنگی کردند. اما تلاش ایشان به نتیجه نرسید. زیرا قبایل و ساکنان دومۀ الجندل در نقاط دور دست از دیدها پنهان گشته بودند.
مسلمانان پس از چند روز اقامت در دومۀ الجندل به مدینه بازگشتند.

۷ ـ غزوه بنی مصطلق

الف ـ نیروهای طرفین
۱ ـ مسلمانان : نیرویی در حدود هزار نفر سوار و پیاده با سی اسب ، به فرماندهی رسول الله (صلی الله علیه وسلم)
۲ ـ مشرکان : بنی مصطلق از قبیله خزاعه و همپیمان بنی مدلج بودند و فرماندهی آنان را حارث بن ابوضرار خزاعی بر عهده داشت .
ب ـ هدف
از میان بردن گروههای جنگ طلب بنی مصطلق ، پیش از تعرض به مدینه منوره .
ج ـ حوادث
به رسول الله (صلی الله علیه وسلم)گزارش شد که بنی مصطلق (شاخه ای از خزاعه) نیروهای خود را در منطقه مُرَیْسیع نزدیک مکه گردآورده اند تا به مدینه حمله کنندو رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را به قتل رسانند. از این رو رسول الله (صلی الله علیه وسلم) به منظور غافلگیر
ساختن دشمن به سمت آنان حرکت کرد.

ادامه دارد ...





زندگان جاوید بخش ۱۲

مرتب : حبیبی سمنگانی

معلومات و سوانح کوتاه دو تن شهید نامدار و پرآوازه ولایت پروان و سه تن شهدای گلگون قبای ولایت بغلان در بخش ۱۲ زندگان جاوید جا داده شده است. شهید مولوی عطاء الله و شهید مولوی مطیع الله بنیادگذار، مقتدا و الگوی جهاد و مقاومت کنونی در ولایت کوهستانی پروان بودند و مجاهدین آن ولایت از صداقت و شهامت آن ها همواره یاد می کنند و بر صحبت و رفاقت شان می بالند، همچنان هر سه تن شهیدان بغلان در عنفوان جوانی جان های شیرین خود را در راستای پاسداری از دین و میهن عزیز پروانه وار نثار کردند.

شهید مولوی عطاء الله حجت – تقبله الله –

شهید مولوی عطاء الله حجت پسر شیر محمد و نواسهء گل احمد به تاریخ اول سرطان ۱۳۵۰ خورشیدی در یک دودمان متدین در دره وازغر ولسوالی سیاگرد (غوربند) ولایت پروان به دنیا آمد. او آموزش های عصری را در مکتب وازغر و درس های دینی را در اوائل نوجوانی نزد مولوی محمد ظریف آغاز کرد. سپس برای فراگیری علوم دینی به عزم کشور پاکستان رخت سفر بست و سفر علمی خود را در مدارس مختلف منطقهء سوات (ایالت خیبر پختونخوا) ادامه داد. دورهء حدیث را در دارالعلوم دکورک (سوات) نزد شیخ الحدیث مولوی عبدالحق – رحمه الله – تکمیل نموده، سند فراغت را بدست آورد.

شهید حجت – رحمه الله – در سال ۱۳۷۴ خورشیدی یکسال پیش از فتح کابل به صف طالبان پیوست. در سال ۱۳۷۵ خورشیدی در زمان فتح ولایت ننگرهار و شهر جلال آباد مسئول یک گروپ مجاهدین بود. پس از فتح کابل در سال ۱۳۷۵ خورشیدی، به حیث معاون لوا و مسئول محاذ ولسوالی های غوربند (پروان) وظیفه انجام داد. در سال ۱۳۷۷ خورشیدی، در ریاست پانزدهء استخبارات به حیث مدیر اوپراتیفی و در سال بعدی مسئول علمای زون شرق تعیین شد. در روزهای تهاجم وحشیانهء نیروهای صلیبی به سرکردگی امریکا هدف بمباردمان طیارات جنگی دشمن قرار گرفت. رانندهء



موتر او شهید و خودش زخمی شد.

شهید حجت – رحمه الله – در سال ۱۳۸۴ خورشیدی با انسجام مجدد مجاهدین امارت اسلامی به مقاومت و مبارزه نظامی آغاز کرد. در جریان فعالیت های جهادی، بر مراکز اشغالگران و اجیران داخلی در کابل عملیات های نظامی انجام داد. اما روز یکشنبه ۲۶ سنبله ۱۳۸۵ خورشیدی بدست دشمن اسیر شد، او مدت پنج سال در محبس پلچرخی زندانی ماند و به تاریخ ۳ حمل ۱۳۹۰ خورشیدی از قید رها گردید.

سپس شهید مولوی عطاء الله حجت – تقبله الله – در همان سال از سوی بزرگان امارت اسلامی بحیث مسئول کمیسیون نظامی ولایت پروان و در سال ۱۳۹۱ خورشیدی بحیث معاون والی پروان مقرر شد. سرانجام ساعت یک شب چهارشنبه – ۱۵ قوس ۱۳۹۱ خورشیدی مصادف با ۵ دسمبر ۲۰۱۲ میلادی – خارجی های اشغالگر چاپه انداختند، شهید مولوی صاحب یک ساعت مقاومت نموده خود را با مجاهدین از محاصره نجات داد، اما در بمباردمان طیارات دشمن به شهادت رسید.

شهید مولوی مطیع الله فاتح – تقبله الله –

شهید مولوی مطیع الله فاتح فرزند ملا شیرگل در سال ۱۳۶۰ خورشیدی در درهٔ وازغر ولسوالی سیاگرد (غوربند) ولایت پروان چشم به جهان گشود. شهید فاتح – رحمه الله – تا صنف هشت مکتب در لیسهٔ وازغر درس خواند. سپس عازم کشور پاکستان شد و علوم متداول دینی را در مدارس مختلف ایالت خیبر پختونخوا فراگرفت. دورهٔ حدیث را نزد شیخ القرآن و الحدیث مولوی سلطان محمد ثاقب صاحب در چارسده، خیبر پختونخوا به تکمیل رسانید و دستار سفید فضیلت را به سر نمود.

سپس شهید مولوی مطیع الله فاتح که هم روستای شهید مولوی عطاء الله حجت – تقبلهما الله – بود مبارزه و مقاومت جهادی خود را به سرکردگی شهید حجت در منطقهٔ خود آغاز کرد و در حملات و عملیات های زیادی جهادی در برابر اشغالگران و مزدوران شان سهم گرفت. او مدتی به حیث دلگی مشر فعالیت کرد و سپس مسئول جهادی ولسوالی سیاگرد نیز تعیین شد و تقریبا مدت پنج سال صادقانه و صمیمانه این وظیفه را به پیش برد.

شهید فاتح – رحمه الله – بالاخره به تاریخ ۲۴ عقرب ۱۳۹۱ خورشیدی به شهادت رسید.

(سپاس ویژه از محترم مولوی برهان الدین بامیانی، بدر پروانی و ورثای شهید حجت، بابت تهیه جزئیات و سوانح زندگی شهید حجت و شهید فاتح)

شهید ملا عبدالناصر مظلومیار – تقبله الله -

شهید ملا عبدالناصر مشهور به مظلومیار پسر قاری محمد عادل در سال ۱۳۷۴ خورشیدی در روستای اتفاق قشلاق منطقهٔ دندغوری ولسوالی پلخمری ولایت بغلان چشم به جهان گشود. درس های ابتدایی را در روستای خود نزد امام مسجد فراگرفت. سپس مدتی کتاب های ابتدایی علوم دینی را در مدرسه خروطی و پس ازان در دارالعلوم حضرت سعد بن وقاص – رضی الله عنه – در دندغوری خواند.

شهید عبدالناصر مدت پنج سال در صفوف امارت اسلامی خدمات جهادی انجام داد و در جنگ های زیادی سهم گرفت. او بر علاوه از دند غوری و دند شهاب الدین (ولسوالی پلخمری) در عملیات های ولسوالی های بغلان مرکزی و دهنه غوری (بغلان) و نیز در فتح ولسوالی تاله و برفک (ولایت بغلان) سهیم بود. شهید عبدالناصر در عملیات های جهادی ولایت سمنگان نیز سهم گرفته بود. او درین اواخر به حیث گروپ مشر خدمت می کرد.

به تاریخ ۱۳ عقرب امسال، قطعهء صفر ۹ دشمن عملیات زمینی و هوایی را در منطقهء دندغوری به راه انداخت، شهید ملا عبدالناصر مظلومیار با چند تن مجاهد دیگر فداکارانه در خط مقدم مقاومت قرار گرفتند و پس از رویاروی های شدید با مزدوران صلیبی، بالاخره روز سه شنبه ۱۵ عقرب ۱۳۹۷ خورشیدی - مصادف با ۶ نومبر ۲۰۱۸م - بر اثر بمباران دشمن در قریهء جوی نو (دندغوری) جام شهادت را نوش جان نمود. جسد شهید مظلومیار سه شب و روز زیر خاک ماند و روز جمعه ۱۸ عقرب دفن خاک شد.

شهید قاری عبدالرؤف عرفانی - تقبله الله -

شهید قاری عبدالرؤف عرفانی پسر حاجی علی محمد در سال ۱۳۷۶خورشیدی در روستای اسلام آباد منطقهء دندغوری ولسوالی پلخمری ولایت بغلان به دنیا آمد. شهید عرفانی تعلیمات ابتدایی خود را در روستای پدری اش آغاز نمود. حفظ قرآن مجید را در مدت دو سال در مدرسهء مولوی صاحب ایشان قل در منطقه خود تکمیل نمود. سپس مدت یکسال دیگر در همان مدرسه درس خواند و سپس برای تحصیلات بیش تر به کابل رفت و مدتی هم در پنجشیر درس خواند.

شهید قاری عبدالرؤف استاد حفظ قرآن مجید بود و قبلا فعالیت رسمی با مجاهدین نداشت. اما هرگاه خبر شد که خارجی های اشغالگر به منطقهء دندغوری آمده اند، فداکارانه به خط مقدم جنگ رفت و در همان روز اول به تاریخ ۱۵ عقرب ۱۳۹۷ خورشیدی با شهید ملا عبدالناصر مظلومیار یکجا بر اثر بمباران دشمن در قریهء جوی نو (دندغوری) به مقام سعادت بخش شهادت نائل گردید و در همان روز به خاک سپرده شد.

(سپاس ویژه از محترم فاتح بغلانی بابت تهیه جزئیات و سوانح زندگی شهید مظلومیار و شهید عرفانی)

شهید محمد عوض الماس - تقبله الله -

شهید محمد عوض الماس فرزند قومندان عبدالخالق مجاهد به تاریخ ۲ میزان ۱۳۷۴ خورشیدی در یک خانوادهء مجاهد و شهید پرور در ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان چشم به جهان گشود. درس های ابتدای دینی را در مسجد جامع پشته قرهء برفک و تحصیلات عصری را در لیسه برفک آغاز نمود و صنف دوازده را هم دران جا تکمیل نمود. سپس نسبت به مشکلات اقتصادی که داشت به کشور ایران سفر کرد و مدتی دران جا مشغول کسب روزی حلال بود.

پس از برگشت از ایران، برای مبارزه با صلیبی های اشغالگر و مزدوران شان کمر بست و به صف مجاهدین امارت اسلامی پیوست. شهید محمد عوض الماس به هدف رضای پروردگار و استقلال کشور عزیز در ولایات مختلف کشور از جمله بغلان، پروان و بامیان جنگید، دره های غوربند ولایت پروان و مناطق کهمرد و اشپشتهء ولایت بامیان از نقاطی بود که شهید الماس - رحمه الله - دران جا مردانه وار به مبارزه پرداخت. او به سرکردگی قاری معراج الدین فاروق در فتوحات زیادی جهادی سهم داشت.

بالاخره در جریان نبردی که یک هفته در ولسوالی تاله و برفک طول کشید، به تاریخ ۳ عقرب ۱۳۹۶ خورشیدی مصادف با ۲۵ اکتوبر ۲۰۱۷ میلادی در ساحه دهن ترموش ولسوالی تاله و برفک جام شهادت را نوش جان نمود و به لقای محبوب حقیقی پیوست.

(با سپاس ویژه از محترم مولوی عبدالاحد هلال بابت تهیه جزئیات سوانح شهید الماس)





نمونه هایی از جنایات جنگی دشمن در ماه جنوری ۲۰۱۹ میلادی

تحقیق و ترتیب: حافظ سعید

بتاریخ دوم ماه جنوری سال ۲۰۱۹ میلادی در حمله درون اشغالگران در منطقه سیاسار ولسوالی شیندند ولایت هرات ۲ فرد ملکی به شهادت رسیدند.

بتاریخ ۲جنوری اشغالگران بر قریه های علم خیل، ملا خیل و اوزمبورک در ولسوالی سیداباد ولایت میدان وردگ چاپه زدند که در جریان چاپه دروازه های خانه را با بمب منفجر کرده، ۲ تن از هموطنان ملکی را به شهادت رسانده و ۶ تن دیگر را دستگیر کردند.

بتاریخ ۳ جنوری سه تن از حفاظ یک مدرسه در نتیجه انداخت های توپچی عساکر داخلی در منطقه اسحاقزو مربوط ولسوالی مرغاب ولایت بادغیس به شهادت رسیدند.

بتاریخ ۳ جنوری عساکر اشغالگران و داخلی مشترکا بر منطقه شرافت در ولسوالی سنگین ولایت هلمند چاپه زدند که در جریان چاپه ۱۳ باب دوکان مردم ملکی را چور و سپس آتش زدند.

بتاریخ ۵ جنوری طیارات اشغالگران اڈهٔ لور شاولیکوت در ولسوالی شاولیکوت ولایت قندهار را بمباران کردند که در نتیجه ۶ زن و ۷ مرد به شهادت رسیده و ۳ تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ ۶ جنوری طیاره درون اشغالگران یک فرد ملکی بنام حاجی عبدالحکیم را در مرکز ولسوالی المار ولایت فراه هدف حمله قرار داده، به شهادت رساندند.

بتاریخ ۶ جنوری در جریان چاپه، نیروهای مشترک ۲ فرد ملکی را در قریه بالای ولسوالی ده یک ولایت غزنی به شهادت رساندند.

بتاریخ ۷ جنوری در حمله طیاره درون اشغالگران یک کودک خردسال در منطقه گوبن نهرسراج ولسوالی گرشک ولایت هلمند به شهادت رسید.

بتاریخ ۷ جنوری نیروهای اشغالگر و عساکر داخلی مشترکا بر منطقه سفار در ولسوالی گرمسیر ولایت هلمند چاپه زدند که در جریان چاپه دها باب دوکان ، یک کلینیک موسسه برک و دها وسایط نقلیه مردم ملکی را در بازار محل تخریب کرده و ۲ داکتر، ۱ زن و ۲ فرد ملکی را به شهادت رساندند. به گفته مردم محل پس از چاپه نیروهای اشغالگران منطقه را بمباران کردند که علاوه بر تلفات جانی، بیش از ۴۰ میلیون افغانی به مردم زیان مالی وارد شده است.

بتاریخ ۸ جنوری در نتیجه انداخت هاوان از سوی عساکر داخلی که بر ساحات مسکونی در منطقه گنجگل در مربوطات شیروگی، ولسوالی سرکانو ولایت کنر اصابت کرد و سبب شهادت ۲ فرد ملکی گردید.

بتاریخ ۱۱ جنوری پس از درگیری طالبان با نیروهای اشغالگر در منطقه مراباد و خانقی مربوط ترینکوت مرکز ولایت ارزگان، طیارات اشغالگران ساحات مسکونی را در مربوطات خانقی و مراباد بمباران کردند که در این بمباران

۴ فرد ملکی شهید شده و زیان های مالی زیادی به مردم محل وارد گردید.
بتاریخ ۱۲ جنوری اشغالگران و عساکر داخلی مشترکا بر منطقه پنج بز مربوط ولسوالی جوند ولایت بادغیس چاپه زدند که در جریان چاپه دروازه های خانه ها را با بمب منفجر کرده و ۱۰ تن از هموطنان ملکی ما را شهید کردند.
بتاریخ ۱۲ جنوری در چاپه عساکر کماندو بر منطقه دره مربوط ولسوالی ارگون ولایت پکتیکا ۵ فرد ملکی را شهید کرده و زیان های مالی زیادی به مردم رساندند.
بتاریخ ۱۴ جنوری در حمله طیاره درون اشغالگران در میدان بازی در منطقه گاجوی ولسوالی شاجوی ولایت زابل ۲ تن از جوانانی که در محل مشغول بازی بودند، به شهادت رسیدند.
بتاریخ ۱۴ جنوری نیروهای اشغالگر و عساکر داخلی بر شهرک محمد نبی خان در مربوطات ترینکوت مرکز ولایت ارزگان چاپه زدند که در جریان چاپه ۲ فرد ملکی را به شهادت رسانده و ۲۵ تن دیگر را دستگیر کردند. همچنین ۳۶ باب دوکان (کتب خانه، پی سی او، فوتوکاپی، خوارکه فروشی، پرزه جات، یک تانک تیل، یک کلینیک) و دها عراده نقلیه را آتش زده، حریق کردند.
بتاریخ ۱۵ جنوری در نتیجه فیر و انداخت هاوان از سوی عساکر داخلی که بر ساحات مسکونی در منطقه فیض آباد و کوه صیاد ولسوالی شیرین تگاب ولایت فاریاب اصابت کرد، منجر به شهادت و زخمی شدن ۷ تن از هموطنان ملکی گردید.
بتاریخ ۱۵ جنوری عساکر اشغالگر و داخلی بر منطقه عزیز آباد ولسوالی شیندند ولایت هرات بر یک مدرسه دینی بنام نورالمدارس چاپه زدند که در جریان چاپه شاگردان مدرسه را از اتاق هایشان بیرون کرده و ساختمان مدرسه را همراه با کتب دینی و وسایل تدریسی تخریب کردند.
بتاریخ ۱۶ جنوری پس از درگیری بین طالبان با اشغالگران و قوای حکومتی در منطقه بازار کانتینر سره بغل و لوی کاریز مربوط ولسوالی میوند ولایت قندهار، نیروهای مشترک اشغالگر و عساکر داخلی بر مردم ملکی حمله کردند که بشمول زنان و کودکان ۲۰ تن از هموطنان ملکی شهید و ۴ تن دیگر زخمی شدند.
بتاریخ ۲۲ جنوری اشغالگران خارجی ۳ فرد ملکی را در منطقه بلندکاش مربوط ولسوالی سیدآباد ولایت میدان وردگ به شهادت رساندند.
بتاریخ ۲۲ جنوری عساکر رژیم کابل در منطقه سهاکو مربوط ولسوالی زرمت ولایت پکتیا یک فرد ملکی را شهید کرده و ۳ عراده موتر ملکی را از بین بردند.
بتاریخ ۲۲ جنوری اشغالگران ۶ تن از هموطنان ملکی که در ساحه کهنه خمار کوه کندا مربوط مرکز ولایت میدان وردگ مشغول شکار را هدف حمله قرار داده، به شهادت رساندند.
بتاریخ ۲۳ جنوری اشغالگران و نیروهای حکومتی ساحات مسکونی در بازار کهنه ولسوالی سنگین ولایت هلمند را بمباران کردند که در نتیجه بشمول زنان و کودکان ۱۷ تن از هموطنان ملکی شهید و ۵ تن دیگر زخمی شدند.
بتاریخ ۲۳ یک هیلی کوپتر کمپیوتری نیروهای اشغالگر که مواد منفجره به آن وصل شده بود را با یک خانه در ساحه دوبندی منطقه چرخکیان ولسوالی سنگین ولایت هلمند انفجار دادند که در نتیجه خانه نیمه تخریب شده و ۳ کودک شهید و ۲ تن دیگر زخمی شدند.
بتاریخ ۲۴ جنوری در چاپه نیروهای مشترک بر قریه کنج جغتو مربوط ولسوالی جغتوی ولایت میدان وردگ ۲ تن از هموطنان ملکی شهید و ۳ تن دیگر را دستگیر کرده، با خود بردند.
بتاریخ ۲۶ جنوری در نتیجه چاپه قوای مشترک اشغالگر و رژیم کابل در منطقه پای ناوه مربوط ترینکوت مرکز ولایت ارزگان ۸ تن از هموطنان ملکی را به شهادت رسانده و ۶ تن دیگر را دستگیر کردند، علاوه بر آن یک مسجد و چندین خانه را نیز تخریب کرده و بیشتر از ۲۰ عراده وسایط نقلیه مردم ملکی را نیز آتش زده، حریق کردند.
بتاریخ ۲۷ جنوری اشغالگران و عساکر حکومتی بر منطقه کلاگی ولسوالی حصارک ولایت ننگرهار چاپه زدند که در جریان چاپه علاوه بر وارد کردن خسارات مالی سنگین به مردم محل، ۲ فرد ملکی را به شهادت رساندند.
بتاریخ ۳۱ جنوری عساکر اشغالگر و نیروهای حکومتی بر ساحاه هفتادر مربوط ولسوالی خاکسفید ولایت فراه چاپه زدند که در جریان چاپه دروازه های خانه را شکستانده و مردم را لت و کوب و شکنجه کردند، ملا امام مسجد و ۴ طالب العلم مسجد را به شهادت رسانده و ۱۲ فرد ملکی را دستگیر و با خود بردند.
بتاریخ ۳۱ جنوری ۵ تن از هموطنان ملکی که در یک موتر سوار بودند، در ساحه دوبندی منطقه مانده چرخکیان مربوط ولسوالی سنگین ولایت هلمند از سوی طیاره درون اشغالگران هدف حمله قرار گرفتند که هر ۵ نفر در این حمله به شهادت رسیدند.
بتاریخ ۳۱ جنوری اشغالگران و نیروهای حکومتی پس از درگیری با طالبان در قریه زمان آباد ولسوالی پشتون زرغون ولایت هرات، مردم ملکی در منطقه را هدف حمله قرار دادند که در نتیجه ۳ فرد ملکی شهید و تعدادی از باشندگان قریه را دستگیر کرده، با خود بردند.
(با تشکر از وبسایت الاماره دری)

ماخذها: { رادیوی بی بی سی، آزادی = آژانس اسلامی افغان، پژواک = ویب سایت های خبریال، لر و بر، نن تکی آسیا و بینوا}



اعلامیه ها و پیام های رسمی امارت اسلامی افغانستان

نامه سرگشاده امارت اسلامی به سازمان ملل متحد، کنفرانس اسلامی، سازمان جهانی دفاع از حقوق بشر و دادگاه بین المللی جنایات جنگی در مورد جنایات اخیر نیروهای امریکا، ناتو و اداره کابل

جامعه جهانی شاهد است که در شب و روزهای اخیر، نیروهای خارجی و همکاران داخلی شان حملات مکرر و پیهم بر مردم ملکی، مساجد، مراکز دینی، آموزشگاه ها، شفاخانه ها و بازارهای افغانستان انجام داده اند و در نتیجه هزاران تن افغان های ملکی را کشته و با تلفات سنگین مالی مواجه ساخته اند. نیروهای مذکور در حالی به وحشت خود در برابر مردم ملکی ادامه می دهند که روند مذاکراتی میان امارت اسلامی و نماینده گان سیاسی امریکا به سرکردگی خلیلزاد جریان دارد.

امریکایی ها پس ازینکه در عرصه نظامی در مقابل امارت اسلامی شکست خورده اند، می خواهند شکست خود را به امید پیروزی در عرصه دیپلماتیک، با کشتار مردم ملکی جبیره کنند و از جنایات خود به حیث وسیلهء فشار کار گیرند.

ما می خواهیم به طور نمونه چند واقعات دردناک جنایات ضد بشریِ نیروهای خارجی و داخلی را که تنها در دو ماه گذشته رخ داده است، توسط این نامه با سازمان ملل متحد، کنفرانس اسلامی، سازمان جهانی دفاع از حقوق بشر و دادگاه بین المللی جنایات جنگی به گونه مستند شریک بسازیم و در اخیر مطالبهء خود را ارائه نمائیم.

۱ : بتاریخ ۱۸ ماه فبروری جاری، اشغالگران امریکایی با همکاری نیروهای داخلی مدرسهء مشهور دینی «حمیدالمدارس» را در منطقه بدراب ولسوالی تگاب ولایت کاپیسا با تمام ملحقات و لوازم درسی آن، حریق ساختند و در بازار نزدیکیِ آن، دکان های زیادی مردم و شماری از خانه ها را ویران کردند.

۲ : بتاریخ ۱۳ ماه فبروری، عساکر اداره کابل در منطقهء رنج ولسوالی خاک سفید ولایت فراه بر یک کلینک محلی چاپه زدند و یک تن واکسیناتور

به نام غوث الدین و یک تن داکتر به نام احمد را بندی کردند.
این کلینک مربوط به مؤسسه ای به نام MRC است.
۳ : بتاریخ ۹ فبروری، اربکی های ولایت لوگر یک تن استاد مکتب دولتی این ولایت «نورالدین ستانکزی» را در محضر مردم منطقه بی رحمانه به شهادت رسانیدند.
۴ : بتاریخ ۹ فبروری، نیروهای خارجی به همراهی عساکر داخلی در منطقه تنگی ولسوالی ازرهء ولایت لوگر، یک داکتر را شهید و دو فرد محلی را با خود بردند.
۵ : بتاریخ ۳ جنوری، عساکر داخلی پنج تن حافظان یک دارالحفاظ را توسط انداخت توپچی در منطقه اسحاق زیی ولسوالی مرغاب ولایت بادغیس شهید ساختند.
۶ : بتاریخ ۳ جنوری، نیروهای اشغالگر خارجی با مزدوران داخلی شان ۱۳ دکان مردم ملکی را در اثنای چاپه در منطقه شرافت ولسوالی سنگین ولایت هلمند چور کردند و سپس آتش زدند.
۷ : بتاریخ ۵ جنوری، ۶ زن و ۷ مرد ملکی بر اثر بمباران نیروهای خارجی در بندر شاولیکوتِ بالا در مربوطات ولسوالی شاولیکوت ولایت قندهار شهید و ۳ نفر دیگر زخمی شدند.
۸ : بتاریخ ۷ جنوری، نیروهای خارجی و داخلی در منطقه سفار ولسوالی گرمسیر ولایت هلمند در اثنای چاپه بر خانه های مردم ملکی، ده ها دکان، کلینک صحی وابسته به مؤسسهء برک و ده ها وسایط نقلیهء مردم ملکی را ویران و تخریب کردند. نیز دو داکتر، یک خانم و دو مرد ملکی را شهید ساختند. شاهدان عینی می گویند که بر علاوه از تلفات جانی، مردم را به اندازهء ۴۰ ملیون پول افغانی زیان مند ساختند.
۹ : بتاریخ ۱۲ جنوری، عساکر خارجی و داخلی در منطقه پنج بز ولسوالی جوند ولایت بادغیس چاپه زدند، دروازه های خانه ها را شکستند و ده تن هموطنان ملکی ما را شهید ساختند.
۱۰ : بتاریخ ۱۴ جنوری، نیروهای اشغالگر یک ورزشگاه را در منطقه گاجوی ولسوالی شاجوی ولایت زابل آماج حمله درون قرار دارند و در نتیجه ؛ دو جوان ورزشکار را شهید ساختند.
۱۱ : بتاریخ ۱۴ جنوری، نیروهای خارجی و داخلی در شهرک محمدخان در مربوطات ترینکوت مرکز ولایت ارزگان چاپه زدند و در نتیجه ؛ ۲۵ تن افراد ملکی را بندی و دو تن دیگر را شهید کردند.
نیز درین چاپه، نیروهای مشترک ۳۶ دکان مردم ملکی را (که دکان های کتاب فروشی، پی سی او، فوتوکاپی، مواد خوراکه و پرزه جات و شامل یک پمپ تیل و یک کلینک هم بود) تخریب کردند و ده ها وسایط نقلیه مردم ملکی را به گونهء کامل حریق ساختند.
۱۲ : بتاریخ ۱۵ جنوری، عساکر خارجی و دولتی در منطقه عزیز آباد ولسوالی شیندند ولایت هرات بر یک مدرسه دینی «نور المدارس» چاپه زدند، شاگردان را از مدرسه کشیدند و سپس ساختمان مدرسه را با تمام کتاب ها و مواد درسی از بین بردند.
۱۳ : بتاریخ ۱۶ جنوری، قوای اشغالگر و اداره اجیر در ساحات کانتینر بازار و لوی کاریز منطقهء سره بغل ولسوالی میوند ولایت قندهار، پس از درگیری با طالبان ۲۰ تن افراد ملکی به شمول زنان و کودکان را شهید و ۴ تن دیگر را زخمی ساختند.
۱۴ : بتاریخ ۲۲ جنوری، نیروهای خارجی ۶ تن شکار کننده گان ملکی را در اثنای شکار در منطقهء کهنه خمار مرکز ولایت میدان وردک به شهادت رسانیدند.
۱۵ : بتاریخ ۲۳ جنوری، نیروهای خارجی و داخلی منطقهء بازار کهنهء ولسوالی سنگین ولایت هلمند را بمباران کردند و در نتیجه ؛ ۱۷ تن افراد ملکی به شمول زنان و کودکان شهید و ۵ تن دیگر زخمی شدند.
۱۶ : بتاریخ ۲۶ جنوری، نیروهای مشترک در منطقهء پای ناوه در مربوطات ترینکوت مرکز ارزگان چاپه زدند، ۸ تن افراد ملکی را شهید، ۶ تن دیگر را بندی و یک مسجد و چند خانه را ویران کردند و بیش از ۲۰ وسایط نقلیه مردم ملکی را آتش زدند.
۱۷ : بتاریخ ۳۱ جنوری، عساکر خارجی و داخلی در منطقه هفتادر ولسوالی خاکسفید ولایت فراه چاپه زدند، دروازه های خانه ها را شکستند، یک ملا امام و چهار شاگردان او را شهید کردند و دوازده تن افراد بی گناه ملکی را به عنوان اسیران با خود بردند.
۱۸ : بتاریخ ۳۱ جنوری، پنج تن افراد ملکی که در یک موتر سوار بودند در حمله درون خارجی ها در ساحهء دوبندی منطقهء چرخکیانو ماندهء ولسوالی

سنگین ولایت هلمند به شهادت رسیدند.

مسئولیت جامعه جهانی:

کمیسیون تلفات ملکی امارت اسلامی در مورد هر واقعهء این جنایات ضد بشری ارقام مستند را با خود دارد. این جنایات در حالی از سوی نیروهای امریکایی و داخلی صورت می گیرد که به شمول کمیته دفاع از حقوق بشر، ده ها نهاد بشری در جهان وجود دارد. اما نیروهایی امریکایی که به بهانه ی برقراری صلح و آرامش به افغانستان آمده اند، این جنایات ضد بشری را چنان با بی پروایی درین جا انجام می دهند، گویا سازمانی به نام دفاع از حقوق بشر و دیوان بین المللی به نام جنایات جنگی، اصلا در جهان وجود نداشته باشد.

امارت اسلامی حق دارد از سازمان ملل که این نیروها به دستور آن به افغانستان آمده اند بپرسد که آیا این کشتار افغان ها بدست نیروهای خارجی، در قاموس شما تامین امنیت خوانده می شود ؟

آیا کشتار مردم ملکی به ویژه زنان و اطفال بی گناه، و بمباران مراکز مذهبی، آموزشگاه ها و شفاخانه ها، از نگاه شما جنایات بشری خوانده نمی شوند ؟

آیا افغان های ملکی از نگاه شما بشر نیستند، و یا در کمیته دفاع از حقوق بشر استثناء ویژه ای در مورد افغان ها وجود دارد که نیروهای امریکایی را نمی توان به کشتار و شکنجه افغان ها و آتش زدن خانه های شان، محاکمه کرد ؟

بالاخره وجدان بشری و عاطفه انسانی کجا است که برای جلوگیری ازین جنایات دردناک نیروهای امریکایی صدا بلند کند ؟

کنفرانس اسلامی که به هدف دفاع از حقوق مسلمان های جهان تشکیل شده است، چرا در برابر کشتار جمعی افغان ها و تخریب مراکز مذهبی آن ها، سکوت را ترجیح داده است ؟

آیا افغانستان عضو این سازمان نیست و آیا افغان های که درین جا بدست خارجی ها کشته می شوند، بخشی از جامعهء اسلامی نیستند ؟

شما باید از این مظلومیت افغان ها خود را آگاه سازید و صدای مظلومیت ایشان را به گوش جهانیان برسانید.

مطالبهء امارت اسلامی:

امارت اسلامی از کنفرانس اسلامی، سازمان ملل متحد، سازمان دفاع از حقوق بشر، دیوان بین المللی جنایات ضد بشری و رسانه های بی طرف می خواهد بر علاوه از تقبیح جنایات ضد بشری نیروهای اشغالگر و رژیم دست نشانده آنان در افغانستان، از این جنایات جداً جلوگیری بکنند و عاملان آن را از طریق دادگاه جنایات بشری مورد تعقیب قضایی بین المللی قرار بدهند.

اگر سازمان های مذکور بازهم بر جنایات جنگی امریکایی ها در افغانستان سکوت اختیار می کنند، در حقیقت، قاتلان قاسی القلب را جرات بیشتری می بخشند تا با دست های باز به کشتار و شکنجه افغان ها و ویرانی خانه های شان ادامه دهند.

امیدواریم همه جهت های بشری که درین نامه یاد شده اند از روی عاطفه بشری مسئولیت خود را درک نموده و از کشتار جمعی افغان های مظلوم بدست امریکایی های خونخوار و همکاران داخلی شان جلوگیری کنند.

امارت اسلامی افغانستان

۲۲/۱۴۴۰هـ ق

۸/۱۲/۱۳۹۷هـ ش ـ ۲۰۱۹/۲/۲۷م



اظهارات سخنگوی امارت اسلامی در واکنش به راپور یوناما در مورد تلفات ملکی

یوناما، نمایندگی سازمان ملل در افغانستان یکبار دیگر راپور مغرضانه ای را در مورد تلفات ملکی به نشر رسانیده است.

در راپور آمده است که تلفات ملکی نسبت به سالهای گذشته افزایش یافته است و این بار نیز بدون کدام دلیل موجه، مسئولیت ٪۳۷ تلفات ملکی را بدوش مجاهدین انداخته است.

ما این راپور یوناما را رد می کنیم. متاسفانه، به شمول یوناما نهاد های متعدد بشری در موضوع تلفات ملکی برای منافع امریکایی ها کار می کنند.

تمام افغان ها شاهد هستند که در سال گذشته امریکایی ها به اعتراف خود بیش از ۷ هزار بمب بر افغانستان پرتاب نموده اند و هر شب از دو تا پنج جا بر مردم ملکی چاپه زده اند، که منجر به تلفات زیادی ملکی شده است.

اگر وزن یک بمب امریکایی را حد اقل ۲۰ کیلوگرام

فرض بکنیم، امریکایی ها در طی یکسال ۱۴۰ هزار کیلوگرام بارود بر خانه ها، روستاها، بازارها، مساجد، کلینک ها و تاسیسات عامه پرتاب کرده اند.
چشم پوشی از چنین وحشت بزرگ و انتساب ٪۳۷ تلفات ملکی به مجاهدین، به صراحت نشان می دهد که این راپور به شکل نادرست ترتیب داده شده و با استفاده از نام «یوناما» مواد تازهء تبلیغاتی در اختیار رسانه ها گذاشته شده است.
امارت اسلامی این گونه راپورِ دور از واقعیت یوناما را استفادهء نادرست از موضوع حساس بشری می داند و این عملکرد یوناما را عمل خلاف تمام اصول مسلمهء سازمان ملل و خلاف روحیهء تاسیس خود این سازمان می داند.
٪۸۳ تلفات ملکی در نتیجه بمباران های کورکوانه و چاپه های وحشیانهء امریکایی ها، ستعمال سلاح های ثقیل از سوی عساکر اداره کابل و اعمال خودسرانهء ملیشه های اربکی رخ می دهد و افغان ها شاهد این واقعیت هستند.
مجاهدین تا حد اخیر در برابر جان و مال مردم ملکی احتیاط می کنند و یوناما هیچ نمونه ای نشان داده نمی تواند که در کدام حملهء مجاهدین به گونهء قصدی این تعداد تلفات رخ داده باشد.

قاری محمد یوسف احمدی سخنگوی امارت اسلامی
۱۴۴۰/۶/۱۹هـ ق – ۱۳۹۷/۱۲/۵هـ ش
۲۰۱۹/۲/۲۴م



اعلامیه امارت اسلامی در مورد احراق و تخریب مدرسه بزرگ دینی در کاپیسا

با تاسف اطلاع یافتیم که پری شب مدرسهء مشهور دینی و تاریخی «حمیدالمدارس» در منطقهء بدراب ولسوالی تگاب ولایت کاپیسا که به مدرسهء میاگل جان آغا نیز مشهور بود و بیش از صد سال عمر داشت، در چاپه امریکایی ها و مزدوران داخلی شان حریق، و ویران شده است.
این حمله وحشیانه بر چنان مدرسه و مرکز دینی صورت گرفته که در بیش از صد سال گذشته، هزاران تن عالمان را برای خدمت دین پرورش نموده است.
امریکایی های اشغالگر و غلامان داخلی شان با حملات بر مدارس دینی واضح می سازند که آن ها تنها دشمنان خاک و آزادی کشور ما نیستند، بلکه می خواهند ریشه های دینی این کشور را برکنند و زمینه را برای تداوم اشغال شوم خود مساعد بسازند.
اما امریکایی های اشغالگر هنوز هم از این غافلند که سبب شکست بلاک کمونیستی دیروزی این بود که آن ها برای از بین بردن اساسات و شعائر دینی این ملت تلاش می کردند و می خواستند مفکورهٔ کفری کمونیزم را بر این ملت تحمیل کنند.
امارت اسلامی این عمل وحشیانه اشغالگران را که در برابر یک نهاد دینی انجام داده اند، حمله بر اقدار اسلامی، علمی و روحانی می پندارند و آنرا به شدت تقبیح می نمایند.
همچنان تعهد می کند که انتقام این جنایت را از اشغالگران می گیرد، به کاسه لیسان داخلی هم تذکر می دهد که سزای این جرم و جنایت را حتما می بینند.
همچنان امارت اسلامی از مردم خود و نهادها و رسانه های بی طرف جهانی می خواهد چنانکه در عرصهء علم و دانش، دفاع از مکتب و پوهنتون برای ما لازم است، همچنان دفاع از مسجد و مدرسهء این سرزمین نیز وجیبه دینی و ملی تمام مردم ما است که باید انرا انجام بدهیم.
امارت اسلامی به مجاهدین دستور می دهد که در بدل این جنایت، علیه مراکز حساس و لانهء های شر اشغالگران و استخبارات غلامان داخلی، حملات را تنظیم نمایند. و ما ذالک علی الله بعزیز.

امارت اسلامی افغانستان
۱۵/۶/۱۴۴۰هـ ق
۱/۱۲/۱۳۹۷هـ ش ــ ۲۰۱۹/۲/۲۰م



اعلامیه امارت اسلامی به مناسبت سی اُمین سالروز خروج قشون شوروی از افغانستان

امروز سی امین سالروز پر افتخار اخراج اشغالگران شوروی از افغانستان است.
۳۰ سال پیش به تاریخ ۲۶ دلو ۱۳۶۷ هجری شمسی، قشون سرخ شوروی که به هدف رسیدن به آب

های گرم هند بر افغانستان یورش آوردند با چشم های خمیده از افغانستان مجبور به فرار شدند.
قدرت بزرگ شورویِ وقت که کشورهای زیادی آسیای میانه را یکی پس از دیگر در تسلط خود درآورده بود، به همین اراده بر افغانستان هجوم آورد. ده سال درین جا در برابر مردم مجاهد افغانستان از هیچگونه مظالم دریغ نکردند، اما افغان ها برای دفاع از دین و میهن خود بسیار خوب مقابله کردند.
اگر چه این مبارزهٔ ده سالهء جهادی افغان ها در مقابل قدرت بزرگ شوروی برای مردم افغانستان بسیار سنگین تمام شد. یک و نیم ملیون افغان شهید، چند ملیون زخمی، چند ملیون مهاجر و صدها هزار افغان های دیگر زندانی و مفقود شدند. اما در نتیجه ؛ کشور خود را از شوروی ها آزاد ساختند و آن ها را چنان با فضیحت از افغانستان کشیدند که حتی خود را در قالب اتحاد شوروی هم نگه نتوانستند.
امپراطوری بزرگ به نام اتحاد شوروی پارچه پارچه شد و بالاخره مفکورهء کمونیستی حتی در مسکو نیز مورد تمسخر مردم قرار گرفت.
خروج نیروهای شوروی از افغانستان نه تنها برای افغان ها بلکه برای تمام جهان، روز نجات از کمونیزم بود.
این روز، در پهلوی اینکه روز پر افتخار و تاریخی برای افغان ها است، برای امریکایی های اشغالگر امروزی نیز درس های زیادی با خود دارد. درس های که آن ها عبرت بگیرند و پیش ازینکه با سرنوشت اتحاد شوروی دچار شوند اشغال افغانستان را پایان بخشند.
امارت اسلامی در حالیکه به مناسبت این روز پر افتخار به مردم مجاهد خود مبارک باد و تمنیات نیک تقدیم می کند، به امریکایی های اشغالگر توصیه می نماید که از آزمودن مکرر افغان های آزموده شده صرف نظر کنند. افغان ها به هیچ صورت آمادهء معامله بر معتقدات و مصالح ملی کشور خود نیستند.
باید ارزش های دینی و عقیدوی افغان ها را به حیث واقعیت های اساسی در نظر بگیرند و در روشنی آن اشغال افغانستان را کاملا خاتمه بخشند.

امارت اسلامی افغانستان
۱۰/۶/۱۴۴۰هـ ق
۲۶/۱۱/۱۳۹۷هـ ش ـ ۲۰۱۹/۲/۱۵م

اعلامیه امارت اسلامی در مورد تعیین تیم مذاکراتی

بسم الله الرحمن الرحیم
مذاکرات امارت اسلامی با جهت امریکایی جریان دارد و تا اکنون از سوی مسئولین مؤظف شده به خوبی رهبری شده است. اما تیم مذاکراتی ذیل به اساس اهمیت موضوع به هدایت امیرالمؤمنین شیخ هبهٔ الله آخندزاده حفظه الله، از سوی معاون سیاسی امارت اسلامی ملا برادر آخند تعیین و به کار گماشته شد :

۱ : محترم شیرمحمد عباس ستانکزی به حیث مسئول تیم
۲ : محترم مولوی ضیاء الرحمن مدنی به حیث عضو تیم
۳ : محترم مولوی عبدالسلام حنفی به حیث عضو تیم
۴ : محترم شیخ شهاب الدین دلاور به حیث عضو تیم
۵ : محترم ملا عبداللطیف منصور به حیث عضو تیم
۶ : محترم ملا عبدالمنان عمری به حیث عضو تیم
۷ : محترم مولوی امیر خان متقی به حیث عضو تیم
۸ : محترم ملا محمد فاضل مظلوم به حیث عضو تیم
۹ : محترم ملا خیرالله خیرخواه به حیث عضو تیم
۱۰ : محترم مولوی مطیع الحق به حیث عضو تیم
۱۱ : محترم ملا محمد انس حقانی به حیث عضو تیم
۱۲ : محترم ملا نورالله نوری به حیث عضو تیم
۱۳ : محترم مولوی محمد نبی عمری به حیث عضو تیم
۱۴ : محترم ملا عبدالحق وثیق به حیث عضو تیم

تیم تعیین شدهء فوق الذکر روند جاری مذاکرات با جهت امریکایی را به پیش می برد و از روی صلاحیت که داده شده است کارهای مربوطه را انجام می دهد.

امارت اسلامی افغانستان
۷/۶/۱۴۴۰هـ ق
۲۳/۱۱/۱۳۹۷هـ ش ـ ۲۰۱۹/۲/۱۲م



تقدیم: ابو عابد

من آه دل مظلوم

من ناله و افغانم من دیدهٔ گریانم
من آه دل مظلومم من خانهٔ ویرانم
در سینه نهان دارم غم های همه دنیا
خونینه شب و روزم حیرانم و حیرانم
صد مشت ستم خورده این پیکر خونینم
از عالم و از آدم دلگیرم و دلگیرم
نه بوی گل سوسن نه نغمهٔ خوشبویی
افسرده ترین آدم بی کس و تنهایم
بس دود ستم رفته در چشم نگاه من
بس سنگ جفا خورده جسم بی گناه من
یك لحظه نگاهم کن ای پشت و پناه من
بشکسته دل شادم دل خون و پریشانم
من ملت افغانم بی همدم و بی یاور
بشکسته دل شادم دل خون و پریشانم

تفاول

چې له سراب راته شراب راوځي
ښايي تعبير مو نور د خواب راوځي
پیا به غلیم لاس په پرهر وتښتي
پیا به زلمي پښه په رکاب راوځي
له همدې دښتو به توپان راپاڅي
له همدې غرونو به سیلاب راوځي
پیا به د پنج موجونه و ششنیږي
پیا به په چیغو ارغنداب راوځي
دا سروهلي بر وهلي بیړۍ
نور به له غېږې د ګرداب راوځي
هره رویا به مو معنی ومومي
هر یوه سوال ته به ځواب راوځي
ټوپک به وي خو دپردو لپاره
د ځپلو مینځ ته به کتاب راوځي
سعیده داځل مستې نه وي ځایدک
دا ځل به کوچ د انقلاب راوځي

قاری سعید





زور طالب

رحمت حق بر روان آنکه روزی گفته بود — تا نباشد چوب تر تابع شود کی کره خر ؟
گر نبودی صوت رعد آسای تکبیر الفداء — لشکر ملعون غربی بود این جا مستقر !
پایگاه های صلیبی بود این جا دائمی — گر نکردی در مقابل سینه را طالب سپر !
جیش ملعون صلیبی حرف رفتن کی زدی — گرزطالب می نکردی هردم احساس خطر !
زور سنگر گرنبودی "دشمن‌عیسی‌پرست" — کی نشستی با مجاهد رو به رو اندر قطر !
گر ندیدی زور "طالب" را به روز معرکه — فکر صلح و آشتی هرگز نپروردی به سر !
باب "فَرَّ" را نکردی روز و شب وردِ زبان — گر نگردانیدی برویش طالب اینجارا سقر !
ترمپکو هرگزنگفتی جنگ مااینجاخطاست — زُلمَیَك هردم نگفتی ای مسیح "أين المَفَر"؟
ای مسیح امداد کن بیرون شویم اینبار را — تف به هفت اجداد ما، آییم اگر بار دگر !
"راشدا" با نصر حق کافر رود از این دیار — لیك درآندم چه میشد زنده بودی یك نفر !
آن که از آغاز می گفت "نصرحق بامابود" — روضهٔ رضوان شود جای تو ای "ملا عمر"!

راشد مبارز
۲۳ جمادی الثانی ۱٤٤٠



جزئیات عملیات حماسه آفرین شوراب – هلمند

در عملیات فدایی ٤٦ ساعته، ۳۹۷ تن عساکر خارجی و داخلی کشته شدند و وسائط زیادی دشمن از بین رفت.

آغاز حمله :

ساعت ۱۲ شب جمعهء گذشته، ۹ تن مجاهدین استشهادی در جریان عملیات مبارک الخندق بر میدان هوایی شوراب (کمپ باستن) که ادارهء کابل بحیث قول اردوی ۲۱۵ می شناسد، چاپه زدند و عملیات بزرگی انجام دادند.

جریان حمله :

درین عملیات ۹ تن مجاهدین فدایی هر یک مولوی متوکل باللّه از هلمند، حافظ حامد، منتقم، نوید و عبدالرحمان از قندهار، بدرالدین و عمر منصور از غزنی و بدری و هلال از زابل سهم گرفتند. ایشان به سلاح های سبک و سنگین، وسایل لیزری، مهمات، لوازم نظامی و مواد پرتاب شدنی و انفجاری مجهز بودند.

مجاهدین نخست با تاکتیک بسیار خوب توانستند که از ۳ جهت داخل میدان شوراب شوند، در قدم اول خود را به جاهای بود و باش عساکر خارجی، قومندانی کارنیزیون عساکر داخلی و مواضع عساکر کماندو رسانیدند و بطور ناگهانی به فیرها، انفجار های سنگین و حملات پرداختند که تا ساعت ۱۰ شب گذشته ٤٦ ساعت کامل جریان داشت.

مجاهدین در جریان عملیات عساکر دشمن را می کشتند، وسائل، وسائط و تاسیسات شان را از بین می بردند، از طرف شب بر بقایای کماندوهای دشمن عملیات لیزری انجام می دادند و از طرف روز تحرکات دشمن را کنترول می کردند، ذخائر، دیپوها، میدان های هوایی و ورکشاپ ها را آتش می زدند.

تلفات حمله :

در طی این عملیات کامیاب، ۱۳۷ تن عسکر اشغالگر امریکایی که ۱۵ تن شان پیلوت و ۱۸ تن شان انجینران طیارات بودند کشته شدند و ۱۹ تن شان زخمی شده اند. همچنان ۲٦۰ تن عساکر داخلی به شمول قومندان کارنیزیون «سراج» و قومندان عساکر کماندو «منصور» کشته شدند که ۱٤۲ تن آنان کماندوها و ۱۱۸ تن شان عساکر عادی بودند و ۷۳ تن آن ها زخمی شده اند.

همچنان در دو میدان هوایی (مربوط خارجی ها و داخلی ها) ۲ هلیکوپتر داخلی ها و طیارات و هلیکوپتر های زیادی خارجی ها، ۳۳ تانک هاموی، ۱۹ تانک ضربتی، ۲۷ موتر عادی رینجر، ۲۱ عراده موتر انترنیشنل، ۷ عراده امبولانس نظامی، ۱۱ عراده تانکرهای پر از تیل، ۱ دیپوی لوجستیک، ۱ دیپوی پر از مهمات، ۲ ذخیرهء تیل، ورکشاپ بزرگ طیارات، ورکشاپ تانک ها و موترهای رینجر، شماری زیادی کانتینرها، خیمه های ایستاده پر از مواد غذایی و نظامی. یک رادار طیارات و دیگر تاسیسات نظامی دشمن را از روی پلان سپرده شده از بین بردند. تاسیسات نظامی را تقریبا ٤۰٪ ویران کردند و وسایل زیادی دیگری را در برابر دشمن استعمال کردند.

هدف حمله :

این عملیات بزرگ پس ازان تنظیم و انجام شد که امریکایی های اشغالگر و غلامان داخلی شان امسال در سراسر افغانستان چاپه های زیادی بر مردم ملکی زدند، شب هنگام مردم های خوابیده را که بیشتر شان زنان و کودکان بودند شهید و زخمی کردند. خانه های مردم را توسط بمب ها انفجار دادند. مساجد، مدارس، مکاتب، کلینک های صحی، بازارها و مناطق مسکونی را بمباران و ویران کردند و مردم مظلوم افغانستان را بر علاوه از تلفات جانی با تلفات سنگین مالی نیز مواجه ساختند.

از سوی مقام رهبری امارت اسلامی به مجاهدین هدایت داده شد که مخفی گاه های مشترک اشغالگران خارجی و دشمن داخلی، پایگاه های نظامی، دفاتر استخباراتی و مراکزی را که پلان های شوم دشمن دران جا طراحی می شود آماج حملات کوبنده قرار بدهند، تا مجرمین به جزای اعمال شوم شان رسانیده شوند، جنایت کاران با محاسبهء سنگین دچار شوند و باقی مانده گان شان درک بکنند که این ملت با افتخار هیچگاه آمادهء این نیست که کسی آن ها را از مبارزهء شان پشیمان بسازد. حق آزادی شان را غصب و از ارزش های اسلامی منصرف بکند.

پیام حمله :

این عملیات برومند به امریکایی های اشغالگر، شریکان شان و به غلامان کاسه لیس داخلی واضح می سازد که گفتار و کردار ما فرق ندارد، ما تعهدی را که به نمایندگی از ملت غیور و با افتخار افغان کرده ایم حتما وفا می کنیم. ما جنایت کاران را محاسبه می کنیم و انتقام ملت و مقدسات خود را می گیریم.

اگر آن ها پس ازین هم از عقل و منطق کار نگیرند، ظلم و وحشت خود را در برابر مردم مظلوم افغانستان ادامه بدهند، پس وعده می دهیم که در انتظار روز های بدتری ازین باشند، ما با چنین شکل افتخار آفرین و معجزه آسا از حقوق و حدود دین و ملت خود دفاع می کنیم، با زور خود دست دشمن را می بندیم و کشور خود را از اشغال و شر نجات می دهیم. ان شاء اللّه تعالی.

قاری محمد یوسف احمدی سخنگوی امارت اسلامی

۲٦/٦/۱٤٤۰هـ ق

۱۲/۱۲/۱۳۹۷هـ ش ـ ۲۰۱۹/۳/۳م

Haqiqat

Islamic, Political & Jihadi Bimonthly Magazine

